

راه حکمرانی

شماره چهارم | آذرماه ۱۴۰۴

دکتر محمد باقر قالیباف:

مسیر پیشرفت ایران از علم و حکمرانی داده‌محور می‌گذرد و اندیشکده‌های حکمرانی، پیونددهنده دانش و تصمیم ملی در تحقق توسعه متوازن کشور هستند



دکتر حمزه صفربیگی:

اگر بخواهیم براساس بیانیه گام دوم رهبر انقلاب، اندیشکده‌ها را تعریف کنیم، ما حلقه‌های میانی تخصصی، هستیم



سند آمایش سرزمینی

مبنای حرکت ملی با محوریت اندیشکده‌ها در توسعه شرق ایران | صفحه ۲

از بروکراسی متمرکز تا حکمرانی مردم | صفحه ۱

پارلمان آینده، بدون اندیشکده‌ها ممکن است؟ | صفحه ۴

دنبال علمی باشیم که برای کشور لازم و نافع است؛ نه فقط برای حال کشور، بلکه برای ده سال بعد و بیست سال بعد کشور. ممکن است ما در بیست سال بعد، یک نیازی داشته باشیم که از امروز باید تحقیقات آن نیاز شروع بشود. اگر امروز تحقیق نکردیم، اگر امروز خودمان را آماده نکردیم، آن وقتی که لازم داریم دستان خالی خواهد بود.

مقام معظم رهبری



فهرست

آنچه در شماره چهارم راه حکمرانی می خوانید...

گاهنامه اندیشکده های حکمرانی و قانون گذاری | شماره ۴

۲۶

تحلیل نهادی و اقتصادی علل تعطیلی معادن و چالش های فعالیت معدنی در استان خراسان رضوی

۳۰

خلاصه سیاستی «ارتقای مدیریت بحران بیمارستانی با تمرکز بر شرایط جنگی در استان گلستان، چالش ها و راهکارها»

۳۴

پهنه بندی خطر زمین لغزش در استان مازندران: چالش ها، روش ها و راهکارها

۳۷

تحلیل تخصصی محیط زیست و زیرساخت های استان مازندران: چالش ها و راهکارهای یکپارچه

۴۰

تأملی بر اندیشه حکمرانی خوب با تأکید بر قانون اساسی ایران

۴۲

تحلیل شاخص های «برابری» و «عدالت» در نظام حکمرانی خوب

۴۴

توسعه نیافتگی در آغوش ثروت، تخریب نیروی بومی و بلاتکلیفی توسعه ای در استان بوشهر

۴۶

ضرورت حکمرانی و مدیریت یکپارچه منابع آب در ایران: چالش ها، تجارب و راهکارها

۴۸

مدیریت شهری؛ از تولید ثروت تا توسعه ملی: گذار به استقلال مالی و خوداتکایی پایدار استان ها با بودجه ریزی عملکردی

۴۹

تغییرات اقلیمی، شیرین سازی آب دریا و الزامات جدید حکمرانی آب

۵۲

ظرفیت ها، چالش ها و دستاوردهای افق توسعه استان کرمانشاه

۶۴

جایگاه «جامعه مدنی» در «حکمرانی مردمی»

۶۶

چالش های کشاورزی در استان کرمان، از تولید تا بحران منابع آبی

۶۸

ضرورت حکمرانی و مدیریت یکپارچه منابع آب در ایران: چالش ها، تجارب و راهکارهای

۷۰

سناریوهای محتمل پساجنگ قره باغ

۷۲

حکمرانی تمدن ساز خانواده، گذار از سیاست های غرضی به تمهید ساحت متعالی

۲

سند آمایش سرزمینی؛ مبنای حرکت ملی با محوریت اندیشکده ها در توسعه شرق ایران

۲

سرمقاله از بروکرسی متمرکز تا حکمرانی مردمی

۴

آیا پارلمان آینده بدون اندیشکده ها ممکن است؟

۶

نخستین جلسه کارگروه زن و خانواده اندیشکده های حکمرانی و قانون گذاری

۱۸

افتتاح اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری استان های اصفهان، کردستان، مازندران و کرمانشاه

شناسنامه

صاحب امتیاز:

دبیرخانه اندیشکده های حکمرانی و قانون گذاری مرکز پژوهش های مجلس

مدیر مسئول:

حمزه صفربیگی

سرپرست:

معصومه کارخانه

هیئت تحریریه:

ساجد سلیمانیان، حسین سقائی

ناظر فنی و نشر:

سامان حبیبی، میترا کاملی

پشتیبانی و انتشار:

تیام آقا گل، محمد علی رضائیان

گرافیک و صفحه آرا:

سید علی ملانوروزی

راه های ارتباطی:

@HokmRah

andishkadeh.mrc.ir





دکتر مهدی مسکنی

دستیار ویژه رئیس مجلس و
نایب رئیس شورای راهبردی اندیشکده ها

امروزه، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کارگزاران و نخبگان کشور، کیفیت حکمرانی و ضرورت ارتقای آن است. درحالی‌که بنیان‌های فکری نظام بر مردم‌سالاری استوار است، در عمل، شیوه‌های اداره و تصمیم‌گیری تا حد زیادی تحت‌تأثیر ساختارهای متمرکز و بوروکراتیک قرار دارند. این وضعیت، مانع جدی بر سر راه کارآمدی و پاسخگویی ایجاد کرده است. برای عبور از این چالش، راهکار بنیادین، پذیرش و نهادینه‌سازی الگوی حکمرانی مردمی است. این الگو، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت تحولی است که به دنبال تحقق آرمان‌های بیانیه گام دوم انقلاب و ارتقای کیفیت حکمرانی در کشور است.

حکمرانی مردمی: احیای نقش محوری مردم و جهت‌گیری توسعه

حکمرانی مردمی، فرایندی است که در آن، شهروندان از جایگاه «متقاضی خدمت» فراتر رفته و به «شریک اصلی» در تدبیر، اجرا و نظارت بر امور تبدیل می‌شوند. این مدل، با به‌کارگیری خرد جمعی و ظرفیت‌های بالقوه آحاد جامعه، بستری برای یافتن راه‌حل‌های خلاقانه و پایدار فراهم می‌آورد.

عناصر کلیدی این حکمرانی عبارتند از: الف. تغییر جهت قدرت و مسئولیت: حکمرانی مردمی بر توزیع قدرت و مسئولیت تأکید دارد، به‌گونه‌ای که تصمیمات واقعی و مدیریت منابع به سطوح محلی و نهادهای بومی تفویض شود. این اقدام، زمینه‌ساز توسعه پایدار و متوازن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است؛ چراکه مردم نیازها و خواسته‌های خود را به‌طور دقیق‌تر می‌شناسند و در جهت رفع آن‌ها تلاش می‌کنند.

شفافیت و پاسخگویی: این الگو با نهادینه‌سازی شفافیت و پاسخگویی، زمینه را برای مقابله با سوءاستفاده از

قدرت و افزایش سلامت اداری فراهم می‌آورد.

ثبات و انسجام: مشارکت مردم و احساس تعلق خاطر آنان به نظام، به انسجام و همبستگی اجتماعی منجر شده و ثبات اجتماعی را تقویت می‌کند. عملیاتی‌شدن کامل الگوی حکمرانی مردمی مستلزم بسترسازی قوی در دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. در بعد نرم‌افزاری، باید فرهنگ سازمانی حاکمیت، به صورت ریشه‌ای از رویکرد «متولی بودن» به «تسهیل‌گر بودن» تغییر یابد. این تحول فرهنگی، نیازمند اعتماد کامل به خرد جمعی و ظرفیت‌های بالقوه آحاد جامعه و مقابله با محافظه‌کاری‌های ساختار اداری است. در بعد سخت‌افزاری، لازم است مکانیزم‌های دقیق و شفاف برای تفویض قدرت و مسئولیت به نهادهای بومی و محلی طراحی و اجرا شوند تا تصمیمات واقعی و مدیریت منابع به‌شکل مؤثری، زمینه‌ساز توسعه پایدار و متوازن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گردند. این بسترسازی همه‌جانبه، تضمین‌کننده گذار موفق از بروکرسی متمرکز به سمت کارآمدی و پاسخگویی واقعی است.

تحقق کامل این الگو، نیازمند پذیرش منطق مدیریتی جدید است؛ منطقی که بتواند در مقابل محافظه‌کاری ساختار اداری، سرعت، جسارت عمل و خلوص نیت را به کار گیرد. این همان منطق جهادی در مدیریت است که برین‌بست‌شکنی و میدان‌داری تأکید دارد.

اندیشکده‌ها: حلقه‌های واسط

برای پیوند میدان و دانش

برای عملیاتی‌کردن حکمرانی مردمی و تزریق منطق جهادی به بدنه فکری آن، تقویت حلقه‌های واسط حیاتی است. این حلقه‌ها، یعنی اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی که به عنوان بازوی مشورتی مرکز پژوهش‌های مجلس در استان‌ها فعالیت می‌کنند، نقش بی‌بدیلی در تحقق این هدف ایفا می‌نمایند.

این نهادها، وظیفه دارند تا با تکیه بر پژوهش و تحلیل‌های تخصصی، ضمن شناخت دقیق مسائل جامعه و انتقال آن به سیاست‌گذاران، به تبیین سیاست‌ها برای عموم و ایجاد فضای گفت‌وگو بپردازند.

اندیشکده‌ها در واقع ابزاری کلیدی برای ترجمه یافته‌های پژوهشی به زبان سیاست‌گذاران و ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری هستند. با تمرکز بر چالش‌ها و فرصت‌های ویژه هر استان و در دستور کار قرار دادن حضور فعال در حوزه‌های انتخابیه شهرستانی، این نهادها توانایی خود را برای تخصیص بهینه منابع و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای مؤثرتر در سطح استان نشان می‌دهند.

چشم‌انداز آینده و دعوت به مشارکت

چشم‌انداز پیش‌رو، برای این حلقه‌های واسط، روشن و نویدبخش است. انتظار می‌رود که اندیشکده‌ها به تدریج جایگاه محوری‌تری در فرآیندهای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری کشور پیدا کنند و به عنوان مشاوران امین و آگاه در کنار نهادهای اجرایی و قانون‌گذاری قرار گیرند. هدف غایی این تلاش‌ها، بسترسازی مناسب جهت حضور نخبگان در حوزه‌های تخصصی گوناگون و فراهم‌آوری زمینه برای نقش‌آفرینی مؤثر و هدفمند صاحبان فکر و اندیشه در فرآیند تصمیم‌سازی کشور است.

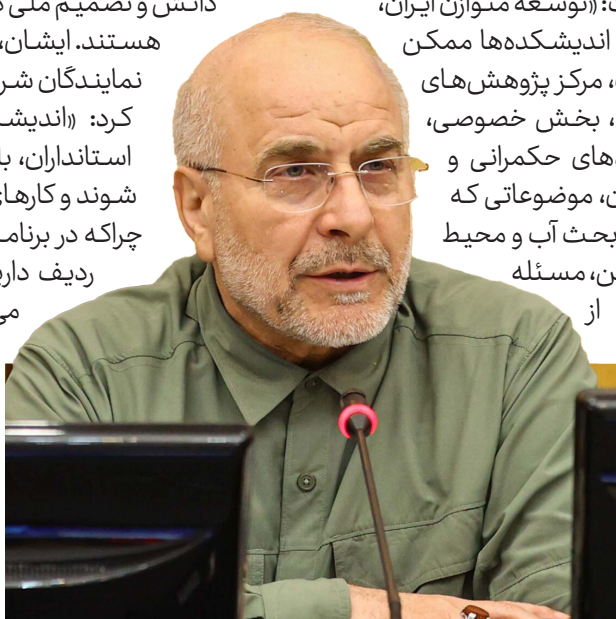
برای تکمیل این مسیر تحولی، هم‌افزایی دانش و تجربه تمامی نخبگان یک ضرورت است. با استقبال از ایده‌های نو و فاخر، می‌توانیم حکمرانی را از غلبه ساختارهای متمرکز خارج کرده و با استفاده از خرد جمعی و منطق جهادی، آن را به میدان عمل مردم بازگردانیم.



سند آمایش سرزمینی؛ مبنای حرکت ملی با محوریت اندیشکده‌ها در توسعه شرق ایران



و منابع، اجرای کامل سند آمایش توسعه سرزمینی (ابلاغ ۱۴۰۲) و تمرکززدایی هوشمند را، شرط اساسی اصلاح مسیر توسعه دانست. دکتر قالیباف، خواستار همکاری ساختاری مجمع نمایندگان شرق، استانداران و اندیشکده‌های استانی در محورهای چون آب و محیط‌زیست، مهاجرت و ترانزیت شد و افزود: ۲۵ درصد معادن کشور، در نوار شرقی، قرار دارد که این امر، می‌تواند موتور توسعه ملی باشد، مشروط بر رفع ناترازی مدیریتی. مسیر پیشرفت ایران از علم و حکمرانی داده‌محور می‌گذرد و اندیشکده‌های حکمرانی، پیونددهنده دانش و تصمیم ملی در تحقق توسعه متوازن کشور هستند. ایشان، با بیان اینکه دبیرخانه مجمع نمایندگان شرق کشور باید فعال شود، اظهار کرد: «اندیشکده‌های استانی با همکاری استانداران، باید با این دبیرخانه هماهنگ شوند و کارهای ملی را در اولویت قرار دهند؛ چراکه در برنامه هفتم برای چالش‌های ملی، ردیف داریم، ما در جلسه ۱۹ آبان ماه، می‌خواهیم عملکرد سال اول برنامه هفتم را با حضور وزرا بررسی کنیم و پیش‌دستور دولت را برای سال دوم و برای اولویت‌های بودجه‌ای سال بعد بررسی کنیم؛ بنابراین مبنای این بررسی، باید در این جلسات بیان شود تا



به‌گزارش روابط عمومی اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری، دکتر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در نشست مجمع نمایندگان استان‌های شرق کشور، عصر دوشنبه ۵ آبان ماه، با بیان اینکه کشورمان در سال ۱۴۰۱ ش. سند آمایش سرزمین داشته است، گفت: «این موضوع، در سال ۱۴۰۲ ابلاغ شده و بنا است که مبنای حرکت ما سند آمایش توسعه سرزمینی باشد که مصوب و ابلاغ، شده است و دولت و مجلس باید این سند را دنبال کرده و پیش ببرند.» ایشان، بر نقش محوری اندیشکده‌های حکمرانی در تدوین برنامه توسعه استان‌های شرقی تأکید کرد و گفت: «توسعه متوازن ایران، بدون بهره‌گیری از ظرفیت علمی اندیشکده‌ها ممکن نیست.» وی بیان کرد: «لازم است، مرکز پژوهش‌های مجلس با همکاری اتاق بازرگانی، بخش خصوصی، نمایندگان مجلس و اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری، در جغرافیای ۸ استان، موضوعاتی که اولویت ملی دارند را انتخاب کند. بحث آب و محیط زیست بسیار مهم است، همچنین، مسئله مهاجرت و حاشیه‌نشینی نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است و حتی بحث ترانزیت، حمل و نقل، کریدور شمال به جنوب و شرق و غرب که این ۸ استان را دربر می‌گیرد، نشان دهنده اهمیت این استان‌ها است. وی با اشاره به نابرابری جمعیت

رئیس مجلس، در نشست مجمع نمایندگان استان‌های شرق کشور، گفت: «زمانی که از تولید، مولدسازی و توسعه، صحبت می‌کنیم؛ یعنی بحث رابطه متقابل انسان و مکان را مطرح کرده‌ایم، امروز، واقعیت تلخی وجود دارد و این است که ۲۱ میلیون نفر جمعیت، در ۵۱ درصد کشور، زندگی می‌کنند، به این معنا است که توزیع انسان به عنوان محور قدرت، معرفت، منزلت و ثروت در کشور ما نرمال نیست.

دکتر قالیباف ادامه داد: «این وضعیت، معادله و عدم تعادل را در حوزه انسان، به عنوان محور اصلی هر مولدی نشان می‌دهد. توزیع جمعیت، به عنوان محور قدرت، معرفت، منزلت و ثروت که پیشرفت جامعه را نشان می‌دهد، در کشور ما نرمال نیست.» رئیس قوه مقننه کشورمان، با بیان اینکه نباید کشور را به شرق و غرب تقسیم کرد، افزود: «ما در این نشست، جمع نشده‌ایم که مشکلات استانی را در سطح ملی، حل کنیم. بحث امروز ما راهبرد ملی است و به عنوان یکی از حیاتی‌ترین مسائلی است که در جلسه سران نیز، باید مورد بحث قرار گیرد. بحث قومی، شرقی و غربی نداریم و نباید به این شکل تقسیم شود. برای ۵۱ درصد کشور و ۲۱ میلیون جمعیت و ۱۷ دهم کشور و ۲۱ میلیون جمعیت، باید چاره اندیشی صورت گیرد. این موضوع، مهمترین چالش ما است که باید مورد توجه قرار گیرد.

دکتر قالیباف، به نقش بخش خصوصی و اتاق بازرگانی در بهبود این وضعیت، اشاره کرد و افزود: «ما اعتقاد داریم که باید صادرات افزایش یابد؛ چراکه منطق اقتصاد، تراز تجاری ما است؛ بنابراین باید تلاش کرد تراز اقتصادی مثبت باشد».



اولویت‌ها شناخته شده و بتوانیم موضوعات را پیش ببریم.» دکتر قالیباف اضافه کرد: «برخی مواقع، مشکل این نیست که پول نداریم، بلکه مشکل ناترازی مدیریتی در کشور است. به طور مثال، اینچه برون، چند سالی است که تأمین مالی شده است، اما اختلاف بین دو مدیرکل در یک وزارتخانه سبب توقف پروژه شده است. مقصیر ما هستیم که به این شکل است؛ بنابراین باید از فرصت‌ها استفاده کنیم.

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: «جلسات و گزارشات بعدی باید توسط دبیرخانه مجمع نمایندگان شرق کشور تدوین شود تا میزان حرکت کارها مشخص شود. از فرصت‌ها باید استفاده کرد تا مهاجرت معکوس اتفاق بیفتد. همچنین ناترازی مدیریتی را باید در این ۸ استان به کمک یکدیگر حل کنیم.

۲۵ درصد معادن کشور در ۸ استان شرقی قرار دارند، این معادن، می‌توانند نوار شرقی کشور را به توسعه برسانند



آیا پارلمان آینده بدون اندیشکده‌ها ممکن است؟

در عصر پیچیدگی‌های فزاینده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، نقش اندیشکده‌های تخصصی در حوزه حکمرانی و قانون‌گذاری، به عنوان پلی میان دانش و قدرت، در ایران عزیز، حیاتی شده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نمونه بارز نهادی است که در مقام «مغز متفکر» تقنین در کشور عمل می‌کند و این اندیشکده‌ها، به عنوان بازوی مشورتی این نهاد در سطح استان‌ها، نقش بسیار مهمی در چالاک‌ی و اثرگذاری آن ایفا می‌کنند.

اندیشکده‌ها، سازمان‌هایی پژوهشی و تحلیلی هستند که با تدبیر به جای جناب آقای دکتر قالیباف در مجلس شورای اسلامی تأسیس و با بهره‌گیری از خبرگان و اساتید مبرز دانشگاه، در حوزه‌های انتخابیه سطح کشور، به تولید دانش، تحلیل داده‌ها و ارائه راهکارهای سیاستی برای دولت و قوه مقننه می‌پردازند. هدف غایی آن‌ها، ارتقای کیفیت حکمرانی از طریق تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد میدانی است.

تمرکز این اندیشکده‌ها بر چالش‌های ساختاری مانند آب، محیط زیست، اقتصاد انرژی و فقر است. این مراکز، به تدوین راهبردهای بلندمدت و یکپارچه کمک کرده و دیدگاه مجلس را از مسائل جزئی و کوتاه‌مدت به سمت مسائل اساسی معطوف می‌سازند. قوانینی که بدون مطالعه کافی تصویب شوند، غالباً در مرحله اجرا با مشکل مواجه شده و هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی گزافی را به جامعه تحمیل می‌کنند. تحلیل‌های کارشناسی، این هزینه‌ها را به حداقل می‌رساند.

برای همه مدیران، اساتید و دست‌اندرکاران مرکز پژوهش‌های مجلس و اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری، آرزوی توفیقات روزافزون و سربلندی در مسیر خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی را دارم.



دکتر علی بابایی کارنامی

ریاست کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی و نماینده ساری

اندیشکده‌های تخصصی در حوزه‌های مختلف حکمرانی و قانون‌گذاری نقش بی‌بدیل و انکارناپذیری دارد. الزام استفاده از محتوای علمی و تخصصی تولیدشده در اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری مرکز پژوهش‌های مجلس، امری ضروری و انکارناپذیر است.» ایشان با اشاره به ظرفیت‌های عظیم و کارشناسی‌شده این اندیشکده، خاطرنشان کردند: «با توجه به پیچیدگی‌های روزافزون جامعه و ضرورت تصمیم‌سازی و قانون‌گذاری مبتنی بر شواهد و داده‌های علمی، شایسته و بایسته است که مجلس شورای اسلامی و دولت، استفاده از خروجی‌های پژوهشی و مطالعاتی این اندیشکده‌ها را در فرآیند تصویب لوایح، قوانین و همچنین اجرای پروژه‌های عمرانی و ملی، به یک الزام تبدیل کنند.

تحقق این هدف والا و ارتقای کیفیت قوانین و مصوبات، از طریق الحاق «پیوست علمی-پژوهشی» که توسط اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری صادر می‌شود، میسر خواهد بود. این پیوست، می‌تواند به‌عنوان سند معتبری، ابعاد مختلف طرح یا لایحه، از جمله پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و فنی را مورد ارزیابی و واکاوی دقیق قرار دهد و پشتوانه محکمی برای قانون‌گذار و مجری باشد.

این کار، نه تنها از ائتلاف منابع ملی جلوگیری می‌کند، بلکه تضمین می‌نماید که قوانین کشور، برآمده از مطالعات عمیق و متناسب با نیازها و شرایط واقعی جامعه خواهد بود و در نهایت به ارتقای شاخص‌های حکمرانی خوب و توسعه پایدار منجر می‌شود.



دکتر مهدی فلاح

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، نماینده محترم مردم شریف رشت و خمام



احصا نظام مسائل و مشکلات اصلی حوزه انتخابیه، ارائه راهکارهای مناسب برای آنها و پیگیری حل این مسائل می‌تواند، یکی از مهمترین رویکردهای جناب آقای دکتر قالیباف، به عنوان ریاست مجلس به جهت کارآمد سازی مجلس دوازدهم باشد. مجلس باید بتواند خارج از ظرفیت نمایندگان، به موضوعات حوزه‌های انتخابیه، رویکردها، مسائل و مشکلات آنها را احصا و با پیگیری مناسب در حل این موضوعات، تلاش لازم را نماید.

دکتر جواد نیک

نماینده دور یازدهم مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه کاشمر، بردسکن، خلیل آباد و کوهسرخ

نخستین جلسه کارگروه زن و خانواده اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری



و قانونگذاری استانی است؛ یعنی ما به پژوهشگران مستقر در مرکز اکتفا نمی‌کنیم، بلکه از ظرفیت نخبگان استانی هم استفاده می‌کنیم؛ چون مجلس تنها متعلق به تهران نیست و نهادهای برای همه کشور است. پس باید از حداکثر ظرفیت فکری کشور استفاده کنیم.»

وی گفت: «آقای دکتر قالیباف، ریاست محترم مجلس هم، توجه خاصی به این اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی دارند. تأکید رئیس مجلس، این است که این اندیشکده‌ها در قالب حلقه‌های میانی، فعالیت کنند. رهبر معظم انقلاب هم در آخرین ابلاغیه‌هایی که به شورای عالی انقلاب فرهنگی داشتند، در جهت استفاده از ظرفیت‌های مردمی و حلقه‌های میانی تأکید داشته‌اند.»

وی در ادامه به تفاوت حکمرانی و حکومت‌داری پرداخت و گفت: حکمرانی زنانه است، اما حکومت‌داری مردانه است. در حکومت‌داری آن چیزی که کار می‌کند ابلاغ است و فرمان صادر می‌شود و جریان از بالا به پایین است. بهترین سازمانی که حکومت‌داری را در آن می‌تواند دید، پادگان است. پادگان‌ها نمونه‌ای از سازمان‌های مردانه هستند. بهترین سازمان‌هایی هم که زنانه هستند، دانشگاه‌ها هستند. در دانشگاه‌ها، امور با اقناع و از پایین به بالا انجام می‌شود، که ابزار آن هم شبکه ارتباطی است.»

وی افزود: دنیا هم به سمت حکمرانی رفته، به گونه‌ای که ارتباطات و اطلاعات دو رکن اصلی شدند که دقیقاً مبتنی بر ماهیت حکمرانی است. من، اعتقاد دارم که یکی از محورهای تحول برای گام دوم انقلاب، مدیریت زنانه است. یکی از ابزارهای

به گزارش روابط عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس، بابت نگاه‌داری در نخستین جلسه کارگروه زن و خانواده اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری با اشاره به رویکرد مرکز پژوهش‌های مجلس در بهره‌مندی از نظرات و دیدگاه‌های کارشناسان و صاحب‌نظران، بیان داشت: «ما رویکردی را در این سال‌ها در مرکز پژوهش‌ها تحت عنوان نوآوری باز دنبال کردیم.»

وی افزود: «در این رویکرد، علاوه بر پژوهشگرانی که در مرکز حضور دارند تلاش می‌کنیم از ظرفیت‌های بیرونی هم استفاده کنیم. معتقد هستیم اگر بتوانیم از این ظرفیت‌ها استفاده



کنیم، قطعاً کیفیت تصمیم‌گیری‌های مرکز و قوانین مصوب کشور، افزایش پیدا می‌کند. یکی از رویکردهایی که ما تحت عنوان نوآوری باز، دنبال می‌کنیم، بحث اندیشکده‌های حکمرانی



مجلس یازدهم بود که با تدبیر دکتر قالیباف و دکتر نگاهداری شکل گرفتند.

وی ادامه داد: هدف از تأسیس این اندیشکده‌ها، شکل دادن نظام‌مند به حلقه‌های میانی در کشور است، تا ظرفیت‌های نخبگان و هر فردی که حرفی برای گفتن دارد، مورد استفاده قرار گیرد.

صفر بیگی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «اگر بخواهیم براساس بیانیه گام دوم رهبر انقلاب، اندیشکده‌ها را تعریف کنیم، ما حلقه‌های میانی تخصصی، هستیم و کارگروه زن و خانواده اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری، یکی از مهم‌ترین کارگروه‌هایی است که ما در اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری راه اندازی کرده‌ایم. نگاه ویژه رئیس مرکز پژوهش‌ها به حوزه زنان و خانواده و کنش واقعی در این حوزه، از جمله اهدافی است که منجر به تأسیس این کارگروه شد. وی گفت: «مدیریت امروز کشور، اغلب، رویکرد کنشی و معطوف به حل مشکلات کشور است؛ یعنی پس از وقوع مشکل، عمل می‌کند. در این نگاه، دولت یا حاکمیت شکل امدادگر را به خود گرفته و مانند امدادگری عمل می‌کند که پس از وقوع یک آسیب، وارد عمل می‌شود. این رویکرد مواجهه، ضروری است، اما هرگز به تنهایی کافی نیست، حکمرانی زنان، یک الگو و نگاه جدید در این زمینه، است. خانواده، زیرساخت اصلی پیشرفت و جامعه‌سازی است. در نگاه حکمرانی جمهوری اسلامی، خانواده، یک نهاد حاشیه‌ای نیست. حکمرانی خانواده؛ یعنی اینکه بپذیریم، تمامی سیاست‌های کلان کشور در حوزه اقتصادی، عمرانی، فرهنگی و... از فیلتر یک سؤال اساسی عبور کند که این تصمیمی که قرار است، اخذ شود چه تأثیری بر قوت و انسجام خانواده ایرانی دارد. همه تصمیمات ما باید پیوست خانواده داشته باشد. آیا ظرفیت خانواده و زنان فقط باید در تعداد مدیران زن خلاصه شود یا اینکه ما نیازمند یک منطق و نگرش متفاوت در اداره امور کشور هستیم.»

صفربیگی ادامه داد: دو نگرش را باید در این حوزه مورد توجه قرار دهیم. رویکرد اول؛ نگاه جامع و سیستمی به زن و خانواده است. زن، به حکم طبیعت و نقش محوری در خانواده، استاد مدیریت سیستم‌های پیچیده

تحول این است که از این مزیت تمدنی و هویت خودمان که نوع نگاه به زن و خانواده در اسلام است استفاده کنیم. رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، گفت: «در حال حاضر همه مکاتب به این مهم رسیده‌اند که محور پیشرفت انسان است. اگر در نگاه غربی مسئله اقتصاد اولویت دارد، اما در نگاه اسلامی، نظام تربیتی و تربیت انسان ملاک و مرکز است. غایت دین ما تربیت انسان اولویت است. ما گفتیم که جامعه را می‌خواهیم دانشگاه و مدرسه کنیم بنابراین هدف ما، تربیت انسان است و مهم‌ترین عنصر پیشرفت در نگاه اسلامی، دست زن و خانواده است. ما به این تحول نیاز داریم.»

نگاهداری در بخش دیگری از سخنان خود به مسئله فرسودگی دولت‌ها پرداخت و گفت: «دولت‌ها توان حل همه مسائل جامعه را ندارند و این انتظار را هم نباید از دولت‌ها داشت. شکل دادن زیست بوم دائمی، برای هر حوزه‌ای که فکر می‌کنید نیازمند تحول است. در این زمینه هم نباید خسته شد؛ چراکه در دنیای امروز هیچ مسئله‌ای برای همیشه حل نمی‌شود.» وی گفت: «ما هم به عنوان یک حلقه ارتباطی در بین شما و نظام حکمرانی کشور عمل خواهیم کرد و کمک می‌کنیم. نگاه زیست بومی و شبکه‌ای داشته باشید. چون مسائل پیچیده و همیشگی هستند. بنابراین همه اجزای یک مسئله و زیست بوم را در نظر بگیرید.»

وی، خطاب به بانوان حاضر در نشست، بیان داشت: «همه امید خود را هم معطوف به نظام قانونگذاری نکنید؛ بلکه به تغییر بینش، دیدگاه و بعد فرهنگی و تحولی جامعه هم نگاه کنید. برای آنکه بتوانیم، هویت زنانه را در کنار مسئولیت‌های اجتماعی الگو سازی کنیم و ارائه دهیم، نیازمند کمک شما هستیم. نگاهداری، ادامه داد: «نکته دیگری که باید به آن توجه کنید این است که، رهبر معظم انقلاب هم در دیدار با کارگزاران نظام تأکید کردند، وقتی بحث حوزه زنان، می‌شود روی آسیب‌ها تأکید نشود، بلکه روی ظرفیت‌های کشور و حوزه زنان توجه کنید.» این رویکرد هم یک رویکرد علمی است و ما در مرکز پژوهش‌های مجلس، به این رویکرد توجه کردیم و از ظرفیت‌ها به جای مشکلات و آسیب‌ها بهره می‌بریم و چندین گزارش نیز در این زمینه منتشر کردیم و گرنه با ذکر مصیب مشکلات اتفاقی نمی‌افتد. با همکاری مدرسه حکمرانی شهید مدرس، ضروری است که دوره‌های مدیریت زنانه راه اندازی شود تا ما به جای حمایت حداقلی به رویکرد توانمند سازی حداکثری حرکت کنیم.»

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، در پایان تأکید کرد که اعتقاد قلبی به نقش زنان در تحول کشور دارم و حتی ما برای عدالت اجتماعی و رشد جامعه و دیگر امور به توانمندی زنان جامعه خود نیاز داریم.

دکتر حمزه صفربیگی، رئیس اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری مرکز پژوهش‌های مجلس، در این نشست، بیان داشت: «اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری، ایده‌ای هوشمندانه و خلاقانه در



و چند وجهی است. اقتصاد خانواده، سلامت و کیفیت روابط عاطفی در بین خانواده، بر عهده زن است.

رئیس اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری گفت: «واقع گرایی و درک ملموس از زندگی توسط زنان، به دلیل حضور در خط مقدم زندگی روزمره بیشتر از آقایان است. زنان، واقع‌گراترین حسگرهای جامعه برای سنجش تأثیر سیاست‌های ما در افکار عمومی و سطح اجتماعی هستند.»



وی در ادامه، به ضرورت راهبردی هوشمندسازی حکمرانی، اشاره کرد و در توضیح این رویکرد گفت: «میان سیاست‌ها و حال خوب خانواده ایرانی، باید یک رابطه پیوسته وجود داشته باشد. به این معنا که هر سیاستی باید در قیاس با خانواده سنجیده شود.»

وی در پایان، بیان داشت: «ما مأموریت داریم برای کشنگری کارآمد در حوزه زنان برای مسئولان ارشد کشور ابزارهای واقعی و قابل تحقق فراهم کنیم. به دنبال کنش‌های واقعی، میدانی و اسلامی در حوزه زنان هستیم.»

خانم دکتر خزعلی، نیز در این نشست، بیان داشت: «در تمام ادیان در نقطه‌های اساسی تحولی، نقش زنان بسیار مهم بوده است که از جمله می‌توان به حضرت آسیه و حضرت مریم اشاره کرد.» وی، نقش حضرت فاطمه زهرا (س) در اتصال نبوت به امامت را مهم ارزیابی کرد و گفت: «در گفتمان اسلامی زن و

خانواده در مرکز توجه هستند و برای جایگاه خانواده در نظام اجتماعی، نقش اساسی قائل است.»

وی بیان داشت: «آن چیزی که از اسلام و سیره پیامبر (ص) و امامان متوجه می‌شویم در کنار نقشه راه و محتوا که بسیار مهم است، بحث اجرا و عملیاتی کردن این محتواها و برنامه‌ها هم ضروری است و ما در جمهوری اسلامی ایران، در اجرا، دچار مشکل هستیم و در سال ۶۵ بهترین طرح را رهبری در زمینه زنان دادند و قوانین و سیاست‌های خوبی در حوزه زنان، تصویب شده است. ما در حوزه‌های مختلف فعالیت زنان، مصوبه داریم، اما مشکل مجری و خلاء مجری داریم. نظارت‌هایی که ما باید بر دولت‌ها اعمال می‌کردیم را اعمال نکردیم و این امر باعث شده که همه این قوانین بر زمین بماند.»

خانم دکتر علیمردانی رئیس کارگروه زن و خانواده مدرسه حکمرانی شهید بهشتی با اشاره به تصویب قانون جوانی جمعیت و عدم اجرایی شدن کامل این قانون بیان داشت: «ما در این زمینه شاهد مقاومت از سوی جامعه زنان هستیم؛ چرا که تمام امتیازها و آیتم‌های تشویقی که در این قانون قرار داده شده است، برای آقایان است؛ بنابراین باید برای بانوان هم آیتم‌های تشویقی قرار دهیم.»

وی با اشاره به تعامل دو سویه سیاست‌گذاران و جامعه زنان، گفت: «زنان و خانواده هم بر سیاست‌گذاران اثر می‌گذارند و هم از این حوزه اثر می‌پذیرند؛ بنابراین قوانین این حوزه باید در یک تعامل دو سویه شکل بگیرد. این امر نیازمند تغییر نهادی است؛ یعنی حاکمان ما باید بپذیرند که زنان اثرگذار هستند و می‌توانند اثر پذیر هم باشند. نکته بعدی این است که ما به طور جدی، به توانمند کردن حکمران زن خود نپرداختیم؛ بنابراین با هر اشتباه زنان حکمران سریعاً می‌خواهند زنان را از حکمرانی کنار بگذاریم.»

خانم دکتر راضیه اکبری رئیس کارگروه زن و خانواده اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری هم در این نشست عنوان کرد: «حکمرانی هوشمند، به این معنا است که صدای واقعی مردم را به گوش مسئولان برسانیم. زنان و خانواده، قلب تپنده هر جامعه‌ای هستند. اگر بخواهیم حرفی برای گفتن



الگوی سوم زن در بیانات رهبر انقلاب، گفت: «حضور بانوان، در انتخابات از آقایان کمتر است؛ بنابراین مطالبات حوزه زنان؛ باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد، زن در جامعه این حس را ندارد که از سوی نظام، برای آنان مأموریت جدی تعریف شده است.» خانم دکتر محمد تقی زاده هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی در تشریح دیدگاه خود به حوزه زنان هم به مسئله و مشکل اصلی در تقنین و حکمرانی حوزه زنان اشاره کرد و این پرسش را طرح کرد که مشکل حکمرانی زنان در کجاست؟ ثما در حوزه زنان، در تشخیص میدان عمل و مسائل این حوزه، دچار مشکل هستیم.

این استاد دانشگاه علامه طباطبائی از شکل گیری کارگروه زنان و خانواده اندیشکده های حکمرانی استانی، گفت: «این کارگروه نقش حلقه میانی برای گفتمان سازی را برعهده دارد، ما در حوزه زنان، نیازمند گفتمان سازی و آگاه کردن بخش عظیم تری از جامعه زنان نسبت به مطالبات خود هستیم.»



خانم حسنی حلم وکیل دادگستری در سخنان خود به قانون جامع خانواده اشاره کرد و گفت که ضروری است، قانون جامع خانواده تدوین شود. این حقوقدان معتقد بود که بعضی از رویکردهای قانون فعلی در حوزه زنان و خانواده یک طرفه است و به مسائل زنان نپرداخته است. وی در ادامه سخنان خود به مسئله سرمایه اجتماعی در حوزه زنان پرداخت و گفت: «سرمایه اجتماعی در حوزه زنان در خطر است؛ چرا که بازتاب مطالبات خود را در قوانین و حمایت های قانونی نمی بینند.»



داشته باشیم باید با اولویت دادن به حوزه زنان و خانواده باشد. هر قانونی که در کشور مصوب می شود، باید اقتضائات خانواده را در نظر بگیرد؛ به همین جهت، کارگروه زنان و خانواده اهمیت بسیاری می یابد. ما در این کارگروه، اطلاعات را از استان ها جمع آوری و تحلیل نموده، این تجربیات را از بطن میدان، اخذ و بررسی می کنیم و در نهایت، نتایج را در اختیار سیاست گذاران قرار می دهیم.»

وی با بیان اینکه ماه رسالت را برای کارگروه زنان تعریف کردیم، گفت: «اولین رسالت، رصد و پایش اجرای قوانین است. ما باید بدانیم که قوانین در میدان عمل چه بازتابی پیدا می کنند. ما در کارگروه، خود را رابط بین اندیشکده ها، مراکز علمی مهم و حوزه های علمیه و مردم می دانیم و این مطالبات را به مسئولین منتقل می کنیم.»

وی ادامه داد: ما باید رصد و پایش از قوانینی که تصویب می شود، رصد و پایشی نیز از وضعیت عمومی خانواده های ایرانی داشته باشیم.

وی با اشاره به شکل گیری کارگروه های مختلف فقهی، حقوقی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و آینده پژوهی گفت: «ما ابعاد مختلف حوزه زنان و خانواده را باید مورد توجه و مطالعه خود قرار دهیم.»

اکبری، به ضرورت جمع آوری تجربیات بومی و محلی حوزه زنان اشاره کرد و گفت: راه حل های ما باید کاملاً بومی سازی شود؛ به همین دلیل در تمام اندیشکده های استانی هم کارگروه زن و خانواده را تشکیل دادیم.

اکبری، کارکرد دیگر کارگروه زنان را تهیه گزارش های سیاستی برای نمایندگان مجلس دانست و گفت: «هدف نهایی ما ایجاد بستر گفت و گو و مشارکت در حوزه زنان است.»



خانم دکتر سارا طالبی، رئیس مرکز راهبری بانوان سازمان تبلیغات اسلامی بیان داشت: ما امروز در کشور با چالش های متعددی در فضای زن و خانواده روبرو هستیم. با اشاره به

نشست تحلیل ارزیابی ضعف‌ها، قوت‌ها و الزامات پساجنگ ۱۲ روزه

و هرگز نتوانسته به شکل معمول، خود را با وضعیت منطقه و همسایگان تطبیق دهد؛ لذا، به تعدی و سرکوب مناطق پیرامونی روی آورده و جنگ‌های متعددی را شعله‌ور ساخته است، البته در طول حدود ۸۰ سال گذشته، در انجام این قبیل کارشکنی و تجاوزگری‌ها، رژیم تنها نبوده و در واقع به عاملیت و نمایندگی دنیای غرب و در رأس آن‌ها ایالات متحده، عمل کرده است. در نتیجه، اتفاقی که در ۱۲ روز جنگ تحمیلی اخیر، رخ داد را نیز می‌توان در چارچوب چنین بستری، تحلیل کرد.

در ادامه این نشست، دکتر افخمی روحانی، دبیر اندیشکده خراسان رضوی و عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، سخنان خود را با بیان دستاوردهای جنگ اخیر، آغاز کرد. ایشان، جنگ ۱۲ روزه را فتح‌الفتوحی نامید که رژیم صهیونیستی با سانسور رسانه‌ای و سرکوب، تمام تلاش خود را به کار بست تا بر آن سرپوش بگذارد. هرچند انزوای سیاسی که رژیم در یکی دو سال اخیر در آن گرفتار آمده بود، تشدید شد. در سوی مقابل، چهره ایران در سطح بین‌المللی تقویت شده و ایران به عنوان کشور مدافع و نه متجاوز به رسمیت، شناخته شد. به باور دکتر افخمی، تقویت روحیه شجاعت و ایثارگری مردم و نیز بهبود انسجام و همبستگی و عزت ملت ایران از دیگر دستاوردهای این جنگ تحمیلی بود. تدابیر رهبری در راهبری جنگ و انتصاب به موقع فرماندهان و تقویت روحیه ملی نیز نقش بی‌بدیلی بود که حکایتگر وحدت و یکپارچگی در کشور شد.

ایشان در ادامه به بیان برخی الزامات پساجنگ پرداختند: از جمله؛ نخست ضرورت حفظ وحدت و شناسایی مسیرهایی که منجر به تفرقه می‌شود. این مهم، می‌تواند از وظایف اصلی اندیشکده‌ها در سراسر کشور باشد. دوم، تقویت ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و اتخاذ تدابیر و برنامه‌ریزی‌های راهبردی در این حوزه‌ها تا به جبران کمبودهای موجود بی‌انجامد. سوم، تقویت زیرساختی و امنیتی در حوزه فناوری ارتباطات و بهبود وضعیت پدافندی. عامل و غیرعامل. که می‌توان گفت از نقاط ضعف آشکار ما، در جنگ اخیر بود، البته تنویر افکار عمومی و آگاهی بخشی به شهروندان در زمینه جنگ سایبری نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از الزامات دیگر پساجنگ از نظر دکتر افخمی ثبت، ضبط و حفظ و ترویج تجربیات این جنگ ۱۲ روزه به منظور تجربه‌اندوزی و بهره‌برداری در آینده بود که اندیشکده‌ها، در این مورد نیز، می‌توانند مؤثر واقع شوند.

سخنران پایانی این نشست، دکتر رحمانی کهنمویی، دبیر اندیشکده آذربایجان شرقی، بودند که در سه محور به بیان نقطه نظرات خود پرداختند. ایشان پیش از هر چیز به نقد واژه «پساجنگ» پرداختند و با بیان اینکه جنگ اخیر، تنها میدانی و نظامی نبود، آن را جنگ نوین و ترکیبی دانست که جنبه‌های فرهنگی، رسانه‌ای، سیاسی، دیپلماتیک و فناورانه نیز در آن برجسته بود؛ اگر آتش بس موقتی اتفاق افتاده است، باید آن را مربوط به حوزه نظامی جنگ دانست و می‌توان گفت، هنوز جنگ در سایر حوزه‌ها پابرجا است.

محور دوم سخنان ایشان، به بررسی سناریوهای پیش‌رو

معاونت پژوهشی و کارگروه‌های اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی - برگزار می‌کند:

تحلیل راهبردی جنگ ۱۲ روزه

ارزیابی ضعف‌ها، قوت‌ها، الزامات پساجنگ

محورهای نشست

- تحلیل راهبردی جنگ ۱۲ روزه
- روایت‌گری جنگ و مدیریت رسانه‌ای
- ایجاد نظامی، امنیتی متنازع
- پیامدهای دیپلماتیک و ژئوپلیتیک جنگ
- حکمرانی و سیاستگذاری در دوران پساجنگ (نقش اندیشکده‌ها)

دکتر پورموسوی
مشاور رئیس مجلس، عضو شورای پژوهشی مرکز پژوهش‌ها، و عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

دکتر افخمی روحانی
دبیر اندیشکده خراسان رضوی و هیأت علمی دانشگاه مشهد

دکتر رحمانی کهنمویی
دبیر اندیشکده آذربایجان شرقی و هیأت علمی دانشگاه آزاد تبریز

دکتر سروند

زمان: ۱۱ مرداد ماه
ساعت: ۱۵
بستر: آنلاین

https://skyroom.online/ch/live.rc/andishkadeh

به گزارش روابط عمومی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نخستین نشست از سلسله نشست‌های «تحلیل راهبردی جنگ ۱۲ روزه؛ ارزیابی ضعف‌ها، قوت‌ها و الزامات پساجنگ» روز شنبه، ۱۱ مردادماه ۱۴۰۴، به صورت برخط برگزار شد. در این نشست، دکتر مجید سروند، معاون امور پژوهشی و کارگروه‌های ستاد مرکزی اندیشکده‌ها و دبیر نشست، ضمن گرامیداشت نام و یاد شهدای گرانقدر جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و آرزوی علو درجات از خداوند متعال برای ایشان، هدف اصلی این سلسله نشست‌ها را تحلیل و ارزیابی جنبه‌های گوناگون این جنگ نوین و ترکیبی دانست تا بتواند ضمن ارائه درک جامع، عمیق، و دقیق از آنچه که به وقوع پیوسته، نقشه راه کلان و راهبردی از الزامات سیاستگذاری‌ها و قانونگذاری‌ها در دوران پساجنگ و نیز بحران‌های اینچنینی فراهم آورد. وی، همچنین، متنی را قرائت کرد که در حکم نقشه‌راه و معرفی‌نامه کلی سلسله نشست‌های پیش‌رو خواهد بود.

در ادامه، دکتر سیدموسی پور موسوی، مشاور رئیس مجلس و عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)، نگاهی تاریخی و تبارشناسانه به جنگ ۱۲ روزه داشته و تحلیل کلان و جامع از آن ارائه داد. به باور ایشان، ریشه‌های جنگ اخیر را، باید در زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری رژیم صهیونیستی در منطقه و نقش مداخله‌جویانه عوامل خارج از قاره آسیا جست. از آنجایی که رژیم جعلی صهیونیستی، از شرایط طبیعی لازم برای دولت-ملت‌سازی برخوردار نبوده، همواره موجودیت آن زیر سؤال بوده

اختصاص داشت که به باور وی، مجموعه مسئولین کشور و در رأس آن‌ها اندیشکده‌ها بایستی به تمامی سناریوهای احتمالی فکر کرده و در خصوص هر یک پیش‌بینی‌ها و تدابیر لازم را اتخاذ کرده و برنامه‌ریزی کنند. در مورد اینکه «چه باید کرد؟» نیز دکتر رحمانی به ۷ تکلیف راهبردی که رهبری نظام، ابلاغ فرموده‌اند، اشاره داشته و آن را نقشه‌راهی دانستند که باید با به‌کارگیری برخی ابزارها، عملیاتی شود: از جمله، جهاد تبیین و اجرای مفاد بیانیه گام دوم انقلاب که از علم و معنویت تا اقتصاد و برخورد با فساد و سیاست خارجی را شامل می‌شود. تعمیق هم‌اندیشی با نخبگان، تقویت بُعد نظارتی مجلس در استان‌ها، ممانعت

از گسل‌های اجتماعی و قومیتی، حراست از امنیت روانی و معیشتی مردم و تأمین ذخایر غذایی، دارویی و استراتژیک، جهاد علمی و فناوری (و به تعبیر مقام معظم رهبری «شتاب») در این حوزه‌ها، دیپلماسی انقلابی با تأکید بر سه ضلع عزت، حکمت، مصلحت، بازسازی سریع تأسیسات هسته‌ای، جای‌یابی مناسب برای آن‌ها و نیز انتقال دانش صلح‌آمیز هسته‌ای در ائتلاف با کشورهای دوست و همسایه و غیره از دیگر محورهای عملیاتی‌سازی رهنمودهای رهبر انقلاب هستند. در پایان هم ایشان به نقش اندیشکده‌ها در شرایط پیش‌رو پرداختند.

نشست اربعین؛ آئین، اجتماع و سیاست

در ادامه، دکتر حمزه صفر بیگی، دبیرکل اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری، از کربلای معلی به صورت برخط ارتباط گرفتند و ضمن ارائه مشاهدات میدانی خود از مسیر و مراسم اربعین، بر اهمیت مدیریت اجرایی منسجم و هماهنگ میان دستگاه‌های مختلف تأکید کردند. ایشان، اربعین را پدیده چندبُعدی دانستند که علاوه بر جنبه‌های فرهنگی و مذهبی، نیازمند توجه جدی به سازوکارهای اجرایی، لجستیکی و مدیریت جمعیت است. دکتر صفر بیگی همچنین، به ظرفیت‌های اربعین در عرصه دیپلماسی عمومی و در جهت تقویت تصویر بین‌المللی جمهوری اسلامی اشاره کرده و این رخداد را فرصتی برای تقویت تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی میان ملت‌ها و دولت‌های همسو دانستند. وی در پایان، بر ضرورت بهره‌گیری از تجربه‌های میدانی، هم‌افزایی میان نهادها و استفاده از فناوری‌های نوین در جهت ارتقای مدیریت و کارآمدی این اجتماع عظیم تأکید کرد.

در ادامه این نشست، دکتر زراسوندی، از اهواز، دبیر اندیشکده خوزستان و رئیس پارک علم و فناوری شهرداری تهران، از موضع تخصصی فناوری و نوآوری به موضوع پرداختند. ایشان، پیشینه این بحث را به دفاع مقدس و اردوی راهیان نور مربوط دانستند. وی، رویداد اربعین را منحصر به فرد خواندند و بیان کردند بایستی تلاش شود رخداد عظیم اربعین به الگوی جهانی تبدیل شود؛ که البته برای دستیابی به این هدف، ضرورت دارد تا از منظر فناوری و نوآورانه به این حوزه ورود کرده و کیفیت شیوه اجرای مراسم را بالا برده و موانع برگزاری هر چه بهتر آن را از سر راه برداریم. دکتر زراسوندی، با تقسیم فناوری‌ها به دو نوع سخت و نرم (فرهنگی) صحبت‌های خود را ادامه داده و اربعین را دارای ظرفیت‌هایی دانستند که می‌تواند در زمینه فناوری‌های نرم، فتح بابی باشد. برای نمونه، پایگاه‌های داده بزرگ در حمل و نقل، مسیریابی، پارکینگ، رفع ترافیک‌های مسیر و به‌طور کلی مدیریت بهتر رویداد، بیش‌ازپیش، در دستور کار قرار گیرد.

سخنران پایانی این نشست دکتر حسنی، دبیر اندیشکده زنجان و عضو شورای اسلامی شهر زنجان بودند. ایشان بیانات خود را با اشاره به ضرورت عبور از مراسم اربعین به عنوان یک راهپیمایی به حرکتی عظیم و تمدن‌ساز آغاز کردند. در اربعین، ملیت، نژاد و زبان تقریباً رنگ می‌بازد و ظرفیت بزرگی در جهت ایجاد امت واحده و تمدن بزرگ اسلامی ایجاد می‌شود. فراتر از این، اربعین، با روایتگری درست، می‌تواند رسانه و زبان نمادینی

معاونت پژوهشی و کارگروه‌های اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برگزار می‌کند:

اربعین

نشست تخصصی با عنوان: آئین، اجتماع، سیاست

موضوعات نشست:

- ابعاد اجتماعی و فرهنگی اربعین؛
- اربعین به مثابه برگزین اجتماع انسانی جهان
- جامع‌شناسی شاکت داوطلبانه در اربعین
- ابعاد سیاسی و ژئوپلیتیکی؛
- اربعین و دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی
- پیام سیاسی-نقشی اربعین برای منطقه و جهان
- ابعاد فناوری و نوآورانه؛
- کاربرد فناوری‌های نوین در نظارت، مدیریت جمعیت و مسیرها و نوآوری در خدمات‌رسانی اجتماعی
- زیرساخت‌های دیجیتال و نوآوری در خدمات و ارتقای رفاه رانان
- ابعاد رسانه‌ای و روایت‌سازی؛
- روایت اربعین در رسانه‌های بین‌المللی (اسنویور یا تحریف؟)
- راهبردهای روایت‌سازی تمدنی از اربعین و ظرفیت‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برای جوان‌سازی اربعین
- ابعاد اقتصادی و خدمات‌رسانی؛
- مشارکت‌های مردمی در تأمین مالی و لجستیک
- منوط به مثابه نهادها داوطلبانه خدمات‌رسانی

زمان برگزاری نشست: چهارشنبه ۲۲ مردادماه ۱۴۰۴ خورشیدی، ساعت ۱۵
بر بستر مجازی: <https://skyroom.online/ch/live.rc/andishkadeh>

به گزارش روابط عمومی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نشست «اربعین؛ آئین، اجتماع و سیاست» روز چهارشنبه، ۲۲ مردادماه ۱۴۰۴، به صورت برخط برگزار شد. ابتدا، دکتر مجید سرون، معاون امور پژوهشی و کارگروه‌های ستاد مرکزی اندیشکده‌ها و دبیر نشست، ضمن گرامیداشت ایام، هدف اصلی این نشست را، بررسی جامع ابعاد مختلف پدیده و رخداد عظیم اربعین و شناسایی ظرفیت‌های آن در حوزه‌های گوناگون دانست؛ از فرهنگ و اجتماع گرفته تا رسانه و سیاست، اقتصاد و فناوری. در همین راستا، وی بیان داشت، در این نشست، درصددیم تا ضمن تحلیل علمی و میدانی، به راهکارهایی عملی برای ارتقای مدیریت این مراسم بزرگ اشاره داشته و نیز به فرصت‌های اربعین در تقویت همبستگی، انسجام ملی و دیپلماسی عمومی کشور بپردازیم.



قرار گیرد. در نکته آخر، ایشان به اقتصاد اربعین می‌پردازد که نوعی اقتصاد مردمی و بومی محور است که می‌تواند مصداقی برای اقتصاد اسلامی باشد.

برای تمامی آزادی‌خواهان جهان باشد. موضوع بعدی مورد تأکید دکتر حسنی نیز، مدیریت مردم‌محور این اجتماع عظیم بود که نقش دولت‌ها را فرعی و صرفاً تسهیلگر ساخته است. به نظر وی، این مهم می‌تواند همچون الگویی برای حکمرانی مردمی

نشست چشم انداز آینده حکمرانی آب در ایران

تمامی سیاست‌گذاران، مدیران، دانشگاهیان و اندیشکده‌ها، بخش خصوصی و جامعه مدنی - در کنار هم قرار گیریم. هیچ نهادی به تنهایی قادر به حل این بحران نیست. این هم‌افزایی و همراهی است که می‌تواند توان ملی ما را چند برابر سازد. امید ما این است که دستاوردهای این نشست، نقطه آغازی برای همان نقشه جامع و هماهنگی که کشور به آن نیاز دارد، باشد؛ نقشه‌ای که فقط روی کلمات و کاغذ نبوده، بلکه در میدان عمل راهگشا باشد. اگر همه با هم اراده کنیم، می‌توانیم آینده‌ای روشن و پایدارتر برای سرزمین مان بسازیم؛ آینده‌ای که در آن آب نه بحران، بلکه سرمایه‌ای برای توسعه، رفاه و زندگی نسل امروز و فردا خواهد بود.

در ادامه، دکتر علیرضا ذاکر اصفهانی، استاد دانشگاه تهران، استاندار سابق اصفهان و رئیس اسبق مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، با محوریت موضوع «حکمرانی آب» به سخنرانی پرداختند. به باور ایشان، بسیاری چالش آب را بحث علمی و فنی می‌دانند، در حالی که به اعتقاد وی موضوع مشخصاً با ارجاع به حوزه سیاسی و از قابلیت طرح و حل و فصل را دارد. با توجه به تجربه استانداری اصفهان، ایشان به ذی‌نفعانی اشاره داشتند که صرفاً به دنبال احقاق حقوق خود بودند که متأسفانه به خصومت و اختلاف منجر می‌شد. به عنوان نمونه بین کشاورزان، اهالی صنعت و دولتی‌ها، طرفداران محیط زیست و میراث فرهنگی، درگیری و تعارض پیش می‌آمد.

ایشان افزودند، ماهیتا کار سیاسی در پی خیر مشترک عامه شهروندان و ذی‌نفعان بوده و به تعبیری رفاه عمومی، عدالت اجتماعی، و توزیع بدون تبعیض امکانات و منافع را دنبال می‌کند. حال، موضوع آب هم هرچند چندبُعدی است، اما بنظر ابعاد کلان و حاکمیتی و در نتیجه سیاسی آن مهم‌تر است. از قدیم‌الایام هم مسئله آب را سیاسی می‌دیدند. وی همچنین، به تعریفی دقیق از «حکمرانی» پرداخته و آن را از حکومت متفاوت دانستند که در آن نوعی رابطه عمومی و تحمیل اراده قدرت از بالا به پایین مفروض است. درحالی‌که در حکمرانی نوعی رابطه افقی و تقسیم اراده قدرت و به نحوی تصمیم‌گیری شبکه‌ای را شاهدیم که در آن در فرآیند سیاست‌گذاری، شهروندان نقش‌آفرینی بیشتری دارند. در نتیجه، «حکمرانی آب» نوعی مدیریت کارآمد است که با در نظر گرفتن خواسته‌ها و انتظارات و منافع همه شهروندان و تمامی ذی‌نفعان شکل می‌گیرد و هیچ طرفی در آن احساس تبعیض و محرومیت و حذف‌شدگی نمی‌کند. در نهایت، به نظر ایشان، ریشه اصلی مشکلات، به فقدان چنین مدل حکمرانی و سیاست‌گذاری در حوزه آب برمی‌گردد. در ادامه این نشست، از کشور آلمان، دکتر مجید شریفی‌پور،



معاونت پژوهشی و کارگروه‌های اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برگزار می‌کند:

کتاب حکمرانی، چشم‌انداز آینده

بررسی چالش‌ها و راهکارهای مدیریت منابع آب در ایران

مخبران:

- دکتر ذاکر اصفهانی**
استاد دانشگاه تهران، رئیس اسبق مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری
- دکتر شریفی‌پور**
عضو اندیشکده ارستان و رئیس کمیسیون آب و کشاورزی اتاق بازرگانی ایران
- دکتر رمضان**
عضو اندیشکده قزوین و هیئت علمی گروه علوم و مهندسی آب
- دکتر سهرورد**

موضوعات:

- چالش‌های ساختاری حکمرانی آب در ایران
- نقش قوانین و نهادها در مدیریت پایدار منابع آب
- پیامدهای اجتماعی و امنیتی بحران آب در استان‌ها
- راهکارهای نوآورانه برای کاهش مصرف و بازچرخانی آب
- تجارب موفق محلی، بومی، و بین‌المللی در مدیریت بحران آب
- فرهنگ‌های اندیشکده‌های استانی در تولید راهکارهای سیاستی منطقه‌محور

زمان برگزاری نشست: یکشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۴، ساعت ۱۶
بر بستر مجازی: <https://skyroom.online/ch/live.rc/andishkadeh>

به گزارش روابط عمومی «اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی»، نشست «آب، حکمرانی، چشم‌انداز آینده؛ بررسی چالش‌ها و راهکارهای مدیریت منابع آب در ایران» روز یکشنبه، ۹ ام شهریورماه ۱۴۰۴ خورشیدی، به صورت برخط برگزار شد. در این برنامه، ابتدا، دکتر مجید سهرورد، معاون امور پژوهشی و کارگروه‌های ستاد مرکزی اندیشکده‌ها و دبیر نشست، گفت: مسئله آب رانمی‌توان بانهگاه بخشی یا کوتاه‌مدت حل کرد. آب، موضوع میان‌رشته‌ای است که ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، سیاسی و حاکمیتی دارد؛ این گردهم‌آیی به منظور این است تا از خلال گفت‌وگوهای علمی و کارشناسی، راه‌های تازه‌ای برای حکمرانی بهتر در حوزه آب پیدا شود. امید است این نشست، فرصتی برای تبادل تجربه‌ها، همفکری میان حوزه‌های مختلف و شکل‌گیری شبکه‌ای گسترده‌تر از همکاری‌ها باشد. دکتر سهرورد ادامه داد: «ما نیاز داریم به جای پاسخ‌های پراکنده و کوتاه‌مدت، به یک نقشه جامع و هماهنگ در مدیریت منابع آب برسیم. بی‌تردید، تحقق چنین نقشه‌ای تنها زمانی امکان‌پذیر است که



بحران آب، در ایران بیش از آنکه ناشی از کمبود سرمایه‌گذاری باشد، محصول سرمایه‌گذاری‌های شتاب‌زده و حکمرانی ناکارآمد است؛ وضعیتی که تنها با بازنگری جدی در ساختار حقوقی، نهادی و سیاست‌گذاری می‌توان بر آن غلبه کرد.

سخنران پایانی این نشست، دکتر رضائی اعتدالی، عضو اندیشکده قزوین و استادتمام گروه علوم و مهندسی آب دانشگاه بین‌المللی قزوین بودند که به ایراد ارائه خود پرداختند: «با توجه به محدودیت منابع، اقلیم خشک و نیمه‌خشک، افزایش تقاضا در بخش‌های شرب، کشاورزی و صنعت، حکمرانی آب در ایران، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های ملی تبدیل شده است. ساختار تصمیم‌گیری پراکنده، ضعف در مشارکت ذی‌نفعان، نبود هماهنگی میان نهادهای متولی و فقدان شفافیت در داده‌ها و سیاست‌گذاری، از مهم‌ترین موانع شکل‌گیری حکمرانی مؤثر آب محسوب می‌شوند. علاوه بر این، تمرکز بر رویکرد سازه‌ای و کم‌توجهی به مدیریت تقاضا و بهره‌وری، منجر به تشدید ناپایداری منابع آبی شده است.

در چنین شرایطی، حکمرانی آب در ایران، نیازمند رویکردی یکپارچه، مبتنی بر عدالت اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی و مشارکت واقعی بهره‌برداران و جامعه محلی است. اصلاح قوانین، ارتقای شفافیت نهادی، تقویت ابزارهای اقتصادی و توجه به دانش بومی و علمی، می‌تواند مسیر گذار از مدیریت بخشی به سمت حکمرانی یکپارچه و پایدار منابع آب را فراهم سازد.

هیأت علمی دانشگاه لرستان، عضو اندیشکده و رئیس کمیسیون آب و کشاورزی اتاق بازرگانی این استان، به بیان نظرات خود پرداختند: «حکمرانی آب در ایران طی سه دوره تاریخی از مالکیت خصوصی تا ملی شدن آب در سال ۱۳۴۷ش. و تصویب قانون توزیع عادلانه آب در سال ۱۳۶۱ش. دستخوش تحول شده است. قبل از ملی شدن آب، حقوق آبی شفاف و مبتنی بر عرف و شرع بود، البته با امکانات آن زمان، امکان برداشت بیش از ظرفیت طبیعی وجود نداشت. از دهه ۴۰، مالکیت آب دولتی شد و هم تأسیسات جدید به وجود آمد که برداشت آب را تسهیل می‌کرد. از آن زمان، قوانین متعددی تصویب شد که نه تنها نقش بازدارنده و حل مناقشه نداشتند، بلکه با رسمیت بخشیدن به تخلفات (مانند قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه) زمینه گسترش بهره‌برداری غیرمجاز و افت منابع آب زیرزمینی را فراهم کردند. این روند، به بحران‌هایی چون کاهش سطح آبخوان‌ها، فرونشست زمین و تشدید مناقشات آبی از سطح محلی تا بین‌استانی، منجر شد.

در حوزه قضاوت نیز، جرائم آبی از اولویت نداشته و اجرای قوانین به‌طور مؤثر پیگیری نشده است. در زمینه تنظیم و مدیریت منابع آب، تمرکز دولت بر توسعه زیرساخت‌های فیزیکی و افزایش سطح زیرکشت، بدون توجه کافی به بهره‌وری و مدیریت مصرف، رقابت‌های منطقه‌ای و فشارهای سیاسی را تشدید کرده است. پیامد این سیاست‌ها، نارضایتی عمومی، آسیب به محیط زیست و سرمایه‌گذاری‌های پرهزینه‌ای است که بحران را عمیق‌تر کرده‌اند. نتیجه کلی این آسیب‌شناسی این است که

نشست بررسی ابعاد حقوقی و سیاسی مکانیسم ماشه

به گزارش روابط عمومی اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نشست «مکانیسم ماشه؛ از ابعاد حقوقی و سیاسی تا چالش‌ها و سناریوهای امنیتی-راهبردی» در روز شنبه، ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۴، به صورت برخط برگزار شد. در این نشست، در ابتدا، دکتر مجید سرون، معاون امور پژوهشی و کارگروه‌های ستاد مرکزی اندیشکده‌ها و دبیر نشست، هدف از این جلسه را ارائه نگاه همه‌جانبه به مکانیسم ماشه دانست؛ از تحریف در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱، تا اینکه این امر، می‌تواند چه پیامدهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای ایران و منطقه داشته باشد. در این نشست، می‌خواهیم بفهمیم اگر این سازوکار فعال شود یا حتی تعلیق شده و بی‌اثر بماند، چه تأثیری بر روی دیپلماسی، اقتصاد، و ثبات منطقه می‌گذارد و ایران چه گزینه‌هایی برای مدیریت این وضعیت پیش‌رو دارد. در واقع می‌خواهیم با کنار هم گذاشتن نگاه‌های حقوقی، سیاسی و امنیتی، تصویر روشن‌تر و واقعی‌تری از آینده احتمالی این پرونده به‌دست آوریم.

در ادامه این نشست، دکتر ابراهیم متقی، استاد دانشگاه تهران، به عنوان اولین سخنران، به تأثیرات زبانباز عملیاتی شدن مکانیسم ماشه اشاره داشت که سیاست، اقتصاد و معضلات اجتماعی را در بر می‌گیرد و حتی می‌تواند آزادی عمل ایالات متحده و اسرائیل را برای اقدام نظامی افزایش دهد. ایشان در ادامه تعاریفی از اسنپ بک و مکانیسم ماشه ارائه دادند. به

معاون پژوهشی و امور سیاسی اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برگزار می‌کند

نشست تخصصی

مکانیسم ماشه

از ابعاد حقوقی و سیاسی تا چالش‌ها و سناریوهای امنیتی، راهبردی

دکتر ابراهیم متقی
استاد دانشگاه تهران

دکتر شهرام فتحی
دبیر اندیشکده گروه‌های و رئیس اندیشکده حقوق و علوم سیاسی

دکتر رضا رحیم‌پور
عضو اندیشکده ریاضی و آمار و علوم سیاسی

دبیر نشست
دکتر سرون

۱. ابعاد حقوقی

- جایگاه مکانیسم ماشه در قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام
- چالش‌های حقوق بین‌الملل در مشروعیت و شیوه فعال‌سازی آن

۲. ابعاد سیاسی و دیپلماتیک

- نقش و منابع فشارهای جهانی (آمریکا، اروپا، روسیه، چین، کشورهای منطقه)
- تأثیر مکانیسم ماشه بر روند دیپلماسی و چندجانبه‌گرایی

۳. پیامدهای اقتصادی و تحریمی

- اثرات بازگشت تحریم‌های سازمان ملل بر اقتصاد ایران
- بازتاب آن در همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

۴. پیامدهای امنیتی و منطقه‌ای

- تأثیر احتمالی بر ثبات خاورمیانه و موازنه قوا
- نقش مکانیسم ماشه در معادلات امنیتی خلیج فارس

۵. سناریوهای آینده و راهبردهای ایران

- سناریوهای محتمل: فعال‌سازی، تعلیق، یا بی‌اثر شدن مکانیسم
- گزینه‌ها و سیاست‌های ایران برای مدیریت پیامدها

زمان برگزاری نشست:
شنبه ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۴، ساعت ۱۶

بر بستر مجازی: <https://skyroom.online/ch/live.rc/andishkadeh>



نمایشی و فرمایشی تبدیل شد. دیپلماسی چندجانبه‌گرایی در سطح بین‌المللی، جای خود را به دیپلماسی دوجانبه، ائتلاف و اتحادهای دوجانبه منطقه‌ای-دفاعی داد که نمونه آن اتحاد دفاعی بین عربستان (متحد آمریکا) با پاکستان (تقابل با هند حامی اسرائیل) بود. جایگاه شورای امنیت سازمان ملل نیز تضعیف شد، چراکه شورایی که قرار بود حافظ صلح امنیت جهانی شود عملاً با این بازی سیاسی، بحران آفرین شد و ابزار حقوقی تبدیل به سیاسی شده و عملاً قانون بین‌الملل زیر سؤال رفت. فعال شدن مکانیسم ماشه، اعتبار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را نیز زیر سؤال می‌برد؛ زیرا با توافق قاهره، میان وزیر امور خارجه ایران و مدیرکل آژانس، سه کشور اروپایی با بی‌اعتنایی به این تفاهم‌نامه کوشش کردند به هر بهانه‌ای، مکانیسم ماشه فعال شود. با فعال شدن اسنپ بک، نظم نوین جهانی تعریف شده و عملاً به نظم جدید تغییر شکل می‌دهد؛ به‌ویژه تقابل جدی بین دو بلوک از شرق (روسیه و چین) در شورای امنیت با آمریکا و اتحادیه اروپا! این شیوه برخورد غرب با فناوری انرژی هسته‌ای ایران، اعتماد به نهادهای بین‌المللی، حتی قراردادهای حقوقی بین‌الملل، را به شدت کاهش می‌دهد و آثار واقعی در جهان آنارشی ترسیم می‌کند. مهم‌تر از همه اینکه نظریه مؤلفه قدرت نظامی که شاید تصور می‌شد بعد از جنگ سرد و یا با جهانی شدن و نظریه همبستگی کشورها رنگ باخته است، امروز قوت می‌گیرد و کشورها برای بازدارندگی و افزایش ضریب امنیتی ناشی از بی‌اعتمادی حاصل شده، در بحث تسلیحات و جنگ افزارهای تسلیحاتی مسابقه می‌دهند، اما به نظر می‌رسد راهکار جمهوری اسلامی ایران برای برون‌رفت از این بحران تحمیلی و دور کردن منازعه احتمالی، در کنار فشار اقتصادی، ضمن افزایش توان دفاعی بازدارندگی و تعلیق بازرسی‌های آژانس، فعال کردن دیپلماسی منطقه‌ای همراه با تفاهم‌نامه‌ها و اتحادهای دو و چندجانبه با کشورهای منطقه و سازمان‌های منطقه‌ای همچون شانگهای، بریکس، همکاری‌های خلیج فارس و کنفرانس کشورهای اسلامی و حتی تشویق قدرت‌های بزرگ منطقه به تشکیل ناتو شرق و در ادامه مذاکره درباره موضوع هسته‌ای همراه با عقلانیت و درک موضوعات بین‌المللی است.

باور دکتر متقی، متأسفانه در سه ماه گذشته، حوزه دیپلماسی ما موفقیت چندانی نداشته و در واقع نتوانسته مطلوبیت و اثربخشی لازم را از خود نشان دهد. درحالی‌که، باید قوی‌تر و بهتر عمل می‌شد و در ۸ روز باقی مانده نیز می‌طلبید که راهکارهایی را در جهت جلوگیری از فعال‌سازی کامل این مکانیسم به کار گرفت. وی افزود که با مقاومت در حوزه موشکی و اقتصادی موافق است، حال آنکه می‌توان بر سر موضوعات هسته‌ای امتیازات مهمی را در جهت رسیدن به تعامل و توافق پیشنهاد داد.

سخنران بعدی نشست، دکتر شهرام فتاحی، دبیر اندیشکده کرمانشاه و استاد روابط بین‌الملل، بودند که در ابتدا به جایگاه حقوقی الزام‌آور و یک طرفه مکانیسم ماشه در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ پرداخته و ناترازی در تعهدات متقابل را مورد بحث قرار دادند. همچنین به این مسأله پرداختند که عملاً مکانیسم ماشه، مزورانه به مثابه بمب ساعتی الزام‌آور در توافق غیرالزام‌آوری گنجانده شد. ایشان در ادامه، تبعات نهایی شدن فعال‌سازی مکانیسم ماشه در ابعاد سیاست داخلی و بین‌الملل را مورد توجه قرار داده و در فراز پایانی راهکارهایی در ساحت سیاست داخلی و فضای بین‌بازیگری و به‌منظور گذر از این دوران گذار پرتلاطم، ارائه کردند.

سخنرانی پایانی نشست، دکتر رضا رحیم‌پور، عضو شورای علمی اندیشکده زنجان و استاد علوم سیاسی، بودند که چکیده اظهارات ایشان از نظر می‌گذرد: «فعال کردن اسنپ بک، برای بازگشت تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران از سوی غربی‌ها، نشان داد که این مکانیسم، ابزار سیاسی است تا حقوقی؛ چراکه اگر قرار است ناقض واقعی تعهدات برجامی مشخص و مجازات شود، این آمریکای خارج شده از برجام و اروپایی‌های طرف این موافقت‌نامه هستند که تعهدات خود را با وجود پایبندی ایران به آن انجام نداده و طفره رفتند. فعال شدن مکانیسم ماشه، جدای از اثرات روانی اقتصادی در ایران، پیامدهای بین‌المللی نیز به دنبال دارد و صحنه جهانی از آن متأثر خواهد بود؛ به‌ویژه در منطقه غرب آسیا، بحران آفرین خواهد شد. همچنین، با احتمال فعال شدن این مکانیسم، روند دیپلماسی که انتظار می‌رفت گفتگوی جدی برای حل اختلاف‌ها باشد به گفتگوی

نشست بازخوانی نقش اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری در اقتصاد و امنیت

سست خواهد شد». وی با اشاره به اینکه اقتصاد امروز، صرفاً مجموعه‌ای از شاخص‌های کلان نیست، افزود: «اقتصاد، بستر اصلی زندگی اجتماعی است. احساس امنیت، اعتماد اجتماعی و حتی سلامت روانی افراد در این بستر شکل می‌گیرد. بحران‌های اقتصادی تنها سفره مردم را تهدید نمی‌کنند، بلکه بنیان روابط اجتماعی را متزلزل می‌سازند، اعتماد عمومی را کاهش می‌دهند و تاب‌آوری روانی جامعه را تضعیف می‌کنند. در شرایطی که نابرابری افزایش می‌یابد، تورم از کنترل خارج می‌شود و فرصت‌های اقتصادی کاهش پیدا می‌کند، جامعه با احساس بی‌ثباتی و ناامنی اجتماعی روبه‌رو می‌شود». دکتر آزاد ارمکی، در ادامه، سلامت روانی را یکی از سرمایه‌های ملی دانست که متأسفانه در سیاست‌گذاری‌ها کمتر به آن توجه می‌شود و تأکید کرد: «فشارهای اقتصادی و اجتماعی زمینه‌ساز افزایش اضطراب، افسردگی، و اختلالات روانی در جامعه هستند. این وضعیت بهره‌وری را پایین می‌آورد، انسجام اجتماعی را سست می‌کند و حتی پایداری سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سیاست‌گذاری جزیره‌ای در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی، این چرخه معیوب را تشدید می‌کند». در پایان، وی خواستار تغییر رویکرد سیاست‌گذاری از حالت بخشی به کل‌نگر و هماهنگ شد و گفت: «این مسئولیت تنها بر دوش دولت نیست؛ دانشگاه‌ها، نخبگان، اندیشکده‌ها و جامعه مدنی نیز باید نقش فعال‌تری در پیوند دادن این سه عرصه و ارائه راهکارهای جامع ایفا کنند. تنها در این صورت است که می‌توان جامعه‌ای با ثبات‌تر، سالم‌تر، و منسجم‌تر ساخت.»

سخنران بعدی نشست، دکتر حامد قادرزاده، دبیر اندیشکده کردستان و استاد اقتصاد، بر ضرورت نگاه کل‌نگر و میان‌رشته‌ای در سیاست‌گذاری‌های کلان تأکید کرد. وی بیان داشت که اقتصاد، فراتر از شاخص‌های مالی، پیوند عمیقی با امنیت اجتماعی و سلامت روانی دارد و هرگونه بی‌تعادلی در این عرصه‌ها می‌تواند به تضعیف بنیان‌های اجتماعی و روانی جامعه منجر شود. ناامنی اجتماعی، نابرابری اقتصادی، تورم و رکود از جمله عواملی هستند که به شکل مستقیم با کاهش تاب‌آوری اجتماعی و گسترش اختلالات روانی ارتباط دارند. همچنین تأکید شد که سیاست‌گذاری جزیره‌ای و نبود داده‌های میان‌رشته‌ای موجب بی‌اعتمادی، ناکارآمدی قوانین و تشدید بحران‌های اجتماعی و روانی می‌شود. در ادامه، دکتر قادرزاده، با اشاره به اهمیت ظرفیت‌سازی اندیشکده‌ها، بر لزوم گردآوری و تحلیل داده‌های بین‌بخشی در هر منطقه و تدوین بسته‌های سیاستی متناسب با شرایط بومی تأکید کرد. به گفته او، اندیشکده‌ها می‌توانند با پیوند میان نخبگان، جامعه و حاکمیت، زمینه اصلاح سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی و کاهش شکاف میان دولت و شهروندان را فراهم سازند. قانونمند کردن جایگاه سازمانی اندیشکده‌ها در استان‌ها و استفاده مستمر از تحلیل‌های میان‌رشته‌ای، به‌عنوان گام اساسی در جهت ارتقای حکمرانی مطلوب و افزایش اعتماد اجتماعی مطرح شد.

«معاونت پژوهشی و کارگروه‌های اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی» برگزار می‌کند:

«اقتصاد، امنیت اجتماعی، و سلامت روانی؛ بازخوانی نقش اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری»

سخنرانان:



دکتر محمدباقر رستمی
دبیر اندیشکده خراسان شمالی



دکتر حامد قادرزاده
دبیر اندیشکده کردستان



دکتر تقی آزاد ارمکی
استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران



دکتر مجید سرورند
معاون امور پژوهشی و کارگروه‌ها

موضوعات نشست:

- پیوند امنیت اجتماعی و سلامت روانی
- نقش امنیت اجتماعی در افزایش تاب‌آوری روانی جامعه
- چالش‌های سیاست‌گذاری در حوزه اقتصاد
- امنیت اجتماعی، سلامت روانی
- خطا داده‌های میان‌رشته‌ای و کمبود مطالعات سیاستی
- شکاف میان سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی
- اقتصاد و امنیت اجتماعی
- ارتباط بین سیاست‌های اقتصادی و ثبات اجتماعی
- تأثیر تورم، رکود، و نابرابری بر احساس امنیت و سرمایه اجتماعی
- اقتصاد و سلامت روانی جامعه
- نقش فشارهای اقتصادی در گسترش اضطراب، افسردگی و اختلالات روانی
- هزینه‌های اجتماعی-اقتصادی ناشی از بحران‌های سلامت روان
- نقش اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری
- ظرفیت‌سازی اندیشکده‌ها برای تحلیل میان‌رشته‌ای و پیوند میان جامعه، نخبگان، و حاکمیت
- ارائه بسته‌های سیاستی برای قانونگذاری و اصلاح سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی

زمان برگزاری نشست: ۱۳ مهرماه ۱۴۰۴، خوشبختی، ساعت ۱۶
مکان: slsroom.online/ch/13meh/2024/andishkadeh-hakomari-waqonongdary

به گزارش روابط عمومی اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نشست «اقتصاد، امنیت اجتماعی، و سلامت روانی؛ بازخوانی نقش اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری» روز شنبه، ۱۲ مهرماه ۱۴۰۴، به صورت برخط، برگزار شد. در این نشست، ابتدا، دکتر مجید سرورند، معاون امور پژوهشی و کارگروه‌های ستاد مرکزی اندیشکده‌ها و دبیر نشست، هدف از این جلسه را فراهم کردن فضایی برای گفت‌وگو و تبادل نظر میان کارشناسان، پژوهشگران، و تصمیم‌سازان دانست تا بتوانند با نگاهی دقیق‌تر، پیوندها و تأثیرات متقابل میان اقتصاد، امنیت اجتماعی، و سلامت روانی را مورد بررسی قرار داد. به اعتقاد او، این نشست می‌کوشد با عبور از رویکردهای بخشی و منفک، زمینه‌ای برای شکل‌گیری دیدگاه جامع و میان‌رشته‌ای نسبت به این حوزه‌ها فراهم آورد. همچنین، نقش اندیشکده‌ها در تولید تحلیل‌های عمیق و ارائه پیشنهادهای سیاستی برجسته خواهد شد تا فرآیند تصمیم‌گیری در این عرصه‌ها به‌سوی هماهنگی، کارآمدی و توجه بیشتر به ابعاد انسانی و اجتماعی سیاست‌ها هدایت شود.

در ادامه این نشست، دکتر تقی آزاد ارمکی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، با تأکید بر پیوند عمیق این سه عرصه گفت: «نمی‌توان اقتصاد، امنیت اجتماعی و سلامت روانی را به‌صورت جداگانه فهم یا مدیریت کرد؛ این موارد، سه ضلع یک مثلث‌اند که ساختار اجتماعی جامعه بر آن استوار است، اگر یکی از این اضلاع نادیده گرفته شود، در واقع پایه‌های جامعه



نشست مذاکره با غرب؛ ضرورتی راهبردی یا خطای تکراری

علوم سیاسی از برج‌ها و توافق‌نامه الجزایر به عنوان نمونه‌هایی یاد کرد که علی‌رغم وعده‌ها، به سود کامل ایران منجر نشدند و در نتیجه، تاریخ مذاکره با غرب، مملو از بی‌اعتمادی بوده و نشان می‌دهد غرب لزوماً قابل اتکا نیست؛ با این حال او تأکید کرد که ایرانیان، هرگز میز مذاکره را ترک نکرده‌اند و بر اساس مبانی تاریخی، دینی و ملی همواره تمایل به گفت‌وگو دارند.

در ادامه، دکتر علویان رویکرد پیشنهادی خود را چنین بیان داشت: «مذاکره باید هم‌زمان با آماده‌سازی میدان مقابله و افزایش توان بازدارندگی دنبال شود؛ دیپلماسی و قدرت دفاعی، دو بال هستند که باید همراه حرکت کنند تا منافع ملی و امنیت کشور حفظ شود. وی، خواستار دقت و هوشیاری در مواجهه با غرب شد، اما تأکید کرد که این به معنی کنار گذاشتن گفتگو نیست؛ بلکه مدیریت انقلابی و جهادی در کنار دیپلماسی هوشمند، می‌تواند راه حفظ عزت و منافع ایران باشد تا «پرچم ایران اسلامی» در جایگاه اقتدار باقی بماند.

در ادامه این نشست، دکتر مهدی میرزاده، کارشناس ژئوپلیتیک و دبیر اندیشکده هرمزگان، سیاست خارجی کنونی را در وضعیت‌ی از گزنداری و ناکارآمدی تصویر کرد که از بی‌تجربگی، امنیتی‌شدن دیپلماسی و نفوذ اپوزیسیون و بازیگران خارجی ریشه گرفته است. به‌زعم او، تفاوت دیدگاه‌ها درباره هدف سیاست خارجی. از اولویت دادن به توسعه اقتصادی و رفاه تا تمرکز بر امنیت و ایدئولوژی. سبب فقدان اجماع بر منافع ملی و از دست رفتن فرصت‌های تاریخی شده است؛ نمونه‌هایی مانند سوریه و عراق، نشان می‌دهد آورده اقتصادی ایران اندک و هزینه‌ها بزرگ بوده است. دبیر اندیشکده استان هرمزگان گوشزد کرد که رویکرد غالب ژئوپلیتیک و بازدارندگی منفی، ظرفیت ژئوآکونومیک کشور را خالی کرده، همسایگان، اما هم‌زمان از ترکیب «چماق و هویج» استفاده می‌کنند؛ در نتیجه ایران دچار انزوای راهبردی و سازوکارهای برهم‌زننده توازن در منطقه شده است.

وی، راه‌حل را در جایگزینی رهیافت ژئوآکونومیک به جای ایدئولوژیک و دربرگیرنده توسعه اقتصادی، توازن روابط با قدرت‌های بزرگ و ایجاد اجماع داخلی می‌داند. او پیشنهاد می‌دهد که رفع عطش داخلی برای مذاکره و تلاش جدی برای بازکردن کانال‌های اقتصادی و دیپلماتیک. از جمله گفت‌وگوهای هدفمند با آمریکا در شرایط کنونی. باید در دستور کار باشد تارفاه و رضایت عمومی ارتقاء یابد و هزینه‌های انزوا کاهش پیدا کند. میرزاده، تأکید کرد اصلاح سیاست خارجی نیازمند اجماع ملی، توجه به منافع اقتصادی مردم و بازتعریف ابزارهای بازدارندگی به‌صورت مثبت (پیوند اقتصادی و وابستگی متقابل منافع) است تا ایران بتواند فرصت‌های منطقه‌ای را بازیابی و از تنگنای ژئوپلیتیکی رهایی یابد.

معاونت پژوهشی و کارگروه‌ها؛ اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برگزار می‌کند:



مذاکره با غرب

ضرورتی راهبردی یا خطایی تکراری؟

محتوای نشست:

- بازخوانی بیانات رهبر معظم انقلاب درباره مذاکره و اعتماد به غرب
- مبانی مذاکره با غرب در بیانات رهبر انقلاب
- بی‌اعتمادی به غرب؛ ریشه‌ها و تجربه‌ها
- پیشینه تاریخی و تجربه‌های ایران در مذاکره با غرب
- اقتصاد سیاسی مذاکره با غرب
- ایجاد حقوقی و بین‌المللی مذاکرات
- ایجاد اجتماعی و روانی مذاکره
- گزینه‌های راهبردی پیش‌رو

زمان برگزاری نشست:
یکشنبه ۲۷ مهرماه ۱۴۰۲، ساعت ۱۶

پربستر مجازی:
<https://skyroom.online/ch/live.rc/andishkadeh>

سخنرانان:

- دکتر آرمان محمدی: کارشناس ارشد سیاست بین‌الملل
- دکتر مرتضی علویان: دبیر اندیشکده هرمزگان
- دکتر محمد میرزاده: دبیر اندیشکده هرمزگان

دبیر نشست:
دکتر محمد سیدروند: معاون امور پژوهشی و کارگروه‌ها

معاونت پژوهشی و کارگروه‌ها؛ اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برگزار می‌کند:

به گزارش روابط عمومی اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نشست «مذاکره با غرب؛ ضرورتی راهبردی یا خطایی تکراری» روز یکشنبه، ۲۷ مهرماه ۱۴۰۲، به صورت برخط برگزار شد. در این نشست، ابتدا، دکتر مجید سروند، معاون امور پژوهشی و کارگروه‌های ستاد مرکزی اندیشکده‌ها و دبیر نشست، یادآور شد: «این نشست، با هدف بررسی همه‌جانبه یکی از مهم‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین موضوعات سیاست خارجی کشور برگزار می‌شود و تلاش خواهد شد تا با مرور تجربه‌های تاریخی ایران در مذاکره با قدرت‌های غربی، تحلیل تأثیر این مذاکرات بر اقتصاد ملی، جایگاه بین‌المللی کشور و افکار عمومی داخلی، تصویر روشن‌تری از گزینه‌های پیش‌روی سیاست خارجی ایران ترسیم شود. هدف اصلی این گفت‌وگو، پاسخ به این پرسش کلیدی است که آیا مذاکره با غرب می‌تواند ضرورت راهبردی برای حفظ منافع ملی تلقی شود یا اینکه تجربه‌های پیشین، لزوم بازنگری در این مسیر و توجه به گزینه‌های جایگزین را گوشزد می‌کند. در ادامه، دکتر مرتضی علویان، استاد علوم سیاسی و دبیر اندیشکده مازندران، در سخنرانی خود، مرور تاریخی بر تجربه مذاکره ایران با قدرت‌های غربی ارائه داد و با استناد به نمونه‌هایی از مذاکره با پرتغال (۱۵۰۸م)، عهدنامه‌های گلستان (۱۸۱۳) و ترکمنچای (۱۸۲۸)، قراردادهای دوره قاجار و قرارداد ۱۹۱۹، تا وقایع قرن بیستم از جمله کودتای ۱۳۳۲ و توافقات پس از آن، تجربه پُرهزینه و تکرارشونده‌ای را برای ایران تصویر کرد. این دانشیار



نشست ابعاد کنشگری زنان در جنگ ۱۲ روزه

بر سه محور اصلی بود: اهمیت تثبیت هویت زن مجاهد، چگونگی انتقال روایت مقاومت به داخل و خارج از مرزها و لزوم برنامه‌ریزی راهبردی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی زنان در بازسازی پس از جنگ.

در ادامه خانم دکتر فاطمه ابراهیمی، به موضوع «کنشگری زنان در دیپلماسی عمومی و عرصه بین‌الملل» پرداختند. ایشان با ارائه راهکارهایی عملی بر نقش روایت‌گری زنان در سطح بین‌المللی تأکید کردند و استفاده از ظرفیت سازمان ملل متحد، نهادهای بین‌المللی، شبکه‌های علمی، دانشگاهیان و نخبگان را برای تقویت موضع مقاومت ضروری دانستند. وی، بخش مهمی از سخنان خود را به تبیین بهره‌برداری هدفمند از امکانات حقوق بین‌الملل و ظرفیت‌های سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری برای طرح موضوعات و مطالبات مربوط به زنان در بستر پس از جنگ اختصاص داد. همچنین با اشاره به توانمندی‌های زنان ایرانی بر ضرورت فعال‌سازی این ظرفیت‌ها در فضای رسانه‌ای و مجامع بین‌المللی تأکید نمود تا در مقابل محاسبات دقیق و تبلیغات سازمان‌یافته رژیم صهیونیستی، یک جبهه حقیقت‌محور و کارآمد شکل گیرد.

سومین سخنران، خانم دکتر سارا طالبی، بر ابعاد داخلی کنشگری زنان تمرکز داشت. وی به ظرفیت‌های بانوان در دوران دفاع مقدس ۸ ساله و استمرار همان روحیه در جنگ ۱۲ روزه پرداخت و نقش آنان را در همپایی با مردان، مدیریت فضای خانه و پشتیبانی از جبهه‌ها تشریح کرد. دکتر طالبی، هویت زن مجاهد را مؤلفه‌ای چندبعدی دانست که همزمان امنیت روانی جامعه، پایداری خانواده و استمرار گفتمان مقاومت را تضمین می‌کند.

نشست، با جمع‌بندی مباحث و تأکید بر این نکته به پایان رسید که زن مسلمان مقاومت، صرفاً بازیگر حاشیه‌ای نیست، بلکه محور راهبردی در دیپلماسی عمومی و بازدارندگی نرم است. بهره‌گیری بهینه از این ظرفیت، مستلزم تدوین راهبردهای عملیاتی منطبق با واقعیت‌های میدانی و نیازهای عرصه بین‌المللی است.

کارگروه زنان و خانواده اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برگزار می‌کند:

ابعاد کنشگری زنان در جنگ ۱۲ روزه و پس از آن

با تأکید بر دیپلماسی عمومی جنگ

محورهای نشست

۱. بازتعریف هویت زن ایرانی مجاهد به عنوان مؤلفه راهبردی قدرت نرم در گفتمان مقاومت
۲. نقش آفرینی زنان در تولید و صدور روایت اصیل دفاع مقدس در چارچوب دیپلماسی عمومی
۳. کارویژه‌های زنان در بازسازی اجتماعی، فرهنگی، پساجنگ و معماری تصویر بین‌المللی ایران
۴. دیپلماسی مردم‌پایه زنان؛ از شبکه‌سازی منطقه‌ای تا تأثیرگذاری بر نهادهای بین‌المللی

دکتر سارا طالبی
مدیر مرکز راهبری و هماهنگی بانوان سازمان تبلیغات اسلامی

دکتر فاطمه ابراهیمی
مشاور رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در امور زنان و خانواده

دکتر راضیه اکبری
رئیس کارگروه زنان و خانواده اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری

زمان برگزاری نشست: دوشنبه ۲۷ مردادماه ۱۴۰۴، ساعت ۱۶
بر بستر مجازی: <https://skyroom.online/ch/live.rc/andishkadeh>

در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۴۰۴، نشستی با حضور اساتید و پژوهشگران حوزه زنان و خانواده مطالعات مقاومت و روابط بین‌الملل به صورت برخط در اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری مرکز پژوهش‌های مجلس، به منظور واکاوی ظرفیت‌ها و راهبردهای کنشگری زنان در جنگ ۱۲ روزه و دوره پس از آن و بررسی نقش این کنشگری در دیپلماسی عمومی جنگ، برگزار شد.

در آغاز خانم دکتر راضیه اکبری، مقدماتی را ارائه کردند که بر ضرورت تحلیل چندساحتی نقش زنان در مقاومت، شناخت تعامل میان میدان نبرد و میدان روایت و پیوند این دو با بازدارندگی نرم، تأکید داشت. محتوای سخنان ایشان مبتنی

افتتاح اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری استان اصفهان



مجلس خاطرنشان کرد: «این اندیشکده به‌عنوان پلی میان مرکز پژوهش‌های مجلس و نخبگان استان‌ها عمل خواهد کرد. در اصفهان نیز جمعی متشکل از حدود ۳۰ نفر شامل وزرا، مشاوران، پژوهشگران و سایر فعالان حوزه قانون‌گذاری در قالب شورای عالی، پس از وقفه‌ای دو ساله، فعالیت عملی و مستمر خود را آغاز کرده‌اند.»

با حضور دکتر حمزه صفربیگی، دبیر اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر اندیشکده حکمرانی استان اصفهان، آغاز به کار کرد. این مراسم، در استانداری اصفهان و با حضور استاندار، معاونین و جمعی از مسئولان استان برگزار شد. افتتاح این دفتر، نقطه شروعی برای ایجاد تحولات اساسی در مسیر حکمرانی و تصمیم‌سازی در استان اصفهان، خواهد بود.



اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری اصفهان، پلی میان نخبگان استان و مرکز پژوهش‌های مجلس

دکتر صفربیگی، با اشاره به اهمیت این اقدام گفت: «افتتاح این دفتر یکی از ایده‌های نوآورانه و راهبردی ریاست مجلس است که با هدف ارتقای کیفیت تصمیم‌سازی و قانون‌گذاری

این رویداد مهم، با هدف تقویت بنیان‌های علمی، پژوهشی و اجرایی در حوزه حکمرانی و قانون‌گذاری شکل گرفته است و استان اصفهان را به یکی از پیشگامان عرصه سیاست‌گذاری مبتنی بر علم و خرد جمعی، تبدیل خواهد کرد. شروع کار و معارفه اعضای شورا، نقطه عطفی در مسیر تعامل میان پژوهشگران، مدیران اجرایی و تصمیم‌سازان استانی به شمار می‌آید و زمینه‌ساز تحولات بنیادین در ارتقای کیفیت حکمرانی، شفافیت، پاسخگویی و کارآمدی نهادهای استانی خواهد بود. دکتر صفربیگی، دبیر اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نیز در این مراسم، با اشاره به رویکرد علمی این مجموعه، اظهار داشت: «اندیشکده حکمرانی، با ایده بهره‌گیری از ظرفیت افکار و مدیران همه سلايق، شکل گرفته است و هدف آن، بهره‌گیری از نگاه علمی نخبگان برای شناسایی و حل مسائل کشور است. تلاش داریم با ایجاد دفاتر استانی و دریافت نظرات و پیشنهادات استادان و کارشناسان، گام‌های مؤثری برای رفع چالش‌ها برداریم.» دبیر اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری مرکز پژوهش‌های



نظام اسلامی و دولت اسلامی است، تصریح کرد: «اعتقاد داریم حکمرانی مطلوب، زمانی تحقق می‌یابد که تصمیمات و سیاست‌ها در بطن جامعه ریشه دوانده و نخبگان محلی نقش فعال و تعیین‌کننده‌ای در آن ایفا کنند.»

دکتر جمالی نژاد، استاندار اصفهان در آئین افتتاح اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری استان، با اشاره به چالش‌های ساختاری نظام اجرایی و تصمیم‌گیری در کشور گفت: «بسیاری از مشکلات امروز ما، نه ناشی از کمبود منابع، بلکه نتیجه حکمرانی ناکارآمد و ساختار دیوان‌سالارانه و چاقی است که توان حل مسئله ندارد. شکل‌گیری اندیشکده‌های تخصصی، می‌تواند راهگشای بسیاری از این مشکلات باشد، به‌ویژه اگر به صورت جسور، علمی، و پیوسته به فرآیند اجرا عمل کنند.»

جمالی‌نژاد، ضمن اعلام حمایت کامل از این اندیشکده گفت: «من شخصا و با تمام ظرفیت استانداری از فعالیت اندیشکده حکمرانی در استان اصفهان حمایت خواهم کرد. با شناختی که از ترکیب اعضای این مجموعه دارم، باور دارم که نخبگان استان ما، می‌توانند الگوی بی‌نظیری برای کشور، در این حوزه بسازند. وی تأکید کرد: اگر جسارت، علم، واقع‌نگری و اتصال به اجرا در کنار هم قرار بگیرند، این اندیشکده، می‌تواند نه تنها در سطح استان، بلکه در سطح ملی تأثیرگذار باشد. کشور امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند حکمرانی علمی، دقیق و مبتنی بر خرد جمعی است. استاندار اصفهان، با اشاره به اهداف تعیین شده برای این اندیشکده گفت: «اهدافی همچون مسئله‌گشایی، راه‌حل‌یابی، اولویت‌بندی نظام مسائل استان، مشاوره در تصمیم‌گیری، مطالبه‌گری منصفانه، تشکیل بانک اطلاعاتی نخبگان، و ایفای نقش بازوی مشورتی برای نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، نشان می‌دهد که این اندیشکده‌ها، قرار نیست صرفاً به مباحث نظری بپردازند، بلکه رسالت آن‌ها پیوند میان دانش و اجرا است. وی افزود: «من معتقدم این اندیشکده می‌تواند الگویی برای سایر استان‌ها شود. ترکیب ظرفیت علمی، تجربه نخبگان، و اراده اجرایی در استان اصفهان این پتانسیل را دارد که ما را در مسیر حکمرانی نو، شفاف، هوشمند و مردم‌پایه قرار دهد.»

دکتر رسول رکنی‌زاده، ریاست دانشگاه اصفهان، نیز در این مراسم، گفت: «هدف از تشکیل اندیشکده حکمرانی، تمرکز بر حل مسائل حال و آینده و نیز کاربرد ظرفیت‌های فرهنگی در این

در کشور، توان نخبگان و دانشگاهیان استان‌ها را به شکل گسترده‌تر به کار می‌گیرد.» وی افزود: «هدف ما این است که از دانش تخصصی و تجربه عملی نخبگان استانی بهره‌مند شویم و نیازها و اولویت‌های محلی هر منطقه را در پیش‌نویس قوانین، طرح‌ها و لوایح منعکس کنیم تا تصمیمات نه تنها دقیق‌تر بلکه عملیاتی و متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی استان‌ها باشد.»

دکتر صفربیگی با تأکید بر چالش تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری‌های گذشته کشور، گفت: «تمرکز تصمیمات در پایتخت، همواره مانع توسعه و حکمرانی مؤثر در استان‌ها بوده است. اندیشکده، با هدف نزدیک کردن فرآیندهای تصمیم‌گیری به میدان عمل شکل گرفته و تنها با مشارکت فعال دانشگاه‌ها و نخبگان استانی و استفاده از ظرفیت‌های پژوهشی این امکان فراهم می‌شود.» وی ادامه داد: «اندیشکده با نگاه میدانی و دقیق، به ارائه تحلیل‌های تخصصی و پیشنهاد راهکارهای نوآورانه در مسائل کلان کشور خواهد پرداخت و از ظرفیت‌های علمی نخبگان استان برای پیشبرد امور مهم بهره می‌برد.»

دکتر صفربیگی، همچنین بر ضرورت کنار گذاشتن اختلافات سیاسی و جناحی تأکید کرد و گفت: «در این اندیشکده هیچ محدودیتی در پذیرش دیدگاه‌ها وجود ندارد. چه نظرات موافق و چه انتقادات، همه به پویایی، خلاقیت و جامعیت فرآیند تصمیم‌گیری کمک می‌کنند.»



وی با بیان اینکه این اقدام بیش از آنکه یک فعالیت پژوهشی باشد، نماد حکمرانی مردم‌سالارانه و نهادینه‌سازی واقعی



و قانون‌گذاران در استان اصفهان است و می‌تواند زمینه‌ساز حکمرانی مشارکتی، علمی و کارآمد در سطح ملی باشد. ایشان خواستار پیگیری مشکلات مردم توسط اندیشکده‌های حکمرانی و انتقال مسائل به مسئولین ملی شدند. لزوم بازنگری قوانین سخت‌گیرانه حوزه کشاورزی و رفع نواقص قوانین کلی از طریق پژوهش‌های هدف‌مند اندیشکده‌ها از مطالبات ایشان بود

همچنین پیوند علم و تصمیم‌گیری ملی برای اصلاح ساختارهای اجرایی و قانون‌گذاری کشور، باید مد نظر قرار بگیرد.

آیت‌الله طباطبایی‌نژاد، نماینده ولی‌فقیه در اصفهان، در دیدار با دبیر اندیشکده‌های حکمرانی مرکز پژوهش‌های مجلس، بر ضرورت استفاده نمایندگان از مشاوره‌های دقیق نخبگان و دانشگاهیان تأکید کرد.

با افتتاح این دفتر و حضور رؤسای دانشگاه‌های استان، دانشگاه اصفهان، رسماً به شبکه ملی اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری پیوست و مأموریت تازه‌ای برای تقویت پیوند میان ساختار علمی کشور و فرآیندهای تصمیم‌سازی آغاز شد.

مسیر است. ما امیدواریم این دفتر به یکی از کانون‌های مؤثر پژوهش و سیاست‌گذاری علمی کشور بدل شود.» در ادامه تأکید کرد: «اندیشکده، وظیفه سنگینی بر عهده دارد و آموزش، از مهم‌ترین اولویت‌های آن است. باید با تربیت کارشناسان و مدیران آینده‌نگر، مسیر حکمرانی علمی را در سطح ملی تقویت کنیم.» وی افزود: «رویکرد علمی ما بر همدلی ملی استوار است و بر این باوریم که همه اقشار باید در تصمیم‌سازی کشور سهم داشته باشند.»

فاصله پژوهش تا اجرا باید پر شود

در پایان دکتر رکنی‌زاده، با تأکید بر ضرورت تبدیل پژوهش به مدیریت اجرایی مؤثر، اظهار کرد: «با وجود انجام پژوهش‌های علمی و جهانی در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور، به ویژه دانشگاه اصفهان، فاصله زیادی میان پژوهش و اجرا وجود دارد که نیازمند برنامه‌ریزی و اقدام جدی است.» وی در پایان تأکید کرد که افتتاح دفتر اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری، گام مهمی برای ایجاد شبکه‌ای فعال از پژوهشگران، کارشناسان



آغاز به کار اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری کردستان



شماره چهارم | آذر ماه ۱۴۰۴



و در ادامه، آئین معارفه اعضای شورای علمی، با حضور استاندار کردستان و دبیر اندیشکده های مرکز پژوهش های مجلس، در استانداری کردستان برگزار شد. این مراسم، با ادای احترام به مقام شهدا در گلزار شهدای گمنام، آغاز شد و بر پیوند دانش و تصمیم سازی، بهره گیری از ظرفیت نخبگان و ارتقای کیفیت حکمرانی محلی تأکید گردید. در پایان مراسم، اعضای شورای علمی اندیشکده، معرفی و محورهای کاری آن شامل توسعه منطقه ای، عدالت اجتماعی و ارتقای کیفیت حکمرانی محلی، تبیین شد.

با هدف تقویت نظام تصمیم سازی علمی و بهره گیری از ظرفیت نخبگان، اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری استان کردستان، فعالیت خود را آغاز کرد. دکتر حمزه صفریگی، دبیر اندیشکده های حکمرانی و قانون گذاری کشور، مأموریت اندیشکده ها را «تبدیل ظرفیت علمی به سیاست های اجرایی مؤثر» عنوان کرد.

دکتر آرش زره تن لهنوی، استاندار کردستان، این رویداد را «فرصتی برای پیوند دانش، تجربه و تصمیم سازی اجرایی» دانست و تأکید کرد: «این اندیشکده، می تواند پشتوانه پایداری برای برنامه ریزی توسعه ای استان، باشد. محورهای فعالیت اندیشکده شامل؛ توسعه منطقه ای، عدالت اجتماعی و بهبود حکمرانی است.



آغاز به کار اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری استان مازندران



نه تنها برای حل مسائل خود استان، بلکه در بسیاری از موضوعات در سطح ملی نیز راهگشا باشد. دبیر اندیشکده های حکمرانی و قانون گذاری مرکز پژوهش های مجلس تصریح کرد: انشاء الله با مشورت های این عزیزان در حوزه های تقنین، نظارت و قانون گذاری، شاهد وقوع اتفاقی مبارک در استان برای گرہ گشایی از کار مردم و ارائه راهکارهای عملی خواهیم بود. همچنین ورود دبیر اندیشکده های حکمرانی و قانون گذاری و هیات همراه در استان با دیدار با نماینده محترم مقام معظم رهبری شروع و با دیداری در استانداری مازندران ادامه و با افتتاح دفتر اندیشکده های استان مازندران به پایان رسید.

در چارچوب افتتاح اندیشکده های حکمرانی و قانون گذاری کشور، اندیشکده مازندران، با هدف ارتقای کیفیت قانون گذاری و پیوند سیاست گذاری ملی با ظرفیت های بومی آغاز به کار کرد. به گفته حمزه صفر بیگی، دبیر اندیشکده های حکمرانی و قانون گذاری کشور: «اندیشکده ها آمده اند تا در دل میدان، فارغ از هر نوع بروکراسی، برای حل واقعی مسائل کشور عمل کنند.»



معارفه اعضای اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری مازندران در استانداری

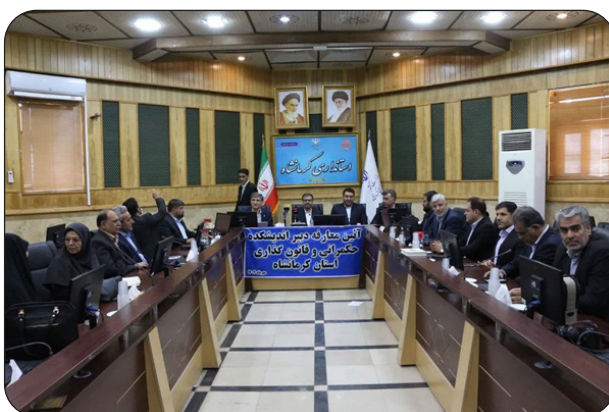
در آئین رسمی استانداری مازندران، اعضای اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری معرفی شدند. این اندیشکده، با هدف پشتیبانی فکری از تصمیم سازی های کلان استانی و ارائه الگوهای نوین حکمرانی مبتنی بر پژوهش، فعالیت خود را آغاز کرد. حمزه صفر بیگی، دبیر اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری کشور، گفت: «در دل میدان و فارغ از بروکراسی، باید مسائل را فهم و حل کرد؛ دانایی، زمانی معنا می یابد که با تجربه و اقدام پیوند بخورد.» وی، رسالت اندیشکده را تبدیل ظرفیت علمی و نخبگانی استان به راه حل های اجرایی و بازآفرینی اعتماد نهادی میان مردم و حاکمیت دانست. وی استان مازندران را دارای جایگاهی ویژه و حساس دانست و افزود: مازندران به طور قطع غنی از نخبگان و دانشمندان دانشگاهی است و این ظرفیت عظیم می تواند



آغاز به کار اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری استان کرمانشاه



کشور، مشارکت واقعی داشته باشند و دیدگاه‌های خود را برای تدوین قوانین، نظارت و سیاست گذاری به سطوح ملی منتقل کنند.



دکتر صفربیگی، با اشاره به اینکه بسیاری از سیاست‌ها و تصمیم‌های ملی، به دلیل بی‌توجهی به واقعیت‌های میدانی در اجرا دچار مشکل می‌شوند، گفت: «باید با چالش‌های استان‌ها از نزدیک مواجه شویم، در غیر این صورت، اولویت‌بندی و تصمیم‌ها، گاه از میدان عمل فاصله می‌گیرند و دچار خطا می‌شوند. به همین دلیل، خبرگان استانی، بهتر از هر فرد دیگری می‌توانند نیازها و موانع را شناسایی کنند و راهکارهای اجرایی ارائه

به گزارش روابط عمومی اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری استان کرمانشاه، با حضور دکتر حمزه صفربیگی دبیر اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، در دانشکده اقتصاد دانشگاه رازی کرمانشاه، آغاز به کار کرد. دکتر صفربیگی، فلسفه راه اندازی این اندیشکده‌ها در سطح استان‌ها، استفاده از ظرفیت نخبگان و اندیشمندان و اساتید دانشگاهی، در حل مسائل و موضوعات محلی دانست. وی، هدف اصلی راه اندازی از این اندیشکده را دخیل کردن ایده، نظر و علم نخبگان و اندیشمندان در مرحله تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرا برای حل مسائل و ارائه راهکارهای علمی به آنها عنوان کرد. در ادامه مطرح کرد، چرا برخی از قوانین ما در مرحله اجرا با مشکل روبرو می‌شود؟ چون کار علمی، پژوهشی و نظر نخبگان پشت آنها نیست، در حالی که در بسیاری از کشورها، قبل از وضع قانون ۲۰ تا ۳۰ اندیشکده و نخبه در مورد آن موضوع، اظهار نظر می‌کنند و درباره آن کار کارشناسی صورت می‌گیرد.

دکتر صفر بیگی گفت: «اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری بازوان توانمند مشورتی، برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در سطح ملی و محلی هستند و می‌توانند راهکارهای عملی، اجرایی و علمی، فارغ از باند بازی و جناح بندی سیاسی، ارائه دهند.» او افزود که ایده تشکیل اندیشکده‌های حکمرانی و قانون گذاری از مجلس یازدهم، آغاز شد تا سازوکاری فراهم شود که نخبگان و خبرگان استانی بتوانند در فرآیند تصمیم سازی

جمعی از اعضای اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری کشور، از جمله دکتر صفربیگی، پیش از برگزاری مراسم معارفه دبیر استانی این اندیشکده، با حجت‌الاسلام والمسلمین حبیب‌الله غفوری، نماینده ولی‌فقیه در استان و امام‌جمعه کرمانشاه دیدار و گفت‌وگو کردند.



دهند.» او تأکید کرد که اندیشکده‌ها باید این خلأ را پر کنند و به عنوان حلقه واسطه حوزه نظر و عمل، زمینه گفت‌وگوی مستقیم میان نخبگان و مدیران اجرایی را فراهم آورند تا راهکارهای عملیاتی و پژوهشی در کنار برنامه‌های اجرایی قرار گیرد.» مشاور رئیس مرکز با تأکید بر اینکه نظام حکمرانی کشور، باید از نگاه بالا به پایین فاصله بگیرد و به سمت مشارکت نخبگان محلی حرکت کند، تصریح کرد: «توسعه پایدار هر استان، زمانی تحقق می‌یابد که تصمیم‌ها از بطن استان‌ها و از دل جامعه نخبگانی آن بیرون بیاید.»



نخبگان باید اسناد توسعه استان‌ها را تدوین کنند

دکتر صفربیگی افزود: «اسناد توسعه هر استان باید به دست نخبگان همان منطقه، نوشته شود؛ چرا که نسخه‌ای که برای یک استان مرکزی تجویز می‌شود، ممکن است برای استان مرزی همچون کرمانشاه کارآمد نباشد. نخبگان بومی، به دلیل شناخت دقیق از ظرفیت‌ها و چالش‌های منطقه، می‌توانند طرح‌ها، سیاست‌های واقعی و اثربخشی را ارائه دهند.» او در ادامه با اشاره به اهمیت تشکیل بانک اطلاعاتی نخبگان و کارگروه‌های تخصصی متناظر با کمیسیون‌های مجلس گفت: «این سازوکار، سبب می‌شود، نظرات دقیق و علمی، به موقع در اختیار تصمیم‌گیران قرار گیرد و نمایندگان مجلس و مدیران اجرایی، بتوانند از دیدگاه‌های بومی در تصمیم‌سازی استفاده کنند.»

دکتر صفربیگی، با اشاره به تأکید رئیس مجلس شورای اسلامی، بر بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان گفت: «در موارد متعددی گزارش‌هایی که از سوی نخبگان استانی به مرکز پژوهش‌های مجلس، ارائه شده، دقیق‌تر و واقع‌بینانه‌تر از گزارش‌های رسمی دستگاه‌ها بوده و این موضوع، نشان‌دهنده اهمیت نگاه میدانی و علمی در تصمیم‌سازی‌ها است.»

کرمانشاه پتانسیل توسعه در سطح تراز اول کشور را دارد

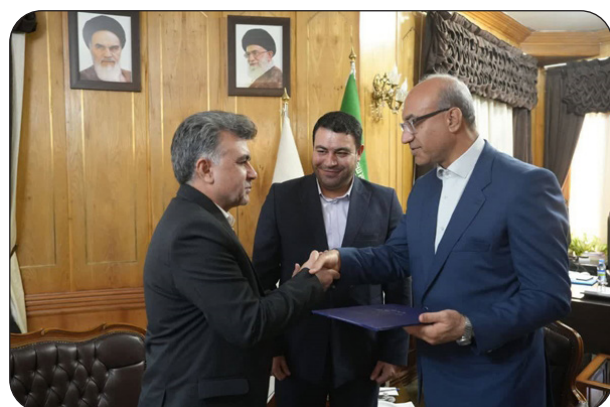
دکتر صفربیگی، در پایان با اشاره به نقش کرمانشاه در طرح‌های ملی افزود: «نظام مسائل استان کرمانشاه پیش‌تر به رئیس مجلس ارائه و به دفتر ریاست جمهوری و وزارت کشور نیز ارسال شده است تا با نگاه اندیشکده‌ای و علمی، تصمیم‌های دقیق‌تر و منطبق‌تری برای توسعه استان اتخاذ شود.»

علمی در حل مشکلات استانی و ملی گام برداریم و هرکس، وظیفه خودش را خوب انجام دهد.»

اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری کرمانشاه، در حالی با هدف تقویت ارتباط نخبگان و مراکز تصمیم‌گیر کشور آغاز به کار کرد که استاندار کرمانشاه، این مرکز را، فرصتی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی استان و اثرگذاری در فرآیند تصمیم‌سازی ملی دانست. منوچهر حبیبی، استاندار کرمانشاه در جلسه معارفه دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان، راه‌اندازی این اندیشکده را، اقدام مهمی ارزیابی کرد و بیان کرد: «این مرکز، می‌تواند پل ارتباطی میان استان‌ها و فرآیند تصمیم‌گیری کشور باشد.» وی با اشاره به اهمیت ایجاد ارتباط ساختاری میان استان‌ها و مرکز پژوهش‌های مجلس، افزود: «این ارتباط تاکنون، به صورت سیستماتیک برقرار نبوده است، اما با تأسیس اندیشکده حکمرانی تقویت خواهد شد.» استاندار کرمانشاه، تصریح کرد: «این اندیشکده، باید بر پایه علم و پژوهش فعالیت کند و استفاده از ظرفیت نخبگان و مدیران باتجربه استان، یکی از نقاط قوت آن خواهد بود تا پیشنهادهای آنان در تصمیمات ملی لحاظ شود.» وی با بیان اینکه این مرکز، می‌تواند محلی برای تجمع نخبگان و متخصصان باشد، گفت: «برگزاری نشست‌های تخصصی و بررسی چالش‌ها و مسائل کلیدی استان و ارائه راهکارهای عملی، از جمله مأموریت‌های این اندیشکده است که نتایج آن از طریق مرکز پژوهش‌های مجلس به نهادهای تصمیم‌ساز ارائه خواهد شد. استاندار کرمانشاه همچنین، جایگاه رسمی اندیشکده، در تعامل با نهادهای قانون‌گذار و اجرایی را یادآور شد و اظهار داشت: «اعضای این مجموعه از میان دانشگاهیان و نخبگان انتخاب شده‌اند و می‌توانند در کنار مدیران اجرایی، در تصمیم‌سازی‌های علمی و تخصصی اثرگذار باشند.»



در پایان این مراسم، دکتر شهرام فتاحی، به عنوان دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان کرمانشاه، معرفی شد و اعضای این اندیشکده نیز، حکم انتصاب خود را دریافت کردند. دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گفت: «اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان‌ها، یک دبیر، ۱۱ شورای علمی و ۲۴ کارگروه تشکیل شده است، با بودجه مشخص، برای نهادهای اجرایی، بازوی مشورتی قانون‌گذاری و دولت هستند که در سطح محلی بر تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا تأثیر می‌گذارند و در ادامه، به رتبه ۳۱ کرمانشاه در انباشت ثروت در بین استان‌های کشور اشاره کرد و گفت: «این در حالی است که کرمانشاه در همه زمینه‌های توسعه‌ای و اقتصادی پتانسیل کسب رتبه نخست و تراز اول کشور را دارد.»



شهرام فتاحی، وضعیت فعلی اقتصادی و معیشتی کرمانشاه را آزردهنده دانست و افزود: «این شرایط، تاوان سالیان طولانی، باند بازی گروه‌های سیاسی در استان است، در حالی که کرمانشاه، مستحق این ظلم‌ها نیست. وی، به ارتباط ضعیف بین دستگاه‌های اجرایی و دولت با دانشگاه، اشاره کرد و افزود: «این دانشکده، بنا دارد بازنگری حکمرانی محلی و طرح مسائل روز، اولویت بندی‌ها، راهکار کارآمد اجرایی و عملی ارائه کند.» فتاحی، همچنین گفت: «نباید بخش قانون و اجرا، به مانند دو لبه جدا افتاده عمل کنند، بلکه باید در یک راستا قرار گیرند.» وی در پایان به شرایط حساس سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور اشاره کرد و افزود: «بدون تعارف، باید با راهکارهای تخصصی و

تحلیل نهادی و اقتصادی علل تعطیلی معادن و چالش‌های فعالیت معدنی در استان خراسان رضوی



امیرعلی وطن‌دوست باجگیران

مدیر کارگروه معادن و صنایع اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری استان خراسان رضوی

این وضعیت از منظر حمایت از سرمایه‌گذاری اولیه، جلوگیری از اتلاف ذخایر معدنی، اشتغال محلی، ضرورت تحلیل علمی و راهبردی متمرکز بر حکمرانی معادن را ایجاب می‌کند.



تصویر کمی وضعیت معادن غیرفعال در خراسان رضوی

طبق آمار اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان که در گزارش ۱۴۰۱ش. منعکس شده است، در تابستان ۱۴۰۱ش. از مجموع حدود ۹۹۶ پروانه بهره‌برداری معتبر استان، ۴۸۳ پروانه (حدود ۴۸٪) مربوط به معادن غیرفعال، بوده است. این معادن، نزدیک به ۳،۴ میلیون تن ذخیره قطعی ثبت‌شده و سرمایه‌گذاری اولیه‌ای بالغ بر چند هزار میلیارد ریال را نمایندگی می‌کنند و ظرفیت اشتغال مستقیم بالقوه قریب به ۴۰۰۰ نفر را دارند، اگرچه از لحاظ تعداد سهم معادن غیرفعال قابل توجه است، توزیع ذخایر و سرمایه‌گذاری میان معادن فعال و غیرفعال نابرابر است؛ یعنی بخش بزرگی از سرمایه و ذخایر در معادن فعال متمرکز است، اما معادن غیرفعال نیز سهم اقتصادی معناداری دارند که از منظر سیاست‌گذاری نباید نادیده گرفته شوند. آنچه ضرورت دارد توجه به دسته‌بندی انواع معادن از نظر حجمی است. معادن، براساس حجم تخمینی به سه دسته کوچک مقیاس، معادن متوسط مقیاس و بزرگ مقیاس تقسیم می‌شوند که در این بین، معادن بزرگ مقیاس اختیارشان در دست دولت است. معادن متوسط و کوچک به طرق مختلف به بهره‌برداران می‌رسد که با بررسی آمار منتشر شده در می‌یابیم که ۹۸ درصد حقوق دولتی معادن در استان خراسان رضوی از معادن بزرگ مقیاس حاصل شده و دو درصد مابقی سهم معادن کوچک و متوسط استان است. با این حال، بار اصلی اشتغال بخش معادن برگردن معادن کوچک و متوسط است. اگر این آمار را در کنار آمار تعطیلی معادن قرار دهیم، متوجه می‌شویم باتوجه به تکلیف قانون برنامه هفتم برای رشد، آمار اشتغال بخش معدن به صورت سالانه ۲۰ درصدی، راهی جز فعال کردن و بهره‌ور کردن معدنکاری در دسته معادن کوچک و متوسط ندارد. نکته مهم این است که آمار فوق بر پایه اطلاعات ثبت‌شده در پروانه‌ها و پایش استانی است؛ بنابراین نیاز به صحت‌سنجی و به‌روزرسانی داده‌ها با ایجاد پایگاه داده یکپارچه وجود دارد.

امیرعلی وطن‌دوست باجگیران، پژوهشگر معادن و صنایع وابسته، مدیر کارگروه معادن و صنایع اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری استان خراسان رضوی.

استان خراسان رضوی، دارای تنوع و ذخایر قابل ملاحظه‌ای از مواد معدنی است؛ با این وجود، رقم چشمگیر معادن غیرفعال در این استان، پیامدهای منفی فراوانی داشته است. از جمله این پیامدها؛ کاهش ظرفیت اشتغال‌زایی و سهم استان در زنجیره ارزش ملی است. این یادداشت، سعی دارد به توصیف کمی وضعیت، شناسایی علل ساختاری و نهادی، ارزیابی پیامدها و ارائه بسته‌ای از راهکارهای اولویت‌بندی‌شده، بپردازد. هرچند یکی از مشکلات اساسی حوزه پژوهشی و تحلیلی عرصه معادن، نبود شفافیت آمار و وضعیت‌های به روز معادن در استان است، لکن آمار به دست آمده نشان می‌دهد که قریب به ۵۰۰ معدن دارای پروانه در وضعیت غیرفعال قرار دارند که نزدیک به نیمی از تعداد کل معادن استان را تشکیل می‌دهد و سهم قابل توجهی از ذخایر ثبت‌شده و سرمایه‌گذاری اولیه استان را در بر می‌گیرد. علل اصلی این تعطیلی عبارت‌اند از: «مشکلات بازار و نبود صرفه اقتصادی یا دسترسی به شرکت‌های فرآوری، ضعف توان فنی و ماشین‌آلات، تعارضات نهادی-قانونی، بدهی‌های حقوق دولتی، مالیات و شفافیت ناکافی اطلاعات معدنی مخصوصاً در حوزه اکتشافی و پهنه‌های معدنی. بر اساس مبانی اقتصادمعدن و شواهد میدانی، مجموعه راهکارها در سه دسته کوتاه‌مدت (اصلاح آیین‌نامه‌ها و تسهیل دسترسی به سوخت/تسهیلات، ایجاد مراکز تعمیرات ماشین‌آلات)، میان‌مدت (تکمیل زنجیره فرآوری و ایجاد هاب‌های معدنی منطقه‌ای، حل موانع قانونی حوزه ماشین‌آلات) و بلندمدت (ایجاد پایگاه داده‌ی ملی-استانی شفاف، تقویت اکتشافات عمیق، هوشمندسازی معادن) پیشنهاد می‌شود. اجرای توأمان اقدامات نهادی، مالی و فنی با رویکرد منطقه‌ای می‌تواند منجر به بازگشت بخش قابل توجهی از معادن غیرفعال به مدار تولید شود و منافع اقتصادی-اجتماعی استان را افزایش دهد، البته در این بین ایجاد یا فراهم‌آوری حضور فعالانه شرکت‌های دانش‌بنیان در عرصه معادن و صنایع وابسته قطعاً می‌تواند تحولی شگرف در تمامی جوانب معدنکاری بگذارد.

مقدمه

معادن، به‌عنوان منابع طبیعی با قابلیت تولید ارزش افزوده و اشتغال‌زایی محلی، نقش مهمی در توسعه اقتصادی مناطق معدنی و کلان‌کشور دارند. در این بین، استان خراسان رضوی با تنوع گسترده‌ای از معادن سنگ‌آهن، سنگ‌های تزئینی، مصالح ساختمانی، سیلیس، زغال‌سنگ و سایر کانی‌ها از ظرفیت‌های مهم معدنی برخوردار است، اما همگام با این ظرفیت‌ها، شمار زیادی از معادن دارای پروانه در وضعیت غیرفعال قرار دارند که بهره‌وری منطقه‌ای و ملی را کاهش می‌دهد. اهمیت پرداختن به



موجب عدم قطعیت حقوقی برای بهره‌برداران شده است. این نوع عدم اطمینان نهادهی هزینه ریسک سرمایه‌گذاری را بالا برده و به خروج پروژه‌ها از مدار منجر می‌شود.

۴. مسائل مالی، حقوق دولتی، مالیات دریافت حقوق دولتی و عوارض به شیوه‌های کنونی، شکل‌گیری بدهی برای دارندگان پروانه و نیز وقوع رویدادهای پیش‌بینی نشده همچون سایه جنگ، قطعی مکرر برق و کمبود سوخت که بازار را مختل کردند، در کنار افزایش هزینه‌های سوخت و حامل‌های انرژی، از دیگر عوامل بازدارنده‌اند. گزارشات، به صراحت از انباشت مطالبات حقوق دولتی و اثر آن بر انگیزه بهره‌برداری یاد کرده است. تقسیط و بخشودگی یا تقسیط پرداخت حقوق دولتی و مالیات برای فعالیت معادن کوچک و محلی در عوض افزایش نظارت‌ها بر معادن بهره‌مند از این حمایت‌ها می‌تواند تا حدی شرایط را برای معادن فعال در استان، بهبود داده و باعث رونق معدنکاری شود.

۵. شفافیت اطلاعات و کمبود داده اکتشافی نبود پایگاه داده ملی-استانی شفاف و یکپارچه درباره سوابق اکتشاف، میزان واقعی ذخایر و وضعیت پروانه‌ها موجب شده تا تصمیم‌گیری‌ها بر پایه اطلاعات ناقص انجام شوند؛ این امر، هم سرمایه‌گذاران را دچار ریسک و هم نهادهای سیاستگذار را از طراحی اقدامات هدفمند بازمی‌دارد. مطابق تصریح قانون برنامه هفتم مبنی بر لزوم ایجاد «پایگاه جامع و شفاف اطلاعات معدنی و زمین‌شناسی» باید مورد توجه قرار گیرد هرچند که این تصریح در متن قانون برنامه ششم نیز به آن اشاره شده، اما وزارت صنعت، معدن و تجارت هیچ اقدامی نکرده است.

هر یک از این دسته‌ها دارای زیرشاخه‌ها و تعاملات علت‌و معلولی با یکدیگر است؛ به‌عنوان مثال ضعف در توان فنی می‌تواند هزینه تولید را بالا ببرد و در نتیجه معدن توان رقابت در بازار را از دست دهد؛ یا عدم شفافیت اطلاعات می‌تواند منجر به مزایده‌های نابه‌هنجار و ورود سرمایه‌گذاران فاقد صلاحیت شود. برای تصمیم‌گیری در این حوزه نیاز به تصمیم همه‌جانبه با کارشناسی است تا از هرگونه صدمه و تعارض منافع جلوگیری کند.

شناسایی و تحلیل علل اصلی غیرفعال شدن معادن

تحلیل کیفی گزارش و مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که علل غیرفعالی را می‌توان در چهار دسته‌ی کلی طبقه‌بندی کرد: ۱. عوامل بازار و زنجیره ارزش (کمبود یا نبود بازار باثبات و واحدهای فرآوری)

کمبود واحدهای فرآوری یا کنسانتره، کوچک بودن مقیاس تولید و عدم امکان تجمیع محصول برای ورود به بازارهای احتمالی از علل مهم هستند. بسیاری از معادن مصالح ساختمانی و سنگ‌های تزئینی، به علت نبود تقاضای باثبات یا مسیرهای ارتباطی مناسب با صنایع پایین‌دستی (مسکن، ساخت و ساز) غیرفعال شده‌اند. این مسئله نشان‌دهنده نیاز به سیاست‌های توسعه‌ی زنجیره ارزش منطقه‌ای و تشویق سرمایه‌گذاری در واحدهای فرآوری متوسط و کوچک است. راه‌های دیگر مانند تشکیل هاب و ترمینال‌های فروش این مواد در نقاط با تمرکز بالای این معادن به منظور تسهیل داد و ستد و حذف واسطه‌ها و همچنین تعریف مشوق‌های متنوع برای گسترش صادرات این، می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

۲. ضعف فنی، تجهیزاتی و توان مدیریتی بنگاه‌ها گزارش نشان می‌دهد که سطح توان فنی معدن‌کاران، بسیار متغیر بوده و در بسیاری از معادن کوچک، نبود ماشین‌آلات کارآمد، استهلاک بالا ماشین‌آلات، ضعف در مدیریت فنی و عدم دسترسی به پیمانکاران مطمئن، مانع بهره‌برداری اقتصادی شده است. به این معنا که پروژه‌هایی با مقیاس کوچک که جهت تجهیز، نیاز به سرمایه اولیه دارند، در مواجهه با هزینه‌های سرمایه و ریسک بازار، توجیه‌پذیری اقتصادی کمی دارند، مگر آنکه تسهیلات و بسته‌های حمایتی طراحی شود. در نظر داشته باشیم تداوم رکود در معدنکاری می‌تواند فرصت‌های اشتغالزایی و صنایع پایین دستی را دچار مشکلات متعددی سازد.

۳. مشکلات نهادی، حقوقی و تعارضات محلی فرآیندهای پیچیده اداری، تعارضات مالکیتی و محلی، معاملات وکالتی و عدم شفافیت در صدور مجوزها و مزایده‌ها از عوامل مهم کاهش انگیزه برای ادامه فعالیت هستند. افزون بر آن، مواردی از تعدد بخشنامه‌ها و تضاد مواد قانونی گزارش شده که

پیامدهای اقتصادی واجتماعی غیرفعال معادن

پیامدها در دو سطح استان و ملی قابل بررسی هستند.

الف. در سطح استان: کاهش فرصت‌های اشتغال محلی، تحکیم فقر منطقه‌ای در جوامع معدنی، کاهش درآمد‌های مالیاتی و حقوق دولتی قابل وصول، اتلاف سرمایه‌گذاری اولیه و افزایش هزینه‌های زیست‌محیطی (به واسطه‌ی رهاشدگی سایت‌ها) را شاهدیم.

ب. در سطح ملی: عدم بهره‌برداری از منابع، وابستگی به واردات برخی مواد و از دست رفتن فرصت ایجاد ارزش افزوده در زنجیره پایین دست (مانند صنعت فولاد، سیمان، کاشی و سرامیک) رخ می‌دهد که از منظر توسعه صنعتی کشور مضر است. همچنین مزیت‌های صادراتی، مورد لطمه جدی قرار می‌گیرد.

راهکارها و اولویت‌های سیاستی

با در نظر گرفتن محدودیت‌های نهادی و منابع، راهکارها باید اولویت‌بندی شوند. در ادامه، مجموعه عملیاتی و زمان‌بندی شده پیشنهاد می‌شود.

۱. اقدامات کوتاه‌مدت (۱۲ ماه) جهت تسهیل و احیای سریع

الف. اعمال تخفیف یا تقسیط مشروط حقوق دولتی برای معادن کوچک و غیرفعال؛ شرط احیا در بازه زمانی مشخص و ارائه برنامه فنی. این اقدام، می‌تواند انگیزه فوری ایجاد کند و از تبدیل بدهی به مانع جلوگیری کند.

ب. تدارک بسته تسهیلات مالی (نرخ ترجیحی و تضمین شده) برای تأمین ماشین‌آلات و تجهیزات برای واحدهای کوچک در قالب صندوق‌های استانی یا همکاری با بانک‌های توسعه‌ای. ج. راه‌اندازی تیم‌های فنی سیار و دفاتر فنی استانی برای ارائه مشاوره مهندسی و کمک به تهیه طرح‌های فنی-اقتصادی ساده برای واحدهای کوچک.

۲. اقدامات میان‌مدت (۳-۱ سال) به منظور بستن حلقه ارزش

الف. ایجاد هاب‌های فرآوری منطقه‌ای (مرکز کنسانتره، واحدهای فرآوری مصالح) به منظور تجمیع تولید معادن کوچک و کاهش هزینه حمل و ارتقای ارزش افزوده استانی. حمایت از این مراکز، از طریق مشارکت بخش خصوصی و تضمین خرید

اولیه توسط صنایع منطقه‌ای پیشنهاد می‌شود.

ب. ایجاد شرکت‌های دانش بنیان در عرصه فرآوری با نگاه به توسعه واحدهای فرآوری پرتابل برای به صرفه کردن معادن کوچک.

ج. برنامه بازآموزی و توانمندسازی فنی و مدیریتی برای مالکین و کارکنان معادن (با همکاری نظام مهندسی معدن). این اقدام، موجب افزایش بهره‌وری و کاهش ریسک‌های عملیاتی خواهد شد.

د. طراحی مکانیسم‌های حمایتی صادراتی برای مواد معدنی با مزیت منطقه‌ای تا بازارهای خارجی را هدف قرار دهند و نوسانات بازار داخلی را تعدیل کنند.

۳. اقدامات بلندمدت (۷-۳ سال) با هدف تحول نهادی و اطلاعاتی

الف. ایجاد پایگاه داده جامع استانی. ملی معدن، شامل سوابق اکتشاف، ذخایر، وضعیت پروانه، حجم معاملات، و آمار اشتغال و در دسترس عموم؛ این ابزار، پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و کاهش عدم قطعیت سرمایه‌گذاران است. ب. اصلاح قواعد اخذ حقوق دولتی و مالیات، به گونه‌ای که با مقیاس و ارزش افزوده هماهنگ باشد؛ به ویژه اعمال طبقه‌بندی متناسب برای معادن کوچک و متوسط تا انگیزه فعالیت حفظ شود.

ج. افزایش سرمایه‌گذاری در اکتشافات عمیق و داده‌محور تا معادن با پتانسیل بالاتر شناسایی شوند و برنامه‌ریزی بلندمدت برای صنایع پایین‌دستی فراهم آید.

چارچوب انتخاب و اولویت‌دهی پروژه‌های فعال‌سازی (پیشنهاد عملیاتی)

برای اختصاص منابع محدود، پیشنهاد می‌شود استان از یک چارچوب امتیازدهی استفاده کند که شاخص‌های زیر را وزن دهی کند: ۱- مقیاس ذخیره و نسبت ارزش افزوده بالقوه ۲- قابلیت اتصال به بازار و وجود صنایع پایین‌دستی، ۳- وضعیت حقوقی و پیچیدگی‌های مالکیتی (پیچیدگی کمتر با اولویت بالاتر) ۴-





افزوده و مقیاس و تقویت اکتشافات عمیق؛ این موارد ساختار بازار را بهبود می‌بخشد و فرصت‌های سرمایه‌گذاری مولدتر را خلق می‌کند.

محدودیت‌ها و پیشنهادات پژوهشی‌آتی

محدودیت اصلی این مطالعه اتکا به داده‌های ثبت‌شده و گزارش استانی است که نیاز به به‌روزرسانی و صحت‌سنجی میدانی دارد.

سخن پایانی

چالش غیرفعالی معادن خراسان رضوی، مشکل فنی صرف نیست؛ مجموعه‌ای از کاستی‌های بازار، نهادی، اطلاعاتی و مالی است که باید با رویکردی هم‌افزا و جامع پاسخ داده شوند. ابزارهای اقتصاد معدن، در کنار اقدامات نهادی هوشمند و سرمایه‌گذاری هدفمند در زنجیره ارزش، می‌توانند طی ۵-۳ سال اثر ملموسی در بازگرداندن بخش مهمی از این معادن به مدار تولید ایجاد کنند؛ اقدامی که هم به توسعه منطقه‌ای و هم به منافع ملی خواهد انجامید. در این بین، بایستی به تکلیف برنامه هفتم کشور توجه ویژه شود؛ به همین علت اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری استان خراسان رضوی، به تدوین برش استانی از برنامه هفتم کشور، اقدام کرد. این برش، حاصل جلسات متعدد با کارشناسان، خبرگان و نخبگان عرصه‌های مختلف متناسب با سرفصل‌های ۲۴ گانه در قالب میزهای تخصصی برای برگزاری نشست‌های مشورتی، مصاحبه‌های علمی و ساعت‌ها کار پژوهشی، متمرکز بر تدوین برش استانی برنامه هفتم، بوده است. میز تخصصی صنعت، معدن و رشد تولید نیز (فصل ۱۰) قانون برنامه هفتم) با دعوت به نشست، مصاحبه علمی و کار پژوهشی با حضور اساتید دانشگاهی، کارمندان و کارشناسان سازمان‌های دولتی نظیر سازمان صنعت، معدن و تجارت استان، حضور نمایندگان بخش خصوصی نظیر: اتاق بازرگانی، خانه صنعت و معدن استان، خانه معدن و تولیدکنندگان و صادرکنندگان نمونه استانی و کشوری اقدام به تدوین برش استانی از فصل ۱۰ قانون؛ نمود که این متن به مسئولین استانی، سازمان طرح و برنامه استان و نیز مرکز پژوهش‌های مجلس و ریاست محترم مجلس تقدیم شده که جزء اسناد قابل اتکا در عرصه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی قرار گرفته است.

اشتغال‌زایی فوری و اثر چندمنظوره اجتماعی ۵- نیاز سرمایه و زمان بازگشت سرمایه.

پروژه‌هایی که امتیاز بالاتر کسب می‌کنند، مشمول بسته‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت حمایتی شوند. این رویکرد مبتنی بر اصول اقتصاد مهندسی و تحلیل جریان نقد است و از تخصیص کارآمد منابع عمومی به پروژه‌های با بازده اجتماعی- اقتصادی کمتر، جلوگیری می‌کند.

نسبت استان و سیاست ملی؛ تعادل میان اولویت‌های منطقه‌ای و منافع کشور

رویکرد فعال‌سازی معادن باید با سیاست‌های ملی مدیریت منابع طبیعی، همخوان باشد؛ از جمله ارتقای ارزش افزوده داخلی، خودکفایی در موارد استراتژیک و رعایت معیارهای زیست‌محیطی. برای همسویی، پیشنهاد می‌شود استان و وزارت صنعت، معدن و تجارت، مکانیسم هماهنگی ایجاد کنند تا برنامه‌های استانی در چارچوب اهداف کلان ملی قرار گیرند و در عین حال، برای راهکارهای منطقه‌ای، انعطاف حفظ شود.

بیم آن می‌ورد با توجه به اعطای بخشی از اختیارات رئیس جمهور به استانداران، ناهماهنگی میان سیاست‌گذاری‌های معدنی رخ دهد. بهره‌گیری از مدل‌های مشارکت عمومی-خصوصی (PPP) برای هاب‌های فرآوری و ضمانت‌های صادراتی برای مواد با قابلیت صادرات، از سیاست‌های مکمل ملی-استانی خواهند بود.

نتیجه‌گیری و توصیه‌های اجرایی (خلاصه اولویت‌ها)

۱. احصا و به‌روزرسانی فوری اطلاعات معادن غیرفعال و ایجاد پایگاه داده شفاف؛ این اقدام، شرط لازم برای هر سیاست مؤثر است.

۲. در کوتاه‌مدت، تسهیل پرداخت حقوق دولتی و ارائه مشوق‌های مالی و فنی هدفمند، برای معادن کوچک دارای قابلیت فنی؛ این مداخلات می‌تواند بازگشت سریع به تولید را تسهیل کند.

۳. در میان‌مدت، توسعه هاب‌های فرآوری منطقه‌ای و توانمندسازی فنی، مدیریتی صاحبان پروانه؛ این اقدامات زنجیره ارزش را تقویت و ریسک بازار را کاهش می‌دهد.

۴. در بلندمدت، اصلاح نظام حقوق دولتی بر اساس ارزش

خلاصه سیاستی «ارتقای مدیریت بحران بیمارستانی با تمرکز بر شرایط جنگی در استان گلستان، چالش‌ها و راهکارها»

مقاله



دکتر علی مهاجر وطن

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری گلستان
مسئول ستاد بحران علوم پزشکی گلستان

در بحران‌ها، به ویژه در شرایط جنگی، نظام سلامت و به‌طور خاص بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، به عنوان خط مقدم پاسخ به مصدومان و آسیب‌دیدگان، نقش حیاتی و بی‌بدیلی را ایفا می‌کنند. این مراکز، نه تنها ملزم به ارائه خدمات اورژانسی و حیاتی هستند، بلکه بایستی پایداری و آرامش روانی جامعه را نیز حفظ کنند؛ چرا که تمامی سیستم‌های خدماتی بر کارآمدی نظام بهداشت و درمان تکیه دارند؛ از اینرو اداره مؤثر مراکز درمانی، نقش حیاتی در تداوم عملکرد سایر زیرساخت‌های اجتماعی ایفا می‌کند. در صورت نبود مدیریت مؤثر بحران، بیمارستان‌ها به سرعت با ازدحام، کمبود منابع، اختلال عملکرد و افزایش مرگ‌ومیر مواجه خواهند شد؛ بنابراین ایجاد آمادگی در نظام سلامت از طریق برنامه‌ریزی، آموزش، تجهیز و تمرین ضرورت راهبردی برای کاهش آسیب‌پذیری و حفظ کارآمدی پاسخ در بحران‌های پیچیده مانند جنگ است. با توجه به اینکه کشور ایران، جزء مناطق حادثه خیز بوده و همچنین وجود خطرات مختلف به خصوص تهدیدات نظامی، آمادگی نظام سلامت با محوریت مراکز درمانی، اهمیت دو چندان دارد. اگرچه عملکرد نظام سلامت کشور در جنگ ۱۲ روزه اخیر، بسیار درخشان، سریع و مؤثر بوده و توانسته نیازهای فوری درمانی و بهداشتی را با حداقل منابع به خوبی پاسخ دهد، اما این موفقیت، نباید ما را از واقعیت‌های بحران‌های شدیدتر و احتمالی در آینده غافل کند. در صورت وقوع جنگ‌های طولانی مدت یا درگیری‌های گسترده‌تر، زیرساخت‌ها، منابع انسانی و لجستیکی نظام سلامت، با فشار بیشتری مواجه خواهند شد؛ بنابراین ضروری است با نگاه راهبردی، از تجربیات این جنگ درس گرفته، چالش‌ها و نقاط ضعف شناسایی شده در مدیریت بحران را به صورت علمی و ساختارمند رفع کنیم و سازوکار مدیریت بحران سلامت را بیش از پیش نظام‌مند، هماهنگ و تاب‌آور سازیم. بر اساس مطالعات انجام شده، میزان آمادگی بیمارستان‌های ایران در مواجهه با حوادث و بلایا متوسط ارزیابی شده است و بسیاری از مراکز درمانی در ارائه پاسخ مؤثر به بحران‌ها با تأخیر و کاستی مواجه هستند. نتایج دور سوم اعتباربخشی بیمارستانی کشور (۱۳۹۶-۱۳۹۵) نشان داد که میانگین امتیاز مدیریت خطر حوادث و بلایا تنها ۴۸/۸ درصد بوده و بیش از ۷۵٪ از بیمارستان‌های استان‌های مرزی امتیازی کمتر از ۵۰٪ کسب کرده‌اند؛ این در حالی است که این مناطق، بیشترین احتمال درگیری با بحران‌ها را دارند. همچنین، باید در نظر گرفت که با توجه به موقعیت جغرافیایی و راهبردی استان گلستان، اهمیت آمادگی برای مدیریت بحران در حوزه سلامت، در این استان، دوچندان است. این استان، از یک سو در مجاورت پایتخت قرار دارد و به عنوان استان

معین برای مناطق درگیر در شرایط جنگی تعریف شده است؛ از سوی دیگر در صورت وقوع درگیری‌های نظامی، به‌طور بالقوه یکی از مقاصد اصلی انتقال آوارگان جنگ‌زده خواهد بود. چنین وضعیتی، به معنای فشار مضاعف بر شبکه بیمارستانی و مراکز درمانی استان است؛ فشارهایی که شامل نیاز به ظرفیت‌سازی فوری در تخت‌های بستری، تأمین خون و فرآورده‌های حیاتی و همچنین مدیریت موج جمعیت آوارگان در معرض بحران‌های بهداشتی درمانی، خواهد بود.

در نتیجه، با توجه به شرایط فعلی و افزایش تهدیدهای بالقوه، افزایش سطح آمادگی مراکز درمانی، ضرورت حیاتی است که بدون شناخت دقیق ضعف‌ها و آسیب‌شناسی ممکن نخواهد بود. در این راستا، بر اساس بررسی و تحلیل مطالعات معتبر، انجام مصاحبه‌های تخصصی با خبرگان حوزه مدیریت بحران در سلامت، همچنین مشاهدات و تجارب میدانی در جنگ اخیر و بحران‌های از سر گذشته مانند سیل آق قلا، اپیدمی کرونا و ... مجموعه‌ای از چالش‌های اساسی در زمینه آمادگی و پاسخ‌گویی نظام سلامت در بحران در جدول شماره (۱) احصا شده است.

جدول شماره ۱ - چالش‌های اساسی در مدیریت بحران بیمارستانی در سطح خط و مشی گذاری

کاهش نقش راهبردی ستاد بحران دانشگاه	به جای ایفای نقش محوری در سیاست‌گذاری، راهبری کلان، پایش و ارزیابی عملکرد نظام سلامت در بحران‌ها، ستاد بحران دانشگاه، به صورت نامتناسب درگیر اجرای میدانی و مداخلات عملیاتی شده و از وظایف بالادستی خود فاصله گرفته است. این مسئله، منجر به تضعیف اقتدار ساختاری، کاهش هماهنگی میان‌سازمانی و ناکارآمدی در مدیریت یکپارچه بحران شده است.
-------------------------------------	--



پراکندگی اسناد و نبود انسجام در برنامه‌ها انباشت دستورالعمل‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌های ملی و استانی بدون وجود فرآیندی یکپارچه برای تجمیع، طبقه‌بندی و اولویت‌بندی آن‌ها، منجر به سردرگمی مدیران میانی و مسئولان محیطی شده است. این وضعیت، توان اجرایی و تمرکز عملیاتی آنان را به شدت تضعیف کرده است.	عدم تعریف مدل علمی استاندارد برای اجرای برخی برنامه‌ها در بعضی از برنامه‌های ملی مدیریت بحران، نحوه اجرای دقیق و مدل‌های علمی استاندارد مشخص نشده‌اند. در نتیجه، در زمان پیاده‌سازی، ابهام در نقش‌ها، اتلاف منابع و ناهماهنگی در سطوح استانی و شهرستانی رخ می‌دهد.
نبود سازوکار نظام‌مند برای پایش، نظارت و ارزیابی برنامه‌ها عدم توجه جدی به چرخه ارزیابی ساختارمند شامل شاخص‌های عملکردی، فرآیندهای گزارش‌گیری، مکانیسم‌های بازخورد و پیگیری مستمر، منجر به کندی و عدم اجرایی شدن برنامه‌ها، عدم اصلاح خطاها و بی‌اثر شدن بسیاری از مداخلات در حوزه مدیریت بحران شده است.	نقص در تدوین پروتکل‌ها و دستورالعمل‌های بومی شده بسیاری از راهنماها و دستورالعمل‌های موجود، از سطح ملی به صورت کلی و غیرمتناسب با ویژگی‌های بومی استان‌ها تدوین شده‌اند. این امر، موجب عدم کارآمدی برنامه‌ها در میدان عمل و مقاومت محیطی در اجرای آن‌ها می‌شود.
ساختار عریض، سلسله‌مراتبی و بوروکراتیک مدیریت بحران، موجب کندی در تصمیم‌سازی، عدم چابکی در پاسخ و کاهش کارآمدی در مدیریت سناریوهای سریع و پیچیده مانند جنگ، زلزله یا حملات زیستی شده است.	
عدم توجه کافی مدیران صف و ستاد بخشی از ناکارآمدی در اجرای برنامه‌های مدیریت بحران ناشی از ناآگاهی یا درک سطحی مدیران میانی و مسئولان عملیاتی از اهداف، سازوکارها و الزامات برنامه‌های ابلاغی است. این مسئله، منجر به کاهش تعهد، اجرای صوری برنامه‌ها و عدم انطباق با اهداف کلان می‌شود.	تخصصی در سطوح عملیاتی نارسایی در آموزش‌های تخصصی حوزه مدیریت بحران، موجب شده بسیاری از مدیران و کارشناسان عملیاتی، توانایی لازم برای تحلیل موقعیت، تصمیم‌گیری سریع و اجرای صحیح دستورالعمل‌ها در شرایط بحرانی را نداشته باشند.
نسبت به پیشگیری و آمادگی غالب بودن نگرش پاسخ‌محور بودن این نگرش، سبب می‌شود تمرکز اصلی مدیران و سازمان‌ها بر اقدامات واکنشی پس از وقوع بحران باشد، در حالی که پیشگیری، کاهش خطر، آمادگی و تاب‌آوری سازمانی مؤلفه‌های اصلی و اولویت‌دار در رویکردهای نوین مدیریت بحران هستند. در نتیجه این رویکرد پاسخ‌محور، منابع، آموزش‌ها و زیرساخت‌ها کمتر برای ارتقاء آمادگی هزینه می‌شوند و سیستم در برابر بحران‌های شدید یا مکرر، آسیب‌پذیر باقی می‌ماند.	فقدان دانش کاربردی بومی‌سازی شده در مدیریت بحران متناسب با جنگ‌های نوین با توجه به تغییر الگوهای نبرد و ظهور جنگ‌های نوین فناورمحور، نوع تهدیدات مؤثر بر نظام سلامت نیز به شکل معناداری دستخوش تغییر شده است. یکی از چالش‌های محوری در آمادگی بیمارستان‌ها برای مدیریت بحران، نبود دانش کاربردی و انطباق‌یافته با واقعیت‌های جنگ‌های نوین است. بسیاری از الگوهای مدیریتی موجود بر اساس سناریوهای سنتی طراحی شده‌اند و فاقد کارآمدی لازم در شرایط خاص اقلیمی و تهدیدات نوین ایران هستند. این خلأ موجب کاهش اثربخشی پاسخ بیمارستانی در شرایط بحرانی و کاهش تاب‌آوری سامانه سلامت می‌شود.

با توجه به ماهیت برون بخشی حوزه سلامت، مدیریت بحران بیمارستانی نیز مستلزم هماهنگی مؤثر میان دستگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط است. در شرایط کنونی، هم‌افزایی و هم‌راستایی لازم میان مراکز درمانی تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی گلستان و سایر نهادهای کلیدی از جمله بهداری نیروهای مسلح، جمعیت هلال احمر، سازمان انتقال خون و دیگر ارکان پشتیبان به شکل مطلوب محقق نشده است؛ این کاستی منجر به تداخل وظایف، اتلاف منابع و کاهش کارآمدی پاسخ به بحران در شرایط جنگی می‌شود.

بسته‌سیاستی پیشنهادی

در راستای پاسخ به چالش‌های ساختاری و عملکردی شناسایی شده در حوزه مدیریت بحران نظام سلامت، راهکارهای ذیل مبتنی بر تجارب میدانی، بررسی اسناد بالادستی، و تحلیل محتوای مطالعات و مصاحبه‌های تخصصی، پیشنهاد می‌شود. تشکیل «اتاق فکر بحران» در اندیشگاه سلامت، به عنوان بازوی مشورتی چابک ستاد بحران دانشگاه علوم پزشکی گلستان، به منظور بهره‌گیری هدفمند از ظرفیت نخبگان، متخصصان و اندیشه‌ورزان حوزه سلامت و مدیریت بحران، پیشنهاد می‌شود اتاق فکری چابک، مستقل از ساختار بروکراتیک رسمی، ذیل اندیشگاه سلامت تشکیل شود. این نهاد مشورتی، می‌تواند با نگاهی آینده‌نگر و با رویکرد تصمیم سازی، به احصاء نظام مسائل و طراحی راهکارهای

سیاستی برای ارتقاء نظام آمادگی و پاسخ ستاد بحران دانشگاه کمک نماید، بدون آنکه درگیر پیچیدگی‌ها و محدودیت‌های روزمره ساختار اجرایی گردد.

تهیه «نقشه راه مدیریت بحران بیمارستانی» برای شبکه‌های بهداشت و درمان شهرستان‌ها، با توجه به پراکندگی و تعدد اسناد، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های ملی و استانی و نیز سردرگمی مدیران میانی و محیطی در اجرای آن‌ها، ضرورت دارد که ستاد بحران دانشگاه با استفاده از روش تحلیل محتوای سیستماتیک، اقدام به استخراج اهداف، وظایف و الزامات موجود در اسناد بالادستی نموده و آن‌ها را در قالب نقشه راه کلان برای هر شهرستان تدوین نماید. این اقدام، موجب انسجام راهبردی، ایجاد وحدت رویه و تسهیل پایش و پیگیری اجرای برنامه‌ها خواهد شد.

تدوین «چارچوب‌های اجرایی و مدل‌های

محاسباتی» برای پیاده‌سازی نقشه راه

به منظور رفع ابهام و افزایش اثربخشی اجرای نقشه راه در سطوح محیطی، ستاد بحران دانشگاه باید نسبت به طراحی چارچوب‌های عملیاتی و محاسباتی بومی سازی شده در حوزه‌های کلیدی اقدام نماید.

طراحی ابزارهای پایش و ارزیابی

در راستای تقویت نظام پایش، نظارت و ارزیابی عملکرد، تهیه چک‌لیست‌های استاندارد و ابزارهای گزارش‌گیری بر اساس مدل‌های ملی ارزیابی، سنجش‌های اعتباربخشی و دستورالعمل‌های مصوب، ضروری است. این ابزارها، بایستی با مشارکت واحدهای تخصصی ستاد بحران و با رویکرد ساده‌سازی و انطباق با شرایط بومی طراحی شوند تا قابلیت استفاده در سطوح مختلف شبکه بهداشت و درمان استان را داشته باشند.





تقویت این کارگروه، می‌تواند بستر لازم برای یکپارچه‌سازی فرماندهی و هماهنگی برون‌بخشی در مدیریت بحران بیمارستانی را فراهم سازد و از بروز تداخل وظایف، ائتلاف منابع و تأخیر در پاسخ به شرایط جنگی جلوگیری کند.

منابع

عباس‌آبادی عرب. م؛ خانکه. ح؛ مصدق راد. ع. مدیریت خطر حوادث و بلایا در بیمارستان‌های ایران: چالش‌ها و راهکارها. مجله طب نظامی ۱۴۰۱؛ ۲۴(۳): ۱۱۶۵-۱۱۵۰.

کولیوند. پ؛ مطلق. م؛ اشرفیان امیری ح؛ جلالی. س؛ یوسفی خوش سابقه. ه؛ نصراله پور شیروانی. س؛ نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات مدیریت بحران و بلایا در بیمارستان‌های دولتی ایران. تحقیقات نظام سلامت حکیم، ۱۳۹۹؛ ۲۳(۳): ۲۷۰-۲۸۱.

رحمانیان ف؛ عباسی ب؛ بلوردی ا؛ ملکی ف؛ حبیب‌زاده س ر؛ فروغیان م؛ عبیری س؛ اخوان ر؛ میزان آمادگی بیمارستان‌های ایران در برابر حوادث و بلایا: یک مرور سیستماتیک، مجله طب اورژانس ایران، ۱۴۰۰؛ ۸(۱): مقاله ۱۳.

کیانی. ج؛ عباسی. ف؛ کشمیری. س؛ ریسی. ع؛ رگبار. ز؛ ابراهیمی. ا؛ جلالوند. م. (۱۳۹۶)، بررسی نقاط ضعف و قوت عملکرد مدیریت بحران بیمارستان شهدای خلیج فارس در زلزله دشتی شهرستان بوشهر، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران سیدین س ح؛ حسن پور ا؛ حسن‌زاده ا؛ شیخی چمان م ر؛ بررسی میزان پاسخگویی اورژانسی بیمارستان‌های آموزشی تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ایران، در مقابل حوادث و بلایا، مجله پژوهش‌های سلامت‌محور، ۱۳۹۹؛ ۴(۲): ۹۵-۷۱.

اسماعیلیان م؛ صالح‌نیا م؛ حسن ش. بررسی ظرفیت پاسخ‌دهی بخش اورژانس در مواجهه با بحران؛ یک گزارش کوتاه، مجله طب اورژانس ایران، ۱۳۹۳؛ ۳(۴): ۵۱۴-۵۱۱.

افتخار. ع؛ ضرورت تغییر سیاست‌گذاری در برگزاری اتربخش کمیته‌های مدیریت خطر حوادث و بلایای بیمارستانی مبتنی بر استانداردهای اعتباربخشی، مجله طب نظامی، ۱۴۰۴؛ ۲۷(۱): ۲۱۹-۲۱۸.

راهنمای ملی مدیریت خطر حوادث و بلایای بیمارستانی. چارچوب ملی پاسخ به حوادث و بلایا در نظام سلامت (NRF) برنامه ملی آمادگی و پاسخ نظام سلامت در حوادث و سوانح. ابزارهای ملی ارزیابی سلامت در حوادث و بلایا-ویرایش دوم. دستور العمل اجرایی پدافند غیر عامل استان ها مصوب ۱۴۰۰، ۲۰ ش.

ایجاد «اتاق وضعیت» در ستاد بحران دانشگاه علوم پزشکی گلستان. به‌عنوان راهبردی کلیدی، برای ایجاد سیستم یکپارچه پایش و کنترل پروژه‌های حوزه مدیریت بحران، تأسیس «اتاق وضعیت» پیشنهاد می‌شود. این ساختار، به‌عنوان مرکز تحلیلی و داده‌محور، وظیفه پایش لحظه‌ای شاخص‌ها، پیشرفت برنامه‌ها، تحلیل وضعیت آمادگی مراکز درمانی و شبکه‌های بهداشتی و ارائه بازخورد تصمیم‌سازی به ستاد بحران را برعهده خواهد داشت. همچنین با استفاده از چک‌لیست‌های طراحی‌شده، نقش مهمی در تحقق چرخه بهبود مستمر و ارتقاء اثربخشی نظام مدیریت بحران ایفا می‌کند.

تقویت نظام پژوهش مسئله‌محور برای تولید شواهد کاربردی در حوزه مدیریت بحران سلامت، با تمرکز ویژه بر جنگ‌های نوین. توسعه سیاست‌ها و ساختارهای تاب‌آور در برابر جنگ‌های نوین بدون پشتوانه علمی و پژوهشی امکان‌پذیر نیست، اگر پژوهش‌های مسئله‌محور، میدانی و کاربردی متناسب با تهدیدات جدید توسعه نیابند، مدیریت بحران سلامت در آینده با ریسک بالای ناکارآمدی و غافلگیری مواجه خواهد شد. در نتیجه، لازم است، نظام پژوهش برای تولید شواهد در موضوعاتی مانند بررسی الگوی مصدومیت در جنگ‌های نوین، مدلسازی پیش‌بینی تلفات، مدل سازی ظرفیت سنجی سطوح درمانی و غیره از طریق ایجاد بانک اولویت‌های پژوهشی، هدایت منابع پژوهشی (مانند گرنت و پایان نامه ...) و ایجاد هسته پژوهشی توسط پژوهشگران و اساتید، تقویت شود.

بهره‌گیری از ظرفیت گروه‌های تخصصی مردمی و غیر دولتی. یکی از راهبردهای مؤثر در ارتقای کارایی و تسریع فرآیندهای اجرایی مدیریت بحران سلامت، استفاده هدفمند از ظرفیت گروه‌های تخصصی غیردولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و نیروهای داوطلب آموزش دیده است. واگذاری بخشی از امور اجرایی قابل تفویض، مانند تکمیل چک‌لیست‌های ارزیابی و پایش میدانی، به این گروه‌ها، موجب تمرکز ستادهای بحران بر نقش سیاست‌گذاری، راهبری و نظارت می‌شود. این مدل، ضمن افزایش سرعت و دقت اقدامات، بهره‌وری منابع انسانی را بهبود بخشیده و تاب‌آوری سامانه سلامت را در برابر بحران‌ها ارتقاء می‌دهد. از گروه‌های تخصصی مردمی، می‌توان در سطوح برنامه ریزی، اجرا و نظارت استفاده نمود.

فعال سازی کارگروه زیستی شورای پدافند غیر عامل استان گلستان و متناظر شهرستان‌ها

شورای پدافند غیرعامل استان، به‌عنوان عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری و راهبری در حوزه مدیریت تهدیدات و بحران‌ها، در هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف، نقش محوری ایفا می‌کند. در ساختار این شورا، کارگروه زیستی با ترکیبی از دانشگاه علوم پزشکی (به‌عنوان ریاست کارگروه)، بهداری نیروهای مسلح، سازمان انتقال خون، هلال احمر، دامپزشکی و سایر نهادهای مرتبط تشکیل می‌شود و مأموریت آن ایجاد سازوکار مشترک برای تبادل سریع اطلاعات، تقسیم کار تخصصی، هم‌افزایی منابع و پشتیبانی و نیز تسریع هماهنگی‌های متقابل است. فعال سازی و

پهنه‌بندی خطر زمین لغزش در استان مازندران: چالش‌ها، روش‌ها و راهکارها



دکتر رحمانی

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری مازندران،
استاد دانشگاه مازندران



استان مازندران، به دلیل شرایط خاص توپوگرافی، زمین‌شناسی، اقلیمی و انسانی، یکی از مناطق بسیار مستعد وقوع زمین لغزش در ایران و حتی خاورمیانه محسوب می‌شود. این پدیده طبیعی، هر ساله خسارات مالی و جانی قابل توجهی به همراه دارد و زیرساخت‌های حیاتی منطقه را تهدید می‌کند. پهنه‌بندی خطر زمین لغزش به عنوان یک ابزار علمی و مدیریتی ضروری، با هدف شناسایی مناطق پرخطر و با خطر کمتر، به برنامه‌ریزان و مدیران کمک می‌کند تا با اتخاذ راهکارهای مناسب، از بروز فجایع انسانی جلوگیری کرده و خسارات اقتصادی را به حداقل برسانند. این گزارش، به بررسی عوامل مؤثر در وقوع زمین لغزش در مازندران، روش‌های متداول پهنه‌بندی، نقشه‌های موجود، چالش‌های پیش‌رو و راهکارهای کاهش خطر می‌پردازد. لغزش زمین به عنوان یکی از مخرب‌ترین بلایای طبیعی، به حرکت رو به پایین و بیرون زدن توده‌های خاک و سنگ بر روی شیب‌ها اطلاق می‌شود. استان مازندران، با دارا بودن رشته کوه‌های البرز در جنوب و شیب‌های تند منتهی به دریای خزر، شرایط ایده‌آلی برای وقوع این پدیده را فراهم کرده است. ترکیب این شیب‌های تند با بارندگی‌های شدید و فراوان، لیتولوژی حساس (مانند سازنده‌های شمشک و ساری) و فعالیت‌های انسانی بی‌رویه (نظیر جاده‌سازی، جنگل‌تراشی و ساخت‌وساز غیراصولی) این استان را به کانونی بحرانی برای زمین لغزش تبدیل کرده است. لغزش زمین مستقیماً جان ساکنین مناطق کوهپایه‌ای و روستاهای واقع بر دامنه‌ها را تهدید می‌کند. جاده‌های بین‌شهری و روستایی (به ویژه محورهای هراز، کندوان و فیروزکوه) خطوط انتقال برق و گاز، شبکه‌های آبرسانی و ساختمان‌ها در معرض خطر جدی هستند. لغزش زمین سبب فرسایش شدید خاک، تخریب جنگل‌ها و مراتع و آلودگی منابع آبی می‌شود. عدم توجه به خطر زمین لغزش، برنامه‌های توسعه عمرانی و اقتصادی استان را با مشکل مواجه خواهد کرد.

عوامل مؤثر در وقوع لغزش زمین در مازندران

عوامل مختلفی در وقوع لغزش زمین در این استان نقش دارند که به دو دسته اصلی طبیعی و انسانی تقسیم می‌شوند.

الف) عوامل طبیعی

۱. زمین‌شناسی و لیتولوژی: وجود سازنده‌های حساس به هوازدگی و ناپایدار مانند مارن‌ها، شیل‌ها، ماسه‌سنگ‌های سست و سازنده‌های رسی-ماسه‌ای (مانند سازند شمشک) که نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

۲. شیب توپوگرافی: هرچه درجه شیب دامنه‌ها بیشتر باشد، پتانسیل ناپایداری افزایش می‌یابد. مناطق شمالی البرز دارای شیب‌های بسیار تند هستند.

۳. بارندگی: مازندران دارای بارش‌های شدید به ویژه در

پایداری شیب‌ها را افزایش می‌دهند. بنابراین، مناطقی که پوشش جنگلی خود را از دست داده‌اند، بسیار آسیب‌پذیرتر هستند.

ب) عوامل انسانی

۱. برش و خاکبرداری در پای دامنه‌ها: برای احداث جاده‌ها و سازه‌ها، که باعث از بین رفتن تکیه‌گاه طبیعی شیب می‌شود.

۲. بارگذاری روی دامنه‌ها: ساخت‌وسازهای مسکونی و تجاری در اراضی شیب‌دار.

۳. تغییر مسیر آب‌های سطحی: اجرای نادرست سیستم‌های زهکشی و ورود غیرمجاز آب به دامنه‌ها.

۴. جنگل‌زدایی و تغییر کاربری اراضی: تبدیل جنگل‌ها و مراتع به زمین‌های کشاورزی دیم و باغات.

روش‌های پهنه‌بندی خطر لغزش زمین پهنه‌بندی خطر، معمولاً با تلفیق لایه‌های اطلاعاتی مختلف، در یک سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) انجام می‌شود. مهم‌ترین روش‌ها عبارتند از:

۱. روش‌های کیفی (ارزش‌گذاری): در این روش‌ها، به هر عامل مؤثر (شیب، lithology، بارش و ...) بر اساس تجربه، امتیاز داده می‌شود.

روش دلفی: استفاده از نظرات گروهی از متخصصان.

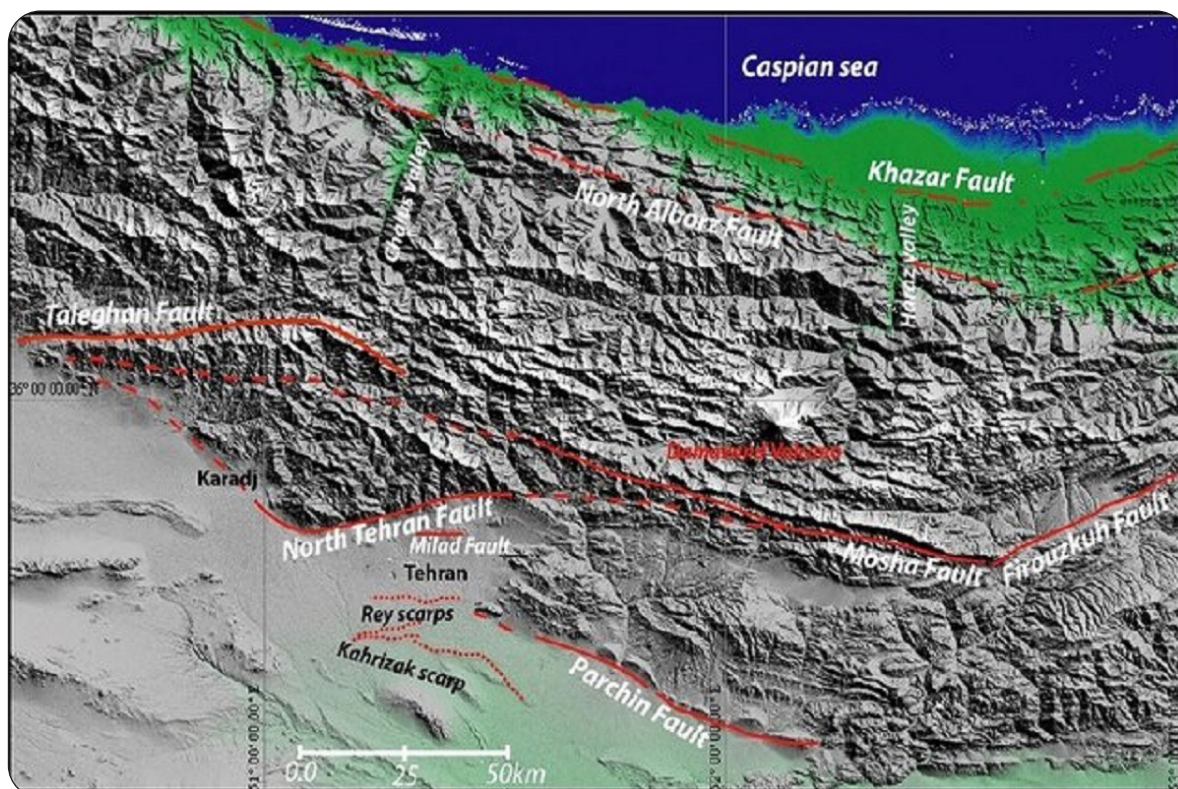
روش (AHP فرآیند تحلیل سلسله مراتبی): یک روش powerful برای وزن‌دهی به معیارها بر اساس مقایسه زوجی آن‌ها. این روش، به دلیل در نظرگیری قضاوت‌های انسانی و ناسازگاری‌ها، بسیار پرکاربرد است.

ح. روش‌های کمی (آماري-تعیین‌گرا): این روش‌ها، بر پایه تحلیل آماری رابطه بین زمین لغزش‌های گذشته و عوامل مؤثر استوار هستند.

روش ارزش اطلاعات (IO) : احتمال وقوع زمین لغزش را در کلاس‌های مختلف هر عامل محاسبه می‌کند.

روش رگرسیون لجستیک: یکی از پرکاربردترین روش‌های کمی که احتمال وقوع یا عدم وقوع زمین لغزش را به عنوان تابعی از متغیرهای مستقل، مدل می‌کند.

روش‌های ماشین لرنینگ: (Machine Learning) الگوریتم‌های پیشرفته‌ای مانند Random Forest، Support Vector Machine (SVM) و شبکه‌های عصبی مصنوعی که با دقت بسیار بالایی، قادر به پیش‌بینی مناطق مستعد هستند.



هراز، بسیار مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج اغلب مطالعات نشان می‌دهد، مناطق میانی و بالادست حوضه، به ویژه در سازندهای حساس و اطراف جاده‌ها، در کلاس خطر بسیار بالا، قرار دارند.

نقشه پهنه‌بندی سازمان زمین‌شناسی کشور: این سازمان نقشه‌ای در مقیاس ۱:۲۵۰,۰۰۰ برای کل کشور تهیه کرده که مناطق مازندران را به طور کلی در رده‌های با خطر بالا و بسیار بالا نشان می‌دهد.

مطالعات شهرستانی: برای شهرستان‌هایی مانند نور، آمل، ساری، نکا و بهشتی مطالعات خاصی انجام شده که نشان می‌دهد بخش‌های وسیعی از اراضی این شهرستان‌ها، به ویژه در دامنه‌های جنگلی و مناطق کوهپایه‌ای، مستعد زمین‌لغزش هستند.

خروجی این مطالعات، معمولاً نقشه‌هایی با ۴ یا ۵ کلاس خطر هستند: خطر بسیار کم، خطر کم، خطر متوسط، خطر بالا، خطر بسیار بالا.



خ. روش‌های تعیین‌گرا (فیزیکی): این روش‌ها، بر پایه محاسبه عامل اطمینان (Factor of Safety) با استفاده از پارامترهای مکانیک خاک و سنگ استوار هستند (مانند روش‌های Infinite Slope یا Janbu). این روش‌ها نیازمند داده‌های بسیار دقیق و جزئی هستند و معمولاً در مقیاس محلی (مثلاً برای شیب خاص) استفاده می‌شوند.

داده‌های مورد نیاز برای پهنه‌بندی برای اجرای هرکدام از روش‌های فوق، جمع‌آوری لایه‌های اطلاعاتی زیر ضروری است.

۱. نقشه پراکنش لغزش‌های زمین در گذشته: مهم‌ترین داده برای کالیبره و اعتبارسنجی مدل.

۲. نقشه شیب (Slop، جهت شیب Aspect) و انحنای شیب (Curvature) از مدل رقومی ارتفاع (DEM) استخراج می‌شوند.

۳. نقشه زمین‌شناسی و لیتولوژی: برای شناسایی سازندهای حساس.

۴. نقشه گسل‌ها و فاصله از گسل.

۵. نقشه بارندگی سالانه و شدت بارش.

۶. نقشه پوشش گیاهی و کاربری اراضی.

۷. نقشه شبکه زهکشی و فاصله از آبراهه‌ها.

۸. نقشه راه‌ها و فاصله از جاده.

مطالعات موردی و نقشه‌های پهنه‌بندی موجود برای مازندران

تاکنون مطالعات متعددی در مقیاس‌های مختلف (استانی، شهرستانی و حوضه‌آبریز) برای مازندران انجام شده است. به عنوان نمونه: مطالعه حوضه آبریز هراز: این حوضه، به دلیل تراکم بالای لغزش زمین و اهمیت محور مواصلاتی



چالش‌های پهنه‌بندی خطر در مازندران

تعداد سازی شیب‌ها: برداشت خاک از قسمت‌های فوقانی و یا اضافه کردن مصالح در قسمت‌های پایینی. بهسازی و مقاوم‌سازی جاده‌ها.

نتیجه‌گیری

پهنه‌بندی خطر لغزش زمین در استان مازندران، نه یک انتخاب، که ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای حرکت به سمت توسعه پایدار و ایمن است. اگرچه، مطالعات ارزشمندی در این زمینه انجام شده، اما خروجی این مطالعات، بایستی از قالب علمی خارج شده و به برنامه‌ریزی کلان استان، طرح‌های تفصیلی شهرها، روستاها و پروژه‌های عمرانی ضمیمه شود. رویکرد آینده، باید ترکیبی از تکنیک‌های پیشرفته سنجش از دور، هوش مصنوعی و پایش دائمی برای ایجاد سیستم هشدار سریع و هوشمند باشد. سرمایه‌گذاری در زمینه کاهش خطر زمین‌لغزش، در واقع سرمایه‌گذاری برای حفظ جان انسان‌ها، صیانت سرمایه‌های ملی و تضمین آینده اقتصادی استان مازندران است.

فهرست منابع

سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور. (۱۳۹۰) نقشه پهنه‌بندی خطر زمین‌لغزش ایران. حاجی‌رضائی، ع؛ مختاری، د. (۱۳۹۵) پهنه‌بندی خطر زمین‌لغزش با استفاده از روش AHP و FUZZY در حوضه هزار. پژوهش‌های ژئومورفولوژی کمی، ۵(۲)، ۱-۲۰. شفیعی، س؛ قنبری، ا. (۱۳۹۸) ارزیابی روش‌های مختلف ماشین لرنینگ در پیش‌بینی خطر زمین‌لغزش (مطالعه موردی: شهرستان نور). سنجش از دور و GIS ایران، ۱۱(۴)، ۸۹-۱۰۷. Guzzetti, F., Carrara, A., Cardinali, M., & Reichenbach, P. (۱۹۹۹) Landslide hazard evaluation: a review of current techniques and their application in a multi-scale study, Central Italy. Geomorphology, ۳۱(۱-۴)، ۱۸۱-۲۱۶. Pourghasemi, H. R., & Rossi, M. (۲۰۱۷) Landslide susceptibility modeling in a landslide prone area in Mazandaran Province, north of Iran: a comparison between GLM, GAM, MARS, and M-AHP methods. Theoretical and Applied Climatology, ۱۳۳(۱-۲)، ۶۹-۷۳.

مازندران در این حوزه با چالش‌های مختلفی مواجه است. از جمله؛

۱. کمبود داده‌های دقیق و به‌روز: عدم دسترسی به داده‌های دقیق ژئوتکنیک (چسبندگی، اصطکاک داخلی) و هیدروژئولوژیک در مقیاس منطقه‌ای.
۲. ناپیوستگی داده‌ها: داده‌های عوامل مختلف از سازمان‌های مختلف با دقت و کیفیت متفاوت جمع‌آوری می‌شوند که تلفیق آن‌ها گاهی چالش‌برانگیز است.
۳. پویایی عوامل انسانی: فعالیت‌های انسانی به سرعت landscape را تغییر می‌دهند و به روزرسانی نقشه‌ها نیازمند پایش مستمر است.
۴. اثرات تغییر اقلیم: تغییر در الگوهای بارش (شدت و مدت) می‌تواند مدل‌های مبتنی بر داده‌های گذشته را با عدم قطعیت مواجه کند.
۵. تبدیل نقشه‌های علمی به دستورالعمل‌های اجرایی: حتی با وجود نقشه‌های دقیق، ضعف در قوانین نظارتی و اجرایی منجر به ساخت‌وساز در مناطق پرخطر می‌شود.

راهکارهای کاهش خطر و مدیریت بحران

- نقشه پهنه‌بندی تنها یک ابزار تشخیصی است و درمان، نیازمند اجرای راهکارهای زیر است.
۱. راهکارهای غیرسازه‌ای (مدیریتی)
 - تدوین ضوابط و مقررات سختگیرانه ساخت‌وساز: ممنوعیت احداث سازه در zones با خطر بسیار بالا و اعمال تمهیدات خاص مهندسی در zones با خطر متوسط.
 - آموزش و آگاه‌سازی جامعه محلی: ساکنان مناطق پرخطر باید با signs هشداردهنده زمین‌لغزش آشنا شوند.
 - پایش مستمر مناطق پرخطر: استفاده از تکنیک‌های InSAR و GPS برای حرکت‌های تدریجی شیب‌ها.
 - جنگل‌کاری و احیای مراتع در دامنه‌های حساس.
 ۲. راهکارهای سازه‌ای (مهندسی)
 - اجرای سیستم‌های زهکشی صحیح: برای کنترل و هدایت آب‌های سطحی و زیرزمینی.
 - ایمنی سازی شیب‌ها: استفاده از دیوارهای حائل، میخ‌کوبی (Nailing) و توری سنگ.

تحلیل تخصصی محیط زیست و زیرساخت‌های استان مازندران: چالش‌ها و راهکارهای یکپارچه



دکتر مرتضی علویان

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری مازندران

و کود و همچنین آلودگی ناشی از فعالیت‌های اکتشاف و استخراج نفت، کیفیت آب و سلامت آبزیان را به شدت تهدید می‌کند. پدیده تهاجم آب شور، به دلیل کاهش تراز آب دریای خزر نیز، تهدید هیدروژئولوژیک برای آبخوان‌های ساحلی محسوب می‌شود. اراضی زراعی و شالیزارها: کشت برنج به روش سنتی که متداول است، مصرف آب بسیار بالا و استفاده از کود و سموم شیمیایی را به همراه دارد که منجر به آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی می‌شود.



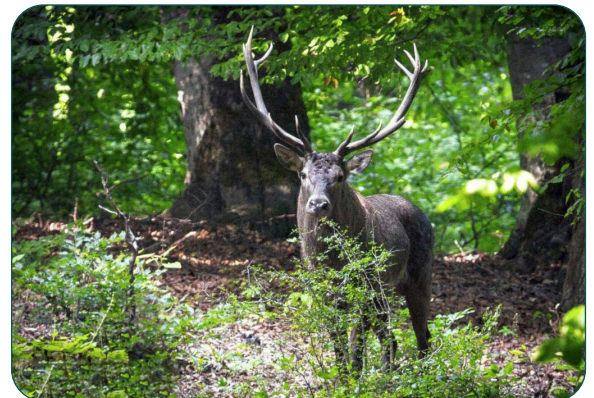
۲. چالش‌های کلیدی زیست‌محیطی از دیدگاه فنی

تغییر کاربری اراضی: (Land Use Change) تبدیل اراضی جنگلی و مرتعی به ویلاها، زمین‌های کشاورزی و پروژه‌های عمرانی بدون ارزیابی زیست‌محیطی مناسب، سبب تشدید فرسایش خاک، افزایش خطر سیلاب و تخریب زیستگاه‌ها شده است.

مدیریت پسماند: سیستم‌های جمع‌آوری و دفع پسماند، در بسیاری از شهرهای مازندران غیربهداشتی و غیراصولی است. (دفن در حاشیه جنگل یا سواحل) شیرابه این دفن‌گاه‌ها (Leachate) به طور مستقیم آب‌های زیرزمینی و رودخانه‌ها را آلوده می‌کند. مدیریت پسماندهای ویژه (مانند پسماندهای پزشکی و الکترونیک) نیز با چالش مواجه است. آلودگی آب: همانطور که اشاره شد، منبع اصلی آلودگی، فاضلاب‌های تصفیه‌نشده شهری و صنعتی و رواناب‌های کشاورزی است. بسیاری از شهرها و روستاها فاقد شبکه کامل جمع‌آوری و تصفیه‌خانه فاضلاب هستند.



استان مازندران، به عنوان یکی از پرتراکم‌ترین و در عین حال حساس‌ترین اکوسیستم‌های ایران، در میان رشته‌کوه‌های البرز و دریای خزر واقع شده است. این موقعیت منحصر به فرد، موهبت‌های طبیعی بی‌نظیری (از جنگل‌های هیرکانی تا تالاب‌های بین‌المللی) را برای آن به ارمغان آورده، اما آن را در معرض تهدیدات ناشی از توسعه ناپایدار و فشار بر زیرساخت‌ها قرار داده است. تحلیل فنی رابطه متقابل بین محیط زیست و زیرساخت‌ها در این استان، نه تنها برای حفظ سرمایه‌های ملی، بلکه برای تضمین توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی آن ضروری است. این گزارش به بررسی این رابطه پیچیده می‌پردازد.



وضعیت موجود و چالش‌های فنی محیط زیست مازندران

۱. اکوسیستم‌های کلیدی و حساس جنگل‌های هیرکانی (میراث جهانی یونسکو): این جنگل‌ها، با تنوع زیستی بسیار بالا، نقش اساسی در تعدیل آب و هوا، حفاظت از خاک، ذخیره‌گاه کربن و تغذیه آبخوان‌ها دارند. از نظر فنی، شاخص‌های سلامت این جنگل‌ها (تراکم تاج پوشش، تنوع گونه‌ای، قطر درختان) در برخی مناطق به دلیل بهره‌برداری غیراصولی، تغییر کاربری و حضور گردشگران بی‌ضابطه در حال کاهش است.

تالاب‌های بین‌المللی (مانند فریدونکنار، میانکاله، لپوی زاغمرز): این تالاب‌ها به عنوان تصفیه‌خانه‌های طبیعی، کنترل‌کننده سیلاب و زیستگاه پرندگان مهاجر عمل می‌کنند. چالش اصلی آن‌ها کم‌آبی و خشکسالی هیدرولوژیک ناشی از کاهش ورودی آب رودخانه‌ها (به دلیل سدسازی و برداشت بی‌رویه)، ورود پساب‌های کشاورزی و خانگی، غنی‌سازی (eutrophication) و همچنین کاهش ارتباط هیدرولیک با دریا است.

دریای خزر: به عنوان یک اکوسیستم بسته، بسیار آسیب‌پذیر است. آلودگی ناشی از فاضلاب‌های شهری و صنعتی تصفیه‌نشده، رواناب‌های کشاورزی حاوی سموم



فرسایش خاک: تخریب پوشش گیاهی و شیوه‌های نادرست کشاورزی در اراضی شیب‌دار، میزان فرسایش خاک را به شدت افزایش داده که منجر به پر شدن مخازن سدها، کاهش حاصلخیزی خاک و کدورت آب رودخانه‌ها می‌شود.

تحلیل زیرساخت‌های کلیدی مازندران و تعامل آن با محیط زیست

۱. زیرساخت‌های حمل و نقل

الف. جاده‌ها و آزادراه‌ها: شبکه ارتباطی موجود (به ویژه محورهای هراز و فیروزکوه) پاسخگوی حجم ترافیک، به ویژه در فصل گردشگری نیست. چالش فنی اصلی، تعامل این زیرساخت با محیط زیست است.

ب. تخریب و تکه‌تکه شدن زیستگاه‌ها (Habitat Fragmentation): احداث جاده‌ها، گذرگاه‌های طبیعی جانوران را مسدود کرده و جمعیت‌های حیات وحش را منزوی می‌کند.

ج. افزایش آلودگی صوتی و هوا: ترافیک سنگین، آلاینده‌های هوا (ذرات معلق، NOx) و آلودگی صوتی تولید می‌کند که بر اکوسیستم‌های اطراف تاثیر منفی می‌گذارد.

د. افزایش خطر رانش زمین: احداث جاده در دامنه‌های ناپایدار، بدون مطالعات ژئوتکنیک و پایدارسازی مناسب، خطر رانش زمین را افزایش می‌دهد.

ز. خطوط ریلی: توسعه ناکافی است. احداث خطوط جدید ریلی، نیازمند مطالعات دقیق زیست‌محیطی برای جلوگیری از تشدید چالش‌های فوق است.

۲. زیرساخت‌های آب و فاضلاب

تأمین آب: منبع اصلی تأمین آب شرب و کشاورزی، آب‌های سطحی (رودخانه‌ها) و آب‌های زیرزمینی (چاه‌ها) است.

چالش‌های فنی

الف. برداشت بی‌رویه از آبخوان‌ها: این امر، منجر به کاهش سطح ایستابی (خشک شدن قنات‌ها و چاه‌ها) و فرونشست زمین (Subsidence) در دشت‌های ساحلی

شده که بحران غیرقابل بازگشتی است. ب. کمبود سامانه‌های آبیاری تحت فشار: هدررفت آب در بخش کشاورزی، به دلیل استفاده از روش‌های غرقابی بسیار بالا است.

ج. دفع فاضلاب: این موضوع، بزرگترین نقطه ضعف زیرساختی مازندران است. عدم وجود تصفیه خانه‌های فاضلاب به تعداد و ظرفیت کافی، اصلی‌ترین منبع آلودگی مستقیم رودخانه‌ها و دریای خزر است. حتی در مناطقی که تصفیه‌خانه وجود دارد، گاهی به دلیل مشکلات فنی یا کمبود بودجه، بازدهی مطلوب را ندارند.

۳. زیرساخت‌های انرژی

الف. شبکه برق: توسعه خطوط انتقال نیرو در مناطق جنگلی نیازمند حریم‌برداری و قطع درختان است که باید با کمترین آسیب زیست‌محیطی انجام شود.

ب. انرژی‌های تجدیدپذیر: پتانسیل بسیار بالایی برای توسعه انرژی خورشیدی (در اراضی غیرزراعی) و انرژی زیست‌توده (Biomass) از ضایعات کشاورزی (کاه و کلش برنج) در مازندران وجود دارد که متأسفانه کمتر مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. توسعه این بخش، می‌تواند هم به استقلال انرژی و هم به کاهش آلودگی کمک کند.

۴. زیرساخت‌های گردشگری

توسعه زیرساخت‌های اقامتی، پذیرایی و تفریحی در مازندران، اغلب بدون برنامه‌ریزی کلان و ارزیابی ظرفیت برد (Carrying Capacity) مناطق انجام شده است. این امر، منجر به افزایش تولید پسماند، فشار بر منابع آب محلی و تخریب مناظر طبیعی شده است.

تحلیل یکپارچه و ارائه راهکارهای فنی و مدیریتی

رویکرد یکپارچه نگری (Integrated Approach) تنها راه حل خروج از بن‌بست کنونی است. نمی‌توان پروژه‌های زیرساختی را بدون در نظر گرفتن آثار زیست‌محیطی آن و بالعکس، برنامه‌های حفاظتی را بدون توجه به نیازهای توسعه‌ای اجرا کرد.





راهکارهای مدیریتی و حکمرانی

۱. تقویت قوانین و نظارت: تقویت قوانین حفاظتی و اعطای اختیارات بیشتر به سازمان‌های نظارتی مانند محیط زیست.
۲. آموزش و مشارکت مردمی: آموزش جوامع محلی درباره اهمیت محیط زیست و جذب مشارکت آنان در حفاظت و بهره‌برداری پایدار.
۳. توسعه اقتصاد سبز: سرمایه‌گذاری و incentivizing در بخش‌هایی مانند اکوتوریسم مسئولیت‌پذیر، کشاورزی ارگانیک و صنایع تبدیلی based on biomass.
۴. تدوین برنامه آمایش سرزمین: تعیین عالمانه کاربری اراضی بر اساس توان اکولوژیک هر منطقه؛ به عنوان مثال، تعیین محدوده‌هایی که باید کاملاً تحت حفاظت باشند و مناطقی که قابلیت توسعه زیرساختی را دارند.

استان مازندران، در یک تقاطع حساس قرار دارد. ادامه روند کنونی توسعه ناپایدار و بی‌توجه به محیط زیست، منجر به نابودی سرمایه‌های طبیعی بی‌بدیل این استان و تهدید جدی معیشت و سلامت ساکنان آن خواهد شد. راه نجات، در اتخاذ یک پارادایم، توسعه پایدار است که در آن زیرساخت‌ها نه در تقابل، بلکه در هماهنگی کامل با محیط زیست طراحی، اجرا و بهره‌برداری شوند. این امر مستلزم عزم ملی، مدیریت هوشمندانه، به کارگیری فناوری‌های روز و مشارکت همه ذینفعان است. هزینه‌های سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های سبز و resilient امروز، بسیار کمتر از هزینه‌های جبران خسارات غیرقابل بازگشت فردا خواهد بود. آینده مازندران، در گرو تصمیم‌های خردمندانه و فنی امروز است.

راهکارهای فنی و تخصصی

۱. اجرای کامل و بدون تنازل «ارزیابی اثرات زیست‌محیطی» (EIA) برای تمام پروژه‌های عمرانی و زیرساختی: این ارزیابی‌ها، بایستی توسط نهادهای مستقل و بر اساس داده‌های علمی دقیق انجام شود.
۲. توسعه زیرساخت‌های «سبز» (Green Infrastructure): احداث و بهره‌برداری از تصفیه خانه‌های فاضلاب در تمام شهرها و شهرک‌های صنعتی با تکنولوژی‌های مناسب (مانند MBR, SBR) ساخت تصفیه‌خانه‌های نیمه‌متمرکز برای روستاهای واقع در حوضه‌های آبریز حساس. احداث سیستم‌های جمع‌آوری و دفع پسماند با فناوری‌های نوین (زباله‌سوزهای مدرن با فیلترهای پیشرفته، بازیافت و کمپوست) و تعطیلی تمام دفن‌گاه‌های غیربهداشتی. توسعه شبکه ریلی برقی، برای کاهش وابستگی به حمل و نقل جاده‌ای. ایجاد گذرگاه‌های زیرجاده‌ای یا روگذر (Wildlife Crossings) برای اتصال زیستگاه‌های قطعه‌قطعه شده.
۳. مدیریت یکپارچه منابع آب: (IWRM) نصب کنتورهای هوشمند بر روی تمام چاه‌های آب، اجرای سیستم‌های آبیاری تحت فشار و نهادهای کشاورزی با راندمان بالا، احیا و لایروبی تالاب‌ها و انهار طبیعی برای بهبود توان هیدرولوژیک منطقه و پایش مستمر کمی و کیفی آبخوان‌ها و جلوگیری از برداشت غیرمجاز، از جمله اقداماتی است که در این مجموعه می‌توان انجام داد.
۴. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین: استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) و سنجش از دور (Remote Sensing) برای پایش تغییرات پوشش جنگلی، شناسایی کانون‌های فرسایش، رصد کیفیت آب و کنترل تغییر کاربری اراضی، استفاده از مصالح نوین و روش‌های سازه‌ای دوستدار محیط زیست در پروژه‌های عمرانی.

تأملی بر اندیشه حکمرانی خوب با تأکید بر قانون اساسی ایران



دکتر اسماعیل عبدالحی

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری استان بوشهر

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. (حدید/ ۲۵)

حکمرانی خوب یا متعالی، گفتمان و پدیده نوظهوری است که با ترکیب مؤلفه‌ها و اصول، درصدد استقرار وضعیت مطلوب، توأم با عدالت و رفاه در اداره کشور است. اصطلاح مزبور، در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی توسط بانک جهانی ابداع و مطرح شد. بر اساس تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب در اتخاذ سیاست‌های پیش بینی شده و صریح حکومت، تصمیمات اداری و سیاسی شفاف، مسئولیت پذیری کارگزاران، پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال عملکردهای خود، مشارکت فعال شهروندان و همچنین برابری آنان در برابر قانون، تبلور می‌یابد. همچنین، برنامه توسعه سازمان ملل متحد حکمرانی خوب را به عنوان «کوششی در جهت حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک (راهبردی) در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری» توصیف می‌کند. حکمرانی خوب، حاصل پیدایش و استقرار یک رابطه مثلثی، ترکیبی و هم‌افزایانه و متقابل دو محیط رسمی (دولتی) و غیر رسمی (غیر دولتی) در قالب سه رکن یا سه ضلع؛ دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است.

با مداقه در فصول و اصول قانون اساسی، این امر، آشکار می‌شود که نویسندگان آن، اعتقاد و التزام خود را به شکل گیری و استقرار الگوی حکمرانی خوب و متعالی در چارچوب مبانی نظری شرعی و عرفی به منصفه ظهور رسانده‌اند. قدر مسلم، جهت گیری و حرکت کلی نظام بر مبنای قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام به نحو مقرر در اصل ۱۱۰ قانون اساسی و برنامه‌های توسعه در راستای حکمرانی خوب بوده است، اما این مسئله که تا چه اندازه در ظهور و به روز رسانی الگوی مزبور گام برداشته و توفیق داشته‌ایم، نیازمند واکاوی و ارزیابی دقیق و علمی است، هرچند در کنار دستاوردهای قابل توجه و مطلوب، باید پذیرفت که با کاستی‌ها، و چالش‌های جدی در نظر و عمل مواجه بوده‌ایم.

۱- مفهوم و ماهیت حکمرانی

واژه حکمرانی (Governance) مرکب از دو کلمه «حکم» به معنای فرمان، امر، مقررات، نظام و قانون و «راندن» در مفهوم به حرکت در آوردن، اجرا کردن، روان کردن، انجام دادن، راهبری، هدایت، اداره و پیش بردن و مجموعاً تعبیر (حکمرانی) به معنای حکومت، فرمانروایی، فرماندهی، طرز حکومت، اختیار داری و نظارت آمده است.

در فرهنگ‌های لغت فارسی حکمرانی مترادف و معادل فرماندهی، امارت و ریاست است. معادل عربی این اصطلاح، واژه «الحکومه» می‌باشد. در دیکشنری کمبریج (Cambridge dictionary) در ذیل واژه حکمرانی (Governance) آمده

است: اصطلاح حکمرانی ناظر بر روش‌ها و نظام‌هایی است که سازمان‌ها و کشورها در عالی‌ترین سطح مدیریت شده و اقدام می‌کنند. بنابر کاربردهای لغوی و اجمالی فوق، در یک تعریف ساده، حکمرانی عبارت است از شیوه یا نظامی که بدان وسیله نهادهای حاکمیتی اعمال مدیریت می‌کنند. به این ترتیب، اصطلاح حکمرانی ناظر بر ساختارها (Structure) و فرایندها (Process) است که در بالاترین سطح تصمیم‌سازی، پاسخگویی و نظارت و عمل قرار دارند. تعبیر حکمرانی یک تعبیر نوظهور و میان‌رشته‌ای است که در علوم مختلف از قبیل مدیریت، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روانشناسی، حقوق، علوم سیاسی، فلسفه و الهیات کاربرد دارد و بر همین اساس می‌توان پیشوند حکمرانی را در زمینه‌ها و موضوع‌های تخصصی و متنوع به کاربرد. مانند حکمرانی اقتصادی، حکمرانی آب، حکمرانی انرژی، حکمرانی فرهنگی و

به علاوه، معمولاً و در محاورات عادی و علمی، اصطلاح حکمرانی به صورت ایجابی و با اوصافی همچون حکمرانی خوب، حکمرانی مطلوب، حکمرانی سالم و حکمرانی متعالی به کار می‌رود. به اعتقاد صاحب نظران، این کاربردها بیانگر مدل‌های حکمرانی است. البته، بر اساس غایت حکمرانی، می‌توان آن را به دو صورت حکمرانی متعارف و متعالی تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی به نوعی ناظر بر ماهیت جهت‌گیری و قلمروی حکمرانی است. حکمرانی متعارف بر اساس اراده مردم و با هدف بهبود امور جامعه و مردم در دنیای مادی شکل می‌گیرد، اما حکمرانی متعالی، علاوه بر دنیا، به ظرفیت‌های اخلاقی، الهی و مؤلفه‌های اخروی نیز تمرکز دارد. تفکیک حکمرانی به متعارف و متعالی ناشی از وجود دو برداشت از مأموریت حکومت‌ها و حاکمیت قانون در دنیای مدرن است. حکومت‌ها می‌توانند صرفاً تنظیم‌گر امور مادی و دنیوی مردم باشند و با این هدف تشکیل شده و قوام یابند و یا ممکن است فراتر از امور مادی و دنیوی جهت‌گیری داشته، به تنظیم‌گری و نظارت بر امور معنوی و اخروی بپردازند. در هر حال، اغلب قریب به اتفاق حکومت‌های امروزی در چارچوب مناسبات دنیوی مردم شکل گرفته و حرکت می‌کنند و تلاش دارند به وسیله «قانون موضوعه» و ناشی از اراده مردم، مطالبات ضروری و معمولاً دنیوی و مادی جامعه را تنظیم کنند. لکن، در حکمرانی متعالی یک عنصر مهم و جدی، تعالی و رشد همه جانبه و متناسب با ظرفیت‌ها و خواسته‌های گوناگون انسان مورد نظر است.

۲- ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی

در یک حکمرانی خوب، سه بعد یا سه عنصر مهم و اساسی وجود دارد. این عناصر عبارتند از: دولت، مردم و جامعه مدنی و بخش خصوصی؛ بنابراین، حکمرانی خوب، در نتیجه حضور و تعامل بخش‌های یادشده در کنار هم و در یک رابطه شبکه‌ای ایجاد و مستقر می‌شود. شکل زیر تعامل عناصر مزبور را نشان می‌دهد. صرف نظر از ابعاد و عناصر قوی و وثیق حکمرانی، به باور متفکران و اندیشمندان، نهادهای

محافل علمی و جهانی، یک حکمرانی مطلوب (خوب) دارای ۸ ویژگی، مؤلفه یا پایه به شرح موارد و شکل زیر است.

- ۱- حاکمیت قانون (The rule of law)
- ۲- مشارکت (Participatory)
- ۳- وفاق عمومی و اجماع محوری (Consensus-oriented)
- ۴- شفافیت (Transparent)
- ۵- پاسخگویی (Accountability)
- ۶- مسئولیت پذیری (Responsibility)
- ۷- اثربخشی (Effectiveness) و کارایی (Efficiency)
- ۸- منصفانه و شمولیت (Equitable/Inclusive)

به این ترتیب، حکمرانی خوب، ناشی از موجودیت و شکل‌گیری همه جانبه و هم افزایانه هریک از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های یاد شده است، به گونه‌ای که وجود یا فقدان هرکدام از آن‌ها در سرنوشت خود و سایر مؤلفه‌ها آثار تقویتی (ایجابی) و تخریبی (سلبی) دارد. به عبارت دیگر، رشد و ارتقای ویژگی‌های حکمرانی، به رشد و ارتقای حکمرانی منجر می‌شود. به همین نسبت، اختلال و انحراف در هریک از آن ویژگی‌ها به سیر قهقرایی حکمرانی و عدم مطلوبیت آن منتهی می‌شود. این وضعیت، نشان می‌دهد که حکمرانی خوب و سالم یک «جریان یا فرایند ترکیبی، هم افزایانه، مجموعه‌ای، همه جانبه و درهم تنیده» است که در جای خود، هریک از ویژگی‌های مزبور، در نیل به ایده حکمرانی مطلوب، نه تنها موضوعیت و شأنیت مستقل دارد، بلکه در تعامل و تلاقی با سایر ویژگی‌ها طریقت داشته و مجموعاً می‌توانند در تحقق و استقرار یک نظام حکمرانی مطلوب تأثیرگذار باشند.

۳- حکمرانی و قانون اساسی

تأکید کلی قانون اساسی بر حقوق و تکالیف متقابل مردم و حاکمیت از یک سو و مندرجات خاص فصول اول (اصول ۱ تا ۱۴) و سوم (اصول ۱۹ تا ۳۱) قانون اساسی بر شکل حکومت به صورت مردمی و محتوای آن که ترکیب مطالبات نهفته شرعی و مردم متدین است، به عنوان دو ساز و کار متناسب با فرهنگ دینی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی حاکی از اعتقاد و التزام نویسندگان قانون اساسی به طراحی و استقرار الگوی حکمرانی خوب و متعالی بوده است.

مجموعه نظام مقرر و مندرج در قانون اساسی به عبور از شیوه‌های حکمرانی غیر مردمی و نامطلوب به عنوان تجارب تلخ و تأسف بار در روابط انسانی و اجتماعی در عرصه‌های مختلف و در تاریخ ایران و جهان متمرکز است. باتوجه به نوظهور بودن مفهوم «حکمرانی خوب» در میان اندیشمندان و کشورهای جهان، شاید بتوان گفت که بانیان نظام جمهوری اسلامی ایران، با رجوع و تأسی به آموزه‌های قرآنی، سیره معصومین علیهم السلام در زمینه حکمرانی، به سوی نهادینه‌سازی الگوی مطلوب و متعالی آن، حرکت کرده‌اند. درواقع، مبانی و اصول قانون اساسی نشان می‌دهد که پدید آورندگان آن مضافاً به این که در ذهن خود شیوه‌های حکمرانی غلط و بد را شایسته مردم و انقلاب ندانسته‌اند، بلکه در راستای مؤلفه‌های نظام حکمرانی خوب، جهت‌گیری فکری و نظری داشته و بر این

اساس، فصول و اصول قانون اساسی را تبویب و تنظیم کرده‌اند. امروزه، از یک سو، بیش از هر زمان دیگر تمرکز و بازگشت به اندیشه‌های پویا، فاخر، دور اندیشانه و متعالی تدوین کنندگان قانون اساسی که برآیند افکار و تمایلات ذهنی اقشار مختلف است، احساس می‌شود و از سوی دیگر، به اهتمام و التفات به غفلت‌ها و بعضاً به عدم اعتقاد و التزام به اصول حکمرانی خوب پی می‌بریم. ضرورت دارد، متولیان و مجریان قانون اساسی بر ذهنیات و دغدغه‌های پیشینیان مدیر و صالح خود، احساس مسئولیت بیشتری نشان دهند. با نگاه تحلیلی و نقادانه و بر مبنای ابعاد و شاخص‌های ۸ گانه حکمرانی خوب، می‌توان بر این نکته تأکید داشت که بخش دولتی (رسمی) حکمرانی در کشور ما، به صورت محدود و ناهماهنگ دارای وجوه مثبت و نسبتاً موافقی بوده است، هرچند از جهت شفافیت، پاسخگویی، کارآمدی و قانون‌مندی، کماکان مشکلات قابل رفعی وجود دارد و باید در جهت همراه‌سازی و مشارکت بخش غیر دولتی (غیر رسمی) حکمرانی، تدابیر و اقدامات نهادینه و پیوسته‌ای رقم بخورد. در لایه اخیر حکمرانی، به رغم آن که در نظام اسلامی و قرآنی، بر امت، مردم و مؤمنان تأکید فراوان است و خصوصاً مطابق منطق و مفهوم آیه ۲۵ سوره حدید، بازوی توانمند و رکن‌رکن عملیاتی شدن رسالت پیامبران الهی، تلقی می‌شود، تجربه درس آموز و ارزشمند حکمرانی نبوی و علوی و نیز حقایق موجود و محسوس دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، بر این واقعیت دلالت دارد. با این وصف، به اندازه کافی و در چارچوب مؤلفه‌های حکمرانی در آغاز راه قرار داریم و اساساً در این بخش، عقب ماندگی ساختاری و رفتاری، به طرز محسوسی دیده می‌شود و همین وضع، حکمرانی رسمی (دولتی) را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. به علاوه، برای هماهنگی و هم‌افزایی ارکان و اضلاع حکمرانی به یک پیوند و رابطه ضروری و علی و معلولی در این حوزه، به شدت احساس نیاز می‌شود.

نتیجه‌گیری

تاریخ زندگی بشر و تجربیات متراکم کشورها و حکومت‌های گوناگون، مؤید ضرورت شکل‌گیری عالی‌ترین الگوی حکمرانی در جهان معاصر و بالتبع مبارزه دامن‌دار و پیوسته با مظاهر نا امنی، بی‌نظمی، تبعیض، بی‌عدالتی، نابرابری و عدم برخورداری از امکانات و مواهب سرشار خدادادی، فساد، فقر و سوء استفاده از اختیارات و قدرت‌های قانونی و فراقانونی است. چشم‌انداز یک حکمرانی خوب در حدود الزامات و متغیرهای علمی، بومی و بین‌المللی، پیشرفت پایدار و بهبود کیفیت زندگی، در همه ابعاد و توازن در تعاملات تمامی عناصر سازنده جامعه محلی و جهانی است. بر این اساس، آموزش پیوسته و ارتقای سطح آگاهی عمومی و دست‌اندرکاران و کارگزاران، زمینه‌سازی و حمایت از مشارکت همگانی، تربیت و تعالی معنوی و فرهنگی جامعه، مهارت‌افزایی، کادر سازی، شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی، هوشمند سازی نظارت‌های رسمی و غیر رسمی، طراحی، تدوین و تصویب قوانین و برنامه‌های اثر بخش و کارآمد از جمله مفروضات و ملزومات عینی و عملی یک حکمرانی



خوب، موجه، قابل دفاع و مورد رضایت مردم و سایر عناصر ذینفع و متناسب با شأن جامعه اسلامی است؛ زیرا حکمرانی غلط، ناقص و معیوب، می‌تواند به تدریج شیرازه ظرفیت و سرمایه عظیم بخش‌های دولتی و غیردولتی را متلاشی کند و کل نظام حکمرانی را با خطرات بزرگ و لاینحل مواجه سازد.

منابع

(Local Governance in Developing Countries), ۲۰۰۶, Anwar Shah & Jeff huthur

توکلی غلامرضا و همکاران، تبیین و تحلیل شاخص‌های حکمرانی خوب دروداجا، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، سال نوزدهم، شماره ۸۷، بهار ۱۳۹۹.
جهت اطلاع بیشتر به فرهنگ دهخدا، ذیل واژه حکمرانی، رجوع شود.

تحلیل شاخص‌های «برابری» و «عدالت» در نظام حکمرانی خوب

همیشه باشد...



دکتر اسماعیل عبدالمهی

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری استان بوشهر

کارآمدی نظام حکمرانی و توسعه در یک کشور، مبتنی بر شاخص‌های متنوعی است که از جمله آن‌ها؛ «برابری» و «عدالت» است. در واقع، یکی از دلایل و عوامل مهم ناکامی دولت‌ها و جوامع در دستیابی به توسعه متوازن و رضایت‌بخش، بی‌توجهی نظری و عملی به شاخص‌های یادشده است. در کشور ما، تحت تأثیر مبانی و تعالیم دینی، بر «پیوست عدالت» تأکید شده است. به جهت اهمیت موضوع، رهبری در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰ ش. برای اولین بار، به پیوست عدالت دلالت فرمودند: «ما اگر بخواهیم فاصله بین آنچه که از عدالت لازم داریم و باید باشد و آن وضعیت کنونی را کم کنیم، بایستی به روش‌ها و راهکارهای جدید و مؤثر دست پیدا کنیم؛ باید بدانیم شیوه‌های کاربردی عدالت چیست؟»



این نگاه دقیق که بوجه کاربردی و ملموس (غیر انتزاعی و غیر توصیفی) عدالت اشاره دارد، در نخستین دیدار دولت سیزدهم با معظم له در شهریور ۱۴۰۰ ش. مجدداً مورد التفات قرار گرفت و تبیین فرمودند: «به نظر من هر مصوبه‌ای که شما تصویب می‌کنید، هر لایحه‌ای که در دولت تنظیم می‌کنید، هر بخشنامه‌ای که خود شما در دستگاه خودتان صادر می‌کنید، یک پیوست عدالت باید داشته باشد. باید مراقب باشید این روش، این کار، این دستور، ضربه‌ای به عدالت نزنند، طبقات مظلوم را پایمال نکنند. این مراقبت باید

البته، این ارزش و مطالبه مهم در ۶ شهریور ۱۴۰۳ در دیدار دولتمردان چهاردهم با ایشان، باز هم مورد تأکید واقع شد. صرف نظر از تأکیدات فوق، در نظام‌های حقوقی و سیاسی معاصر و اسناد جهانی حقوق بشر، مقوله‌های برابری و عدالت، به نوعی لازم و ملزوم و در یک رابطه تنگاتنگ قرار دارند و عدم شکل‌گیری و استقرار یک نظام برخورداری از حقوق و فرصت‌های برابر و در نهایت حمایت‌های متناسب و عادلانه، چالش جدی و اساسی فراروی بشریت و حکمرانی جهانی به شمار می‌رود. به همین جهت، علاوه بر این که در تعالیم توحیدی، فرصت دسترسی به پروردگار و پیامبران برای همه انسان‌ها و اقوام فراهم بوده است و هیچ بنده‌ای از لطف و رحمت الهی محروم نبوده و حتی نومی‌دی در این رابطه، سرزنش شده است. (آیات ۱۰۷ سوره انبیا، ۸۷ سوره یوسف و ۵۳ سوره زمر)، مهم‌ترین دلیل مذمت و ناروا بودن استکبار، استثمار و اختناق در ادبیات قرآنی و روایی، قطع نظر از تبعیض و تضییع حقوق مردم، مسدود کردن راه تکامل و تعالی انسانیت و اجتماعات توسط زمامداران مستکبر و مستبد است.

برای درک اجمالی مفاهیم «برابری» و «عدالت»، کافی است که به واژه‌های متضاد «نابرابری» و «بی‌عدالتی» توجه کرد. در این تقابل مفهومی، «تبعیض» و «ظلم» به ذهن متبادر می‌شود؛ زیرا نتیجه نگاه نابرابر و ناعادلانه، تخطی از حقوق قانونی و اخلاقی است که از یک سو، فرد یا افرادی را از حدود و حقوق خود خارج می‌کند و از سوی دیگر، می‌تواند به برخورداری بیشتر و افزون‌تر کسانی منجر شود که اساساً این اندازه



شاخص‌های حکمرانی را مقدمه‌ای برای تحقق آن تلقی کرد. با تحقیق و تدقیق در متون فاخر دینی، همین برداشت قابل استخراج و یادآوری است. یکی از آیات قرآن که به طور صریح و عامه‌فهم بر این موضوع اشاره دارد، آیه ۲۵ سوره شریفه حدید است که می‌فرماید: «محققاً ما پیامبران خود را با ادله و معجزات آشکار به سوی مردم فرستادیم و همراه آنان کتاب (قانون و فرامین الهی) و میزان (وسیله تشخیص حق از ناحق) نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت قیام کنند...» نکته‌ای که در پایان این یادداشت باید مورد تأکید قرار گیرد این است که منظور از برابری و عدالت، بهره‌مندی یکسان و بدون توجه به ظرفیت‌ها و لیاقت‌های متفاوت افراد نمی‌باشد، بلکه منظور دسترسی بدون تبعیض همه و هر یک از افراد جامعه متناسب با سطوح و موقعیت‌های آنان است. بر همین اساس، اگر بین دو فرد که دارای سطح تحصیلات متفاوت یا کسب و کارهای قانونی متنوعی می‌باشند، تفاوت در میزان برخورداری از مواهب شغلی وجود داشته باشد، این نوع تفاوت‌ها نه تنها یک امر موجه و قابل دفاعی است، بلکه عدم تفاوت به بهانه «برابری» و «عدالت» خود یک تبعیض آشکار و ناروا خواهد بود. بدین ترتیب، می‌توان از تبعیض و تفاوت‌های موجه (قانونی و مشروع) و غیر موجه (غیر قانونی و غیر مشروع) که فی‌نفسه زمینه و انگیزه تحرک، تلاش و توسعه را در جامعه فراهم و نهادینه می‌کند، سخن به میان آورد. در واقع، این گونه نابرابری‌ها و به اصطلاح اندازه‌نگه‌داشتن‌ها در عین حال که بد و نامطلوب نیست، بلکه انگیزه و محرکی برای رقابت سالم و هدفمند میان مردم و بهبود میزان برخورداری‌ها و دسترسی آنان به شرایط مطلوب‌تر خواهد بود، به شرط این که نابرابری‌ها و تفاوت‌ها «دقیقاً و کاملاً» قانونمند شود و از حدود خیالی و خودخواهانه خارج شوند.

استحقاق ندارند. در این شرایط، تبعیض و ظلم که میوه تلخ نابرابری و بی‌عدالتی و سرچشمه نارضایتی و افتراق در روابط و میان افراد و جامعه است، به وقوع می‌پیوندد. بنابراین، پشتوانه و زیربنای مفاهیم برابری و عدالت «حدیاحق و مزیتی» است که معیارها و موازین قانونی و عرفی آن را به رسمیت شناخته و «مورد حمایت و ضمانت» قرار می‌دهد و بدون این اوصاف، ارزش‌های یادشده تبلور و ظهور اجرایی و عینی نخواهند یافت و مفاهیمی صرفاً انتزاعی و ذهنی باقی می‌مانند. همین ویژگی‌ها تا حدود زیادی ما را به تفاوت اصولی نظام‌های حکمرانی بد یا خوب رهنمون می‌سازند. از آنجا که در حکمرانی‌های بد، اراده نامحدود و یک‌سویه هیأت حاکم و اطرافیان آنان تعیین‌کننده است و این اراده در راستای دفاع و حمایت از منافع اقلیت حاکم جریان و نفوذ دارد، نمی‌توان و نباید «حق قانونی» را انتظار داشت. اما در جهان معاصر و اندیشه‌های متعالی و حق‌باور، زمامدار و حاکم بدون توجه به حقوق مردم، اصالت و شانی ندارد. در نتیجه، در حکمرانی خوب دو امر محوریست: یکی اراده آحاد مردم که زیربنای شاخص «حاکمیت قانون» را تشکیل می‌دهد و دیگر هدفمندی و غایت‌مداری حاکمیت قانون که معمولاً در چارچوب نیازها و ضرورت‌های اساسی و اولویت‌دار فردی و اجتماعی جهت‌گیری یافته است. از این منظر، در نظام حکمرانی خوب، هم حاکم و هیأت حاکمه و هم ابزارهای حکومتی مثل قانون و ساختارها هدف واحد و مشترکی را جستجو و پیگیری می‌کنند و این هدف و غایت چیزی نیست جز «برخورداری بدون تبعیض» یا «برابری عادلانه» در دسترسی به فرصت‌ها و امکانات قانونی و مشروع توسط مردم است.

به علاوه، این هدف تا اندازه‌ای مهم و دارای آثار و تبعات مطلوب فردی و اجتماعی است که به درستی می‌توان بقیه

توسعه نیافتگی در آغوش ثروت، تخریب نیروی بومی و بلا تکلیفی توسعه‌ای در استان بوشهر



سید حسین جعفری

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری بوشهر، مدرس دانشگاه

ساحلی در جنوب کشور و دسترسی به آب‌های بین‌المللی است.

۳. دانشگاه‌های معتبر، استعداد‌های درخشان و نیروی کار متخصص در حوزه‌های انرژی، شیلات، دریانوردی و کشاورزی فرصت کم نظیری ایجاد کرده است.

با وجود ظرفیت‌های یادشده، استان بوشهر در شاخص‌های کلانی مانند درآمد سرانه، امید به زندگی، دسترسی به خدمات بهداشتی-درمانی و زیرساخت‌های آموزشی-رفاهی، اغلب از میانگین کشوری عقب‌تر است. این پارادوکس، ریشه در مسائلی فراتر از کمبود منابع مالی دارد.

چالش اساسی، تخریب نیروی بومی و غیبت در مدیریت کلان و عدم اجرای اسناد و برش‌های توسعه استان است. گلایه اصلی مردم و نخبگان بوشهر، نه کمبود منابع، که «نبود مدیریت بومی آگاه و دلسوز» برای این منابع است. آنها استدلال می‌کنند که:

۱. فقدان نمایندگی در مرکز: استان بوشهر در دهه‌های پس از انقلاب، حضور کم‌رنگی در سطوح عالی مدیریتی کشور (مانند وزارتخانه‌ها، سازمان‌های برنامه‌ریزی و شرکت‌های ملی) داشته است. این غیبت باعث شده تصادای استان در جایی که سرنوشت منابعش رقم می‌خورد، شنیده نشود و اولویت‌های توسعه‌ای آن نادیده گرفته شود.

۲. فرهنگ تخریب و زیرآب‌زنی: اشاره به «فرهنگ زیرآب‌زنی» که ریشه در تاریخ استعمار انگلیس در جنوب ایران دارد، حاکی از یک مانع فرهنگی-اجتماعی عمیق است. این فرهنگ که در

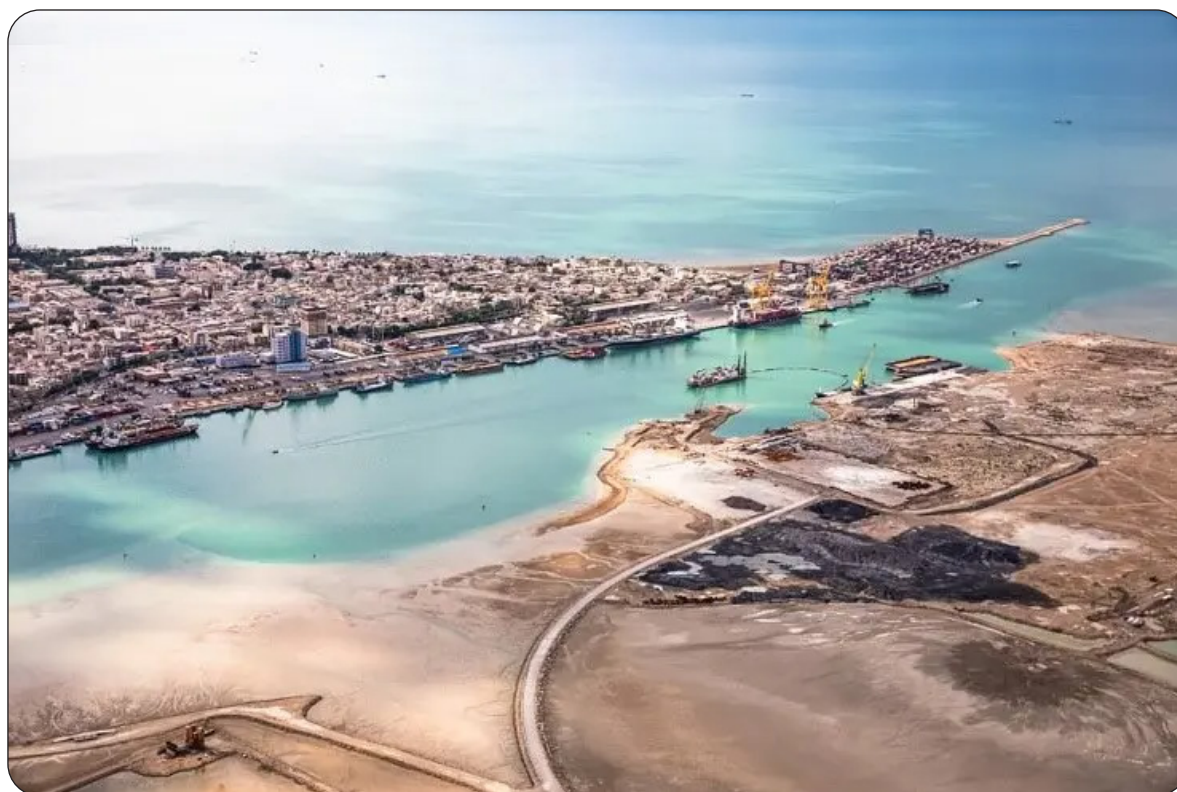
استان بوشهر، به عنوان یکی از مناطق استراتژیک و ثروت خیز ایران، همواره در اقتصاد ملی، نقش کلیدی ایفا کرده است. این استان، با برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز، دسترسی به آب‌های آزاد، وجود بنادر مهم و داشتن نیروی انسانی تحصیل‌کرده و متخصص، پتانسیل آن را دارد که به یکی از قطب‌های پیشرو کشور تبدیل شود. با این حال، شکاف عمیق بین این پتانسیل‌ها و سطح واقعی توسعه‌یافتگی، پرسش‌های بنیادینی را درباره علل این محرومیت نسبی ایجاد کرده است. یکی از کانونی‌ترین دلایل مطرح شده از سوی نخبگان و مردم، «تخریب سیستماتیک نیروی بومی شایسته» و دوری آنان از مراکز کلان تصمیم‌گیری است. دو مورد در این زمینه مطرح است.

الف) چشم انداز پارادوکسیکال (متناقض): ثروت بی‌کران و توسعه نیافتگی

بوشهر را می‌توان نماد «توسعه نیافتگی در آغوش ثروت» دانست. این استان دارای:

۱. منابع زیرزمینی و روزمینی و میزبان بزرگترین میددین گازی کشور (پارس جنوبی و شمالی) و بخش عمده‌ای از صنایع پتروشیمی ایران است.

۲. موقعیت ژئوپلیتیک، برخورداری از طولانی‌ترین خط





عوائد حاصل از نفت و گاز) عمدتاً به مرکز واریز می‌شود و سهم استان در توسعه زیرساخت‌های پایدار ناچیز است.

ج) راهکارهای پیش‌رو

برای شکستن این چرخه معیوب، اقدامات چند سطحی ضروری است.

۱. سیاست‌گذاری ملی: دولت و مجلس باید با تدوین و اجرای «سیاست‌های تشویقی و الزام‌آور» برای به کارگیری نیروهای بومی شایسته در پست‌های مدیریتی مرتبط با استان در سطح ملی، زمینه حضور آنان را فراهم آورند.

۲. بازنگری در شیوه مدیریت منابع: ایجاد «شورای عالی توسعه استان بوشهر» با حضور نمایندگان دولت، مجلس، مدیران ارشد بومی و نخبگان برای نظارت بر طرح‌های توسعه‌ای و تخصیص بودجه می‌تواند راهگشا باشد.

۳. ایجاد اتحاد و همگرایی میان نخبگان: نخبگان، شخصیت‌های اجتماعی و سیاسی بوشهر باید با عبور از اختلافات قومی و شخصی، یک «جبهه متحد» برای دفاع از منافع استراتژیک استان تشکیل دهند و با معرفی چهره‌های شایسته، فضای تخریب را خنثی کنند.

۴. تقویت جامعه مدنی و رسانه‌ها: رسانه‌های محلی و نهادهای مدنی می‌توانند با رصد عملکرد مدیران، افشای تخریب‌ها و طرح مطالبات به حق مردم، نقش ناظر قدرتمندی را ایفا کنند.

استان بوشهر در یک دوراهی تاریخی قرار دارد: یا باید اجازه داد فرهنگ تخریب و غیبت مدیریت بومی، این گنجینه ملی را به محرومیتی در حاشیه ثروت تبدیل کند، یا با عزم ملی و همت استانی، چرخه معیوب را شکسته و مسیر توسعه پایدار و همه‌جانبه را در پیش بگیرد. کلید اصلی این تحول، باور به «مدیریت بومی» به عنوان محرک اصلی توسعه است. تا زمانی که فرزندان شایسته این دیار، نتوانند تعیین سرنوشت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان خود نقش اصلی را ایفا کنند، نمی‌توان به خروج از وضعیت کنونی امیدوار بود؛ زیرا، توسعه‌ای پایدار است که ریشه در خاک و خواست مردم آن دیار داشته باشد.

آن پیشرفت فردی به بهای تخریب دیگران صورت می‌گیرد، مانع از همگرایی نخبگان و شکل‌گیری یک جریان قوی برای دفاع از منافع استان شده است. این پدیده، نیروهای شایسته را یا از میدان به در می‌کند یا آن‌ها را به انفعال و سکوت وامی‌دارد.

۳. مطالبات شخصی به جای منافع جمعی: عده‌ای با انگیزه‌های شخصی و قبیله‌ای، به جای حمایت از نیروهای شایسته، با تخریب آن‌ها سعی در حفظ موقعیت خود یا جایگزینی افراد مورد نظرشان دارند. این امر، منجر به از دست رفتن فرصت‌ها برای استان و هدررفت سرمایه انسانی می‌شود.

ب) پیامدها

ترکیب عوامل مزبور، یک چرخه معیوب ایجاد کرده است که به شکل ممتد و ماندگاری استان و مردمان حماسه ساز و جوانان برومند آن را دچار فرسایش و دلسردی کرده است و از جمله عوارض و پیامدهای آن به شرح ذیل قابل اشاره است.

۱. تصمیم‌گیری بدون شناخت: مدیران غیربومی، اگرچه ممکن است دارای صلاحیت‌های فنی باشند، اما اغلب فاقد شناخت عمیق از بافت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بوم‌شناسی (ecological) استان هستند. این امر، منجر به اجرای پروژه‌هایی می‌شود که یا ناکارآمد هستند و یا پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی جبران‌ناپذیری دارند.

۲. خاموشی صدای مطالبه‌گر: با دور نگه داشتن نیروهای بومی که بیشترین دغدغه را برای توسعه استان دارند، صدای منتقد و مطالبه‌گر برای نظارت بر اجرای صحیح پروژه‌ها و تخصیص عادلانه بودجه خاموش می‌شود.

۳. فرار مغزها: نخبگان و نیروهای جوان و تحصیل‌کرده استان، با مشاهده فضای بسته و تخریب‌گر، انگیزه خود را برای خدمت در زادگاه از دست داده و به استان‌های دیگر یا حتی خارج از کشور مهاجرت می‌کنند که این امر، توسعه‌نیافتگی را تشدید می‌کند.

۴. تخصیص ناعادلانه منابع: منابع عظیم استان (مانند

ضرورت حکمرانی و مدیریت یکپارچه منابع آب در ایران: چالش‌ها، تجارب و راهکارها



مهدی میرزاده کوهشاهی

عضو هیئت علمی دانشگاه و دبیر اندیشکده حکمرانی هرمزگان

مدیریت و حکمرانی منابع آب، در دهه‌های اخیر به یکی از اساسی‌ترین موضوعات توسعه پایدار در سطح جهان تبدیل شده است و در کشورهایی نظیر ایران که اقلیم خشک و نیمه‌خشک دارد نیز، اهمیت آن دوچندان است. فشار فزاینده ناشی از رشد جمعیت، توسعه کشاورزی و صنعتی، تغییرات اقلیمی، کاهش بارندگی و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب سطحی و زیرزمینی، باعث شده است که بحران آب به یکی از تهدیدهای بنیادین برای امنیت غذایی، زیست‌محیطی و اجتماعی بدل گردد. این شرایط، ایجاب می‌کند که مدیریت آب از حالت بخشی، سازه‌ای و کوتاه‌مدت خارج شده و به سمت حکمرانی یکپارچه حرکت کند؛ رویکردی که به ابعاد اکولوژیک، اقتصادی، اجتماعی و نهادی توجه همزمان دارد و می‌تواند زمینه‌ساز تعادل میان منابع و مصارف باشد.

با وجود اهمیت این موضوع، بررسی وضعیت حکمرانی آب در ایران نشان می‌دهد که چالش‌های متعددی در مسیر تحقق مدیریت یکپارچه وجود دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، بخشی‌نگری و پراکندگی وظایف میان سازمان‌ها و نهادهای متعدد است. این پراکندگی موجب می‌شود که تصمیمات در تضاد با یکدیگر قرار گیرند و منابع آب به صورت جزیره‌ای مدیریت شوند. علاوه بر این، نبود هماهنگی میان سطوح مختلف حاکمیتی و اجرایی، مانع از شکل‌گیری سیاست‌های جامع و پایدار می‌گردد. از سوی دیگر، ضعف نظام داده و فقدان سیستم‌های منسجم پایش و ارزیابی، امکان تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد را محدود کرده و به سیاست‌گذاری‌های مقطعی و ناکارآمد منجر می‌شود.



در بعد اجتماعی، یکی از ضعف‌های جدی حکمرانی آب در ایران، مشارکت حداقلی ذی‌نفعان محلی و به‌ویژه زنان است. تجربه‌های جهانی نشان داده است که حضور فعال جامعه محلی در تصمیم‌گیری‌ها، نه تنها میزان موفقیت پروژه‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه به تداوم و پایداری آن‌ها

نیز کمک خواهد نمود، اما در ایران مشارکت مردم عمدتاً به سطح مشاوره‌ای و گاه حتی نمایشی محدود شده و عملاً نقش‌آفرینی واقعی در مدیریت منابع آب شکل نگرفته است. این مسئله، سبب کاهش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و افزایش تعارضات اجتماعی پیرامون منابع آب شده است.

در بعد اقتصادی نیز، سیاست‌های آب در ایران عمدتاً با رویکرد عرضه‌محور تنظیم شده‌اند؛ به این معنا که تأکید بر توسعه زیرساخت‌های جدید برای افزایش عرضه بوده و توجه کمتری به مدیریت تقاضا و اصلاح الگوی مصرف معطوف شده است. این در حالی است که تجارب موفق جهانی نشان می‌دهد مدیریت تقاضا، ارتقای بهره‌وری و ارزش اقتصادی آب، و اصلاح نظام قیمت‌گذاری، می‌تواند در پایداری منابع، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کنند.

بررسی نقاط قوت و ضعف تجارب بین‌المللی، می‌تواند برای ایران آموزنده باشد. در سطح جهانی، حرکت به سمت حکمرانی یکپارچه آب عمدتاً با محوریت چند تغییر اساسی رخ داده است: نخست؛ گذار از مدیریت بخشی به مدیریت جامع که در آن ارتباط میان آب، خاک، انرژی، کشاورزی و محیط زیست به صورت سیستمی دیده می‌شود. دوم، حرکت از رویکرد بالا به پایین به سمت مشارکت فعال ذی‌نفعان که سبب افزایش مشروعیت و کارایی تصمیمات شده است. سوم، تغییر از تمرکز صرف بر عرضه، به سمت مدیریت تقاضا و بهینه‌سازی مصرف منابع. چهارم، حرکت از کنترل دولتی مطلق، به سمت نظام‌های مشارکتی و تعاونی که در آن بخش خصوصی، جوامع محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد نقش پررنگ‌تری دارند. پنجم، شفافیت اطلاعات و ایجاد نظام‌های داده باز که امکان نظارت عمومی و پاسخ‌گویی را فراهم می‌سازد. این اصول، در بسیاری از کشورها زمینه‌ساز موفقیت نسبی در مدیریت یکپارچه منابع آب شده‌اند، هرچند هیچ مدلی خالی از ضعف نیست و همواره نیاز به بومی‌سازی و انطباق با شرایط اجتماعی و نهادی هر کشور وجود دارد.

در ایران نیز، می‌توان از این تجارب در راستای بازطراحی الگوی حکمرانی آب بهره گرفت. نقطه قوتی که می‌تواند مبنای حرکت قرار گیرد، وجود ظرفیت‌های علمی و پژوهشی





مصرف در بخش کشاورزی و صنعت، ارتقای بهره‌وری، اعمال نظام تعرفه‌ای عادلانه و تشویق به استفاده مجدد از آب است.

پنجم؛ توجه به ابعاد اجتماعی-اقتصادی تصمیم‌ها و اقدامات باید در مرکز حکمرانی آب قرار گیرد. بدون توجه به فقر، معیشت و عدالت اجتماعی، سیاست‌های آب پایدار نخواهند بود؛ بنابراین، هرگونه مداخله در مدیریت آب باید همزمان با برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی مناطق همراه باشد.

ششم؛ حرکت به سمت رویکرد برد-برد و بلندمدت ضروری است. سیاست‌های کوتاه‌مدت و بخشی اغلب منجر به تشدید بحران‌ها می‌شوند. در مقابل، سیاست‌هایی که به منافع متوازن میان نسل حاضر و آینده، میان مناطق مختلف و میان گروه‌های اجتماعی توجه کنند، می‌توانند مسیر پایداری را هموار نمایند.

در نهایت، حکمرانی یکپارچه منابع آب در ایران، تنها زمانی موفق خواهد بود که از سطح شعار فراتر رود و به یک تغییر ساختاری و فرهنگی تبدیل شود. این تغییر، نیازمند اراده سیاسی قوی، مشارکت گسترده اجتماعی، اصلاحات نهادی و بهره‌گیری از دانش و تجربه جهانی است. با چنین رویکردی، می‌توان امیدوار بود که منابع آب کشور نه به عنوان منبعی رو به زوال، بلکه به عنوان سرمایه‌ای پایدار برای توسعه و رفاه نسل‌های آینده مدیریت گردد.

گسترده و تجربه تاریخی در مدیریت منابع آب مانند قنوات و همچنین افزایش آگاهی عمومی نسبت به بحران آب است، اما این ظرفیت‌ها تا زمانی که در چارچوب نهادی منسجم و با بهره‌گیری از مشارکت واقعی ذی‌نفعان قرار نگیرند، به ثمر نخواهند نشست.

برای طراحی مدل بومی حکمرانی و مدیریت یکپارچه منابع آب در ایران، چند اصل اساسی قابل طرح است. نخست؛ یکپارچگی نهادی به عنوان شرط اولیه، باید تحقق یابد. این امر، مستلزم ادغام وظایف پراکنده یا حداقل هماهنگی نهادی از طریق سازوکار فرابخشی است که بتواند سیاست‌ها را همسو و تصمیم‌گیری‌ها را یکپارچه نماید. بدون وجود چنین نهادی، مدیریت یکپارچه عملاً ناممکن خواهد بود.

دوم؛ تقویت نظام داده و پایش، امری ضروری است. ایجاد پایگاه داده ملی که اطلاعات منابع و مصارف آب، تغییرات اقلیمی، کیفیت منابع و بهره‌وری را در برگیرد، امکان تصمیم‌گیری شفاف و مبتنی بر شواهد را فراهم می‌کند. این پایگاه، باید در دسترس پژوهشگران، ذی‌نفعان و عموم جامعه قرار گیرد تا اعتمادسازی و پاسخ‌گویی نیز تقویت شود.

سوم؛ لازم است تا مشارکت واقعی ذی‌نفعان در دستور کار قرار گیرد. این مشارکت، فراتر از مشاوره و در قالب شراکت در تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت معنا می‌یابد. زنان، کشاورزان، جوامع محلی و بخش خصوصی باید به عنوان شرکای اصلی دیده شوند نه صرفاً دریافت‌کنندگان سیاست‌ها.

چهارم؛ تغییر رویکرد از عرضه‌محور به تقاضا محور نیز امری ضروری محسوب می‌شود. این مورد به معنای اصلاح الگوی

مدیریت شهری؛ از تولید ثروت تا توسعه ملی: گذار به استقلال مالی و خوداتکایی پایدار استان‌ها با بودجه‌ریزی عملکردی



سعید آومنی

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری البرز

تنها نشان‌دهنده توانمندی استان در تولید ثروت است، بلکه به عنوان سهم آن استان در بودجه ملی، به تقویت کلی کشور کمک می‌کند و از بار مالی دولت مرکزی می‌کاهد.

بخش دوم: مدیریت منابع انسانی و ساختار اداری عملکرد محور در خدمت تولید بودجه (تقویت آبادانی از پایین به بالا)

۱. همسوسازی ساختار اداری با هدف تولید بودجه (چابکی و کارآمدی محلی)

اصل: بازنگری و سازماندهی ساختار اداری و نیروی انسانی هر شهر بر اساس قابلیت‌های درآمدزایی و سطح عملکرد واقعی آن شهر.

الگو: ساختارها باید چابک، نوآور و متناسب با ظرفیت‌ها و اهداف تولید بودجه و ارائه خدمات بهینه به شهروندان باشند. این چابکی، امکان پاسخگویی سریع‌تر به نیازهای محلی و اجرای پروژه‌های کوچک و متوسط که مستقیماً به آبادانی محله‌ها و شهرها کمک می‌کنند را فراهم می‌آورد.

۲. پیاده‌سازی بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد (PBB)؛ ابزاری برای سنجش و ارتقاء تولید بودجه

مبانی: بودجه‌ریزی باید بر اساس اهداف مشخص درآمدزایی، فعالیت‌های مولد و نتایج قابل اندازه‌گیری (خروجی‌ها و پیامدها) صورت پذیرد.

مراحل کلیدی PBB:

الف) تعریف اهداف و شاخص‌های کلیدی عملکرد (KPIs) تولید بودجه: تعیین اهداف کمی و کیفی روشن برای هر ظرفیت درآمدی (مثال: افزایش $X\%$ درآمد حاصل از گردشگری، ایجاد Y واحد کسب‌وکار جدید). این شاخص‌ها باید مستقیماً با میزان تولید بودجه در سطح محلی مرتبط باشند.

ب) بودجه‌ریزی مبتنی بر فعالیت و نتیجه: تخصیص بهینه منابع برای تولید ثروت: تخصیص بودجه به برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که بیشترین بازدهی را در تولید درآمد و سودآوری برای شهرداری دارند. این رویکرد، تضمین می‌کند که منابع، صرف فعالیت‌هایی شود که بیشترین کمک را به تقویت بنیان مالی شهر می‌کنند.

ج) مدیریت منابع انسانی عملکرد محور: توانمندسازی نیروی انسانی برای تولید ارزش: - ارزیابی عملکرد بر اساس نتایج مالی و عملیاتی: سنجش عملکرد کارکنان بر اساس دستیابی به اهداف تولید بودجه و بهبود شاخص‌های مرتبط. - رابطه مستقیم عملکرد با پاداش و ارتقاء: ایجاد انگیزه برای کارکنان شهرداری جهت ارائه خدمات بهتر و مشارکت فعال‌تر در پروژه‌های مولد و درآمدزا. - نیازسنجی نیروی انسانی؛ جذب

این طرح، رویکردی انقلابی در مدیریت شهری و مالی کشور ارائه می‌دهد که در آن، شهرداری‌ها به عنوان موتورهای اصلی تولید بودجه و پیشران توسعه و آبادانی در سطح ملی عمل می‌کنند. هدف اصلی، توانمندسازی شهرداری‌ها از طریق شناسایی و بهره‌برداری فعال از ظرفیت‌های درآمدی بومی، پیاده‌سازی نظام بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد (PBB) و بهینه‌سازی مدیریت منابع انسانی است. این چارچوب، گامی اساسی در جهت کاهش وابستگی اقتصاد دولت و استان‌ها به درآمدهای نفتی و مرکزی، تقویت خوداتکایی مالی شهرداری‌ها و در نهایت، دستیابی به آبادانی پایدار و فراگیر از طریق ظرفیت‌های محلی و مشارکت مردمی (از پایین به بالا) خواهد بود.

بخش اول: مدیریت شهری به مثابه تولیدکننده بودجه ملی (با تأکید بر نقش استانی و ملی)

۱. احصا و فعال‌سازی ظرفیت‌های درآمدی بومی (نقش سازمان‌های استانی)

وظیفه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها: شناسایی، محاسبه و تحلیل دقیق و خلاقانه ظرفیت‌های درآمدی منحصر به فرد هر شهر (جاذبه‌های گردشگری، منابع طبیعی، موقعیت استراتژیک، زیرساخت‌ها، املاک، توانمندی‌های انسانی و ...) است.

خروجی: تعریف و اجرای مدل‌های درآمدی نوآورانه و پایدار که مستقیماً به تولید بودجه محلی کمک می‌کنند. این مرحله، بنیان خوداتکایی مالی استان‌ها و شهرداری‌هایشان را بنا می‌نهد.

۲. فرآیند تخصیص درآمد و سهم‌بری در چرخه ملی (کاهش وابستگی)

- محاسبه درآمد و کسر هزینه‌ها: محاسبه دقیق درآمد تولید شده، توسط هر شهر و کسر مخارج جاری آن.

- اولویت‌بندی توسعه شهری: تخصیص مازاد درآمد به پروژه‌های توسعه شهری و افزایش ظرفیت درآمدزایی مجدد در همان شهر. این گام، تضمین می‌کند که بودجه تولید شده، ابتدا صرف آبادانی و پیشرفت همان منطقه شود. - انتقال مازاد به حساب استان: انتقال مازاد درآمد پس از اولویت‌بندی توسعه شهری، به حساب استان. این مازاد، به استان‌ها امکان می‌دهد تا پروژه‌های استانی اولویت‌دار خود را با اتکا به منابع تولیدی بومی، و نه صرفاً تخصیص مرکزی، پیش ببرند.

- انتقال مازاد استان به خزانه ملی: انتقال مازاد درآمد استان (پس از کسر مخارج استانی) به خزانه مرکزی. این مازاد، نه



سرمایه‌های خارجی است که مستقیماً به افزایش درآمد کشور و استان‌ها کمک می‌کند.

-تدوین بسته‌های سرمایه‌گذاری استاندارد؛ تسهیل جذب سرمایه مولد؛ راهنمایی شهرداری‌ها در تهیه پروپوزال‌ها و بسته‌های سرمایه‌گذاری جذاب و چندزبانه برای ارائه به سرمایه‌گذاران خارجی. بسته‌های استاندارد، فرآیند جذب سرمایه را برای سرمایه‌گذاران خارجی آسان‌تر کرده و میزان موفقیت در جذب سرمایه مولد را افزایش می‌دهد.

-هماهنگی برای تسهیل مقررات سرمایه‌گذاری خارجی؛ حذف موانع تولید ثروت؛ همکاری با سایر نهادهای ذیربط برای ایجاد فرآیندهای روان و شفاف برای سرمایه‌گذاران خارجی در پروژه‌های شهری. کاهش بروکراسی اداری، انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی را برای ورود به پروژه‌های توسعه شهری ایران افزایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری و الزامات اجرایی

این طرح، بر نقش شهرداری‌ها به عنوان مراکز تولید بودجه و چگونگی تأثیر آن بر پیشرفت و آبادانی کشور تمرکز دارد. اجرای موفقیت‌آمیز این طرح، تحولی بنیادین در نظام مدیریت شهری و مالی کشور ایجاد خواهد کرد. این رویکرد، با توانمندسازی شهرداری‌ها، به عنوان تولیدکنندگان اصلی بودجه از طریق ظرفیت‌های بومی، کاهش اتکای استان‌ها به بودجه مرکزی و هدایت منابع به سمت پروژه‌های توسعه‌ای ملموس از پایین به بالا، به افزایش بهره‌وری منابع، ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان و تحقق آبادانی پایدار و خوداتکا در سراسر کشور منجر خواهد شد.

اجرای این طرح، نیازمند همکاری نزدیک بین وزارت کشور، سازمان برنامه و بودجه کشور، سازمان اداری و استخدامی کشور و شهرداری‌های سراسر کشور است. همچنین، بازنگری در برخی قوانین و مقررات مرتبط با مدیریت شهری و سرمایه‌گذاری خارجی برای تسهیل فرآیند «تولید بودجه از مدیریت شهری» ضروری خواهد بود.

تخصص‌های لازم برای تولید ثروت؛ تطبیق نیازهای نیروی انسانی با برنامه‌های عملیاتی و پروژه‌های درآمدزا. -آموزش‌های مهارت‌محور؛ ارتقاء توانایی‌های مولد؛ تمرکز آموزش‌ها بر افزایش مهارت‌های لازم برای شناسایی فرصت‌های درآمدی، مدیریت بهینه منابع و افزایش بهره‌وری.

۵- شفافیت و گزارش‌دهی عملکرد؛ ارزیابی میزان تولید بودجه؛ انتشار منظم گزارش‌های شفاف عملکرد، میزان تحقق اهداف تولید بودجه، درآمدها و هزینه‌ها به صورت عمومی. این شفافیت، پاسخگویی را افزایش داده و اعتماد عمومی را جلب می‌کند.

بخش سوم: تسهیل‌گری دولت در ارتباط با شهرهای خارجی؛ ابزاری برای تقویت ظرفیت تولید بودجه ملی

۱. هدف: ایجاد بستر و حمایت لازم برای ارتباط مؤثر شهرداری‌ها با شهرهای خارجی جهت جذب سرمایه، دانش فنی و تجربیات در راستای افزایش ظرفیت تولید بودجه و توسعه پایدار شهری.

۲. اقدامات پیشنهادی دولت

-ایجاد مرکز ملی توسعه همکاری‌های بین‌المللی شهرداری‌ها؛ وظیفه این مرکز، شناسایی شهرهای خارجی مستعد همکاری، تسهیل فرآیند انعقاد تفاهم‌نامه‌ها، ارائه مشاوره حقوقی و فنی و برگزاری رویدادهای معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در شهرهای ایران است. این مرکز، به عنوان هماهنگ‌کننده ملی، از پراکندگی تلاش‌ها جلوگیری کرده و منابع را به سمت فرصت‌های با بازدهی بالا در زمینه تولید بودجه هدایت می‌کند.

-حمایت از حضور در مجامع بین‌المللی؛ معرفی ظرفیت‌های مولد ایران؛ کمک به شهرداری‌ها برای شرکت در نمایشگاه‌ها، کنفرانس‌ها و فروم‌های بین‌المللی مرتبط با توسعه شهری و جذب سرمایه. این حضور، فرصتی برای نمایش ظرفیت‌های ایران در سطح جهانی و جذب

تغییرات اقلیمی، شیرین‌سازی آب دریا و الزامات جدید حکمرانی آب

یا کمبود آب، نامیده می‌شود، بخش‌ها و مناطق مختلف کشور را در بر گرفته است.

ترکیب دو بحران مذکور یعنی؛ بحران در مدیریت منابع آبی کشور و تغییرات رو به تزاید اقلیمی، فضای جغرافیایی ایران را وارد دوره‌ای جدید کرده که کمبود آب شرب، جیره‌بندی آب در شهرها و محلات، کاهش کیفیت آب شرب در بسیاری از مناطق کشور، افت سالانه سفره‌های آب زیرزمینی، افزایش عمق چاه‌های کشاورزی، از بین رفتن قنات‌ها، چشمه‌ها تالابها و دریاچه‌ها، شکل‌گیری کانون‌های محلی ریزگرد، خشک شدن باغات و بایر ماندن اراضی کشاورزی، رهاسازی زمین‌های زراعی، رشد مهاجرت روستائیان به شهرها و به دنبال آن خالی از سکنه شدن بسیاری از روستاها و توسعه



مهدی میرزاده کوهشاهی

عضو هیئت علمی دانشگاه و دبیر اندیشکده حکمرانی هورگان

تغییر اقلیم، یکی از چالش‌های بزرگ عصر حاضر است که تأثیرات آن در تمامی جنبه‌های زندگی بشر مشهود است. تغییرات اقلیمی نه تنها بر الگوهای آب و هوایی و دمای جهانی تأثیر می‌گذارد، بلکه ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این بین، مناطقی مانند ایران به دلیل ویژگی‌های خاص جغرافیایی و اقلیمی، بیشتر در معرض خطرات ناشی از تغییر اقلیم، قرار دارند. به موازات تغییرات اقلیمی بحران، مدیریت مدیریت منابع آب که در بسیاری از موارد به اشتباه بحران آب



در وهله اول، قرار بود نیازهای محدود محلی را با استفاده از شیرین سازی آب دریاها رفع کنند، اما وخامت منابع آب در فلات مرکزی ایران و به موازات آن، استقرار غیر اصولی صنایع بزرگ آب‌بر در این مناطق، امروزه این استان‌ها را به تأمین کننده آب مورد نیاز برای صنایع و برخی از جوامع نیمه جنوبی کشور تبدیل کرده است.

در این میان، اگر چه شیرین سازی آب دریا، برای مصارف شرب و محلی قابل توجه و در جهت روند منطقه‌ای از جمله در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس است، اما شیرین‌سازی و به خصوص انتقال آب به فلات مرکزی ایران، فارغ از پیامدهای مخرب زیست محیطی و همچنین حساسیت‌های محلی، فاقد توجیه اقتصادی است؛ زیرا هرگونه بارگذاری صنعتی و توسعه صنایع آب‌بر، اگر با رعایت اصول آمایش سرزمین و سیاستگذاری فضایی و جغرافیایی باشد، منطقاً نباید در مناطق مرکزی و کویری کشور که آب در آن کالایی گران و حیاتی است، صورت پذیرد. با این حال، به دلیل بی توجهی‌های گذشته و برخی اعمال نفوذهای سیاسی این امر رخ داده است. نتیجه چنین خطاهایی در برنامه‌ریزی توسعه صنعتی و مکان‌گزینی صنایع چالش آب در استان‌های یزد و اصفهان، خشکی زاینده رود، افت شدید سفره‌های آب زیرزمینی در برخی مناطق استان کرمان و نارضایتی شدید کشاورزان و جوامع محلی در سه استان یاد شده است.

در هر صورت، اکنون راهبرد اصلی تأمین آب آینده صنایع و بسیاری از جوامع توسعه آب‌شیرین‌کن‌ها است، اما نکته مهم در این زمینه که به نظر می‌رسد از ذهن بسیاری از برنامه‌ریزان عرصه سیاستگذاری و حکمرانی آب در کشور دور و در نظام برنامه‌ریزی کشور مغفول مانده است، توجه به ظرفیت دریا و آستانه تحمل اکولوژیک و اجتماعی مناطق ساحلی است که آب‌شیرین‌کن‌ها در آنها استقرار یافته‌اند.

حاشیه نشینی در شهرها از نشانه‌های آشکار آن، است. این در حالی است که بحران‌های ثانویه یعنی؛ بیکاری ناشی از کمبود منابع آب در مناطق روستایی آنها را به سوی مشاغل کاذب، جرایم سازمان یافته، قاچاق مواد مخدر، قاچاق سوخت و به طور کلی مواجهه با اقتصاد رسمی، سوق داده است. امری که خود آثار زیانباری مانند رشد بزه‌ها و آسیب‌های اجتماعی و نارضایتی از دولت و سیستم حکمرانی کشور را در پی داشته است.

آنچه تا امروز به عنوان تجربه و راهبرد در مواجهه با ناترازی منابع و مصارف آب رخ داده است، بیش از آنکه صرفه جویی را در دستور کار قرار داده و بر مدیریت مصرف متکی باشد، بر کشف و بهره‌برداری از منابع جدید آب در قالب پروژه‌هایی مانند توسعه آب‌شیرین‌کن‌ها، انتقال بین حوزه‌های آب و حرکت به سمت بهره‌برداری از منابع آب عمیق و ژرف استوار است.

پس از چالش برانگیز بودن طرح‌های انتقال بین حوزه‌ای، در دو دهه گذشته استفاده از آب دریاها و توسعه آب‌شیرین‌کن‌ها به راهبرد اصلی تأمین منابع آب کشور به خصوص در مناطق جنوبی و کویری و همچنین آب مورد استفاده بخش صنعت تبدیل شده است. این راهبرد، از یک سو نتیجه اعتراضات محلی و منطقه‌ای به پروژه‌های بین حوزه‌ای آب است و از سوی دیگر ناشی از کاهش چشمگیر بارندگی‌ها و افزایش نیاز آبی بخش کشاورزی در نتیجه تغییرات آب و هوایی است. همانطور که بیان شد ایراد جدی این راهبرد، استمرار مصرف بالا و غیر اصولی و تلاش برای کشف منابع جدید به جای مدیریت مصارف غیر ضرور و غیر اصولی است.

در نتیجه این راهبرد، سواحل جنوب به ویژه استان‌های هرمزگان، سیستان و بلوچستان و بوشهر به قطب جدید تأمین منابع آب کشور تبدیل خواهند شد. این استان‌ها



راستا، توجه به اصول و الزامات ذیل می‌تواند به حکمرانی بهینه و روزآمد منابع آب کمک کند.

رعایت اصل مشارکت در حکمرانی منابع آب، به خصوص مشارکت دادن خبرگان و متخصصان حوزه، آب، محیط زیست دریایی و توسعه پایدار که به تضمین توسعه پایدار آب شیرین‌کن‌ها از طریق اقداماتی مانند مکانگزینی مناسب مجتمع‌های آب‌شیرین‌کن کمک خواهد کرد.

توجه به حکمرانی هوشمند با پایش مستمر کیفیت آب در محل برداشت و سنجش و پایش پارامترهای مختلف آب در محل دفع پساب با هدف جلوگیری از به هم خوردن اکوسیستم منطقه که تضمین ثبات اکولوژیک در عین پایداری برداشت آب از منطقه است.

شفافیت در تصمیم‌گیری و سایر فرایندهای مرتبط با برداشت و تولید آب که نظارت‌پذیری را در مراحل مختلف از جمله انجام مطالعات اولیه، چگونگی و کیفیت قراردادهای سازوکارها و روش‌های شیرین‌سازی و دفع و مدیریت پساب و در نهایت هزینه تمام شده مشخص خواهد کرد. روزآمدسازی نظام حقوقی مرتبط با مدیریت و حکمرانی آب، با هدف تصویب قوانین کارآمد و همچنین مجازات‌ها و مشوق‌های موثر که به بهینه‌سازی تولید و مصرف آب تولید شده از آب‌شیرین‌کن‌ها کمک خواهد کرد.

فرهنگ سازی مصرف بهینه آب در بین مشترکان، اعم از صنایع بزرگ و جوامع با توجه به هزینه‌های بالای تولید اعم از هزینه‌های شیرین‌سازی، هزینه‌های انتقال و هزینه‌هایی مانند هزینه مصرف برق که نسبت به تصفیه فاضلاب بسیار بالا است.

توجه به فناوری نو و حرکت به سوی روزآمد کردن شیوه‌ها و فناوری‌های شیرین‌سازی که همزمان سه مقوله کیفیت، هزینه و قیمت و پیامدهای زیست محیطی را مورد توجه قرار دهد.

توجه و پاسخ مناسب به حساسیت‌های اجتماعی به خصوص با توجه به مخالفت‌های خفته محلی و منطقه‌ای با انتقال آب به صنایع آب بر فلات مرکزی و مطالبه حقابه اختصاصی از هر خط انتقال، برای مصارف شرب و کشاورزی در روستاها و مناطقی که با کمبود و بحران آب مواجه هستند. انتقال تدریجی صنایع آب بر، به کرانه‌های مکران و جلوگیری از توسعه صنایع آب بر در مناطق کویری و کم آب فلات مرکزی که پایداری آنها مستلزم انتقال آب از سواحل به این مناطق است.

در سطح کلان، رویکرد حکمرانی که این غفلت در درون آن صورت گرفته است، امتداد و استمرار همان گفتمانی است که با توسعه آمرانه و غیرآمایشی صنایع، زمینه را برای بحران فعلی آب در فلات مرکزی آب ایران فراهم کرد. دال مرکزی این دو گفتمان را می‌توان در تصور نامحدود بودن منابع آب پیدا کرد. همانطور که در گذشته، تصور عمومی در بین بسیاری از مدیران و سیاستگذاران این بود که منابع آب نامحدودند، امروزه نیز، به نظر می‌رسد که تصور مدیران این است که منابع آب دریا، توان تصفیه و شیرین‌سازی نامحدود آب را برای ما فراهم می‌کند. این در حالی است که مشاهدات میدانی و شواهد علمی در تقابل با این تصور است.

«فاجعه منابع مشترک» به عنوان نظریه‌ای که بر استفاده بی‌رویه، کنترل نشده و غیراصولی از منابع عمومی مانند آب تأکید دارد، تبیین‌گر نوع مواجهه و استفاده جامعه ایرانی در بخش‌های مختلف اقتصادی و شرب از منابع آب است، این نظریه، همچنین ظرفیت تحلیل و تبیین شرایط موجود و بحران‌های احتمالی ناشی از استقرار آب‌شیرین‌کن‌ها را نیز دارد. به بیان دیگر، این نظریه امروزه نیز قابل تعمیم به آب دریاها برای شیرین‌سازی و توسعه بدون مطالعه جدی آب‌شیرین‌کن‌ها در مناطق ساحلی به ویژه در جنوب کشور است. بر این مبنا، در غیاب نظارت جدی و فقدان قوانین، مقررات و نظارت موثر دستگاه‌های متولی و با تصور غلط پایان ناپذیر بودن منابع قابل استفاده برای شیرین‌سازی آب دریا، مناطق و مجموعه‌های صنعتی، اقدام به توسعه مجتمع‌های بزرگ شیرین‌سازی آب دریا و بهره‌برداری بیش از حد، غیر اصولی و ناپایدار از آب دریا کرده و با آلوده کردن آب دریا در نتیجه رهاسازی پساب آب‌شیرین‌کن‌ها، موجبات شکل‌گیری بحران‌های اکولوژیکی را فراهم می‌آورند.

در حال حاضر، آب‌شیرین‌کن‌ها با مجموعه‌ای از چالش‌ها و پیامدهای منفی مواجهند. مکان‌گزینی نادرست با هدف صرفه‌جویی اقتصادی در مطالعات علمی و همچنین دسترسی به شبکه‌های انتقال آب و برق، مدیریت نادرست پسماند و تخلیه پساب‌ها به شیوه‌های نامناسب که در نهایت شوری آب را افزایش داده و سبب بالا رفتن دمای آب در مناطق برداشت آب می‌شوند و در نهایت استفاده از شیوه‌های آب‌گیری نامتناسب با شرایط منطقه در زمره این چالش‌ها هستند. بی‌توجهی به این پیامدها سبب خواهد شد توسعه روزافزون آب‌شیرین‌کن‌ها، اکوسیستم منطقه را برهم زده و حیات بسیاری از آبزیان را در آن مناطق با تهدید مواجه کرده و سبب تهدید مرجان‌ها و جنگل‌های حرامی شود. با توجه به برنامه دولت برای افزایش بارگذاری صنعتی و توسعه صنایع بزرگ آب‌بر در سواحل خلیج فارس و دریای عمان و همچنین، طرح توسعه سواحل مکران و سایر طرح‌های توسعه صنعتی و منطقه‌ای مانند صنایع انرژی بر پارسیان و تمایل روزافزون مجتمع‌های بزرگ صنعتی و معدنی فلات مرکزی ایران، برای تأمین و انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان، ضروری است در رویکرد حکمرانی آب، به ویژه در زمینه آب‌شیرین‌کن‌ها بازاندیشی شود و گفتمان و قوانین و مقررات مرتبط با حکمرانی آب بازبینی شود. در این

ظرفیت‌ها، چالش‌ها و دستاوردهای افق توسعه استان کرمانشاه



دکتر شهرام فتاحی

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان کرمانشاه، استاد دانشگاه رازی



مشکلات شهرک‌های صنعتی و صنایع تولیدی استان‌ها و دسته‌بندی مشکلات و تهیه راهکارها برای مرتفع کردن این مشکلات، به صورت عمومی؛ اعم از تامین خوراک، تخصیص انرژی و آب مورد نیاز، تأمین سرمایه در گردش، مشکلات ناشی از تحقیق، توسعه و بازاریابی، برنامه‌ای نیز برای تشکیل کارگروه‌های بررسی و حل مسائل تولیدی زیر نظر استانداران آینده دارد که این کارگروه، با اختیار کافی بتواند مشکلات واحدهای تولیدی و شرکت‌های صنعتی و صنایع کوچک با تصمیم به موقع، از وضعیت فعلی خارج کند.

۴. کمبود بیمارستان‌های تخصصی در غرب کشور، با توجه به دسترسی ارتباطی وسیع این استان، در غرب کشور و نبود بیمارستان‌های تخصصی در این منطقه، لازم است در بخش‌های سلامت با محوریت این استان طرح‌ها و برنامه‌های احداث مراکز درمانی تخصصی، انجام شود. توسعه بیمارستان‌های تخصصی با هدف بهبود سطح سلامت و خدمات درمان از اولویت‌های اصلی دولت مردمی است که می‌تواند برای جذب توریست سلامت و افزایش درآمد استان، ظرفیت باشد.

۵. پایین بودن راندمان تولیدات کشاورزی در استان و عملکرد پایین دیم‌کاری‌های استان، از مجموع اراضی زراعی آبی و دیم ۲۲/۸ درصد آبی و ۷۷/۲ درصد دیم است. به عبارت دیگر، بیشترین ظرفیت سطح تحت کشت استان در خدمت کمترین میزان تولید قرار گرفته است و بسیاری از کشاورزان، در غالب روستاهای استان با کمترین عایدات کشاورزی مواجه هستند و این مهم، به فقر سبد اقتصاد خانوار روستایی در استان کرمانشاه دامن زده است. ضروری است، با اعمال مدیریت صحیح و مؤثر بر شیوه‌های تولیدات در اراضی دیم، با برنامه‌های آموزشی- ترویجی و استفاده از بذره‌های اصلاح شده و تغییر فصل کاشت در مورد برخی محصولات، زمینه‌های افزایش محصول در واحد سطح فراهم گردد.

۶. نبود صنایع تبدیلی و زنجیره ارزش محصولات کشاورزی در استان، علیرغم اینکه استان کرمانشاه از پتانسیل کشاورزی خوبی برخوردار است و محصولات متنوعی دارد، اما در این بخش، با توجه به ضعف زیرساخت‌های صنعتی و عدم تجمع امکانات کشاورزان، سود مناسبی عاید کشاورزان نمی‌شود؛ لذا دولت ما با حمایت از ایجاد مجموعه‌های بزرگ کشاورزی با کمک کشاورزان، احداث و توسعه صنایع تبدیلی و زنجیره ارزش محصولات، قصد دارد به توسعه صنعت کشاورزی استان و حمایت از کشاورزان اقدام کند.

۷. خشک شدن جنگل‌های بلوط زاگرس، تخریب مراتع و آتش سوزی در این جنگل‌ها یکی از نگرانی‌های مردم مناطق زاگرس‌نشین است. برای مقابله با پدیده خشک شدن جنگل‌های بلوط استان، یک دفتر ویژه در سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری تشکیل می‌شود، تا با جدیت و نظارت مستقیم مقامات عالی‌رتبه کشور مسأله خشک-شدگی جنگل‌های بلوط استان کرمانشاه و حوزه جغرافیایی زاگرس،

استان کرمانشاه، با ۲۵۰۳۸ کیلومتر مربع وسعت در سرشماری سال ۱۳۹۰ اش. حدود ۲ میلیون نفر، جمعیت داشته است و تراکم جمعیتی استان ۶۳ نفر در کیلومتر مربع است، که نزدیک به دو برابر متوسط تراکم زیستی کشور را در بر می‌گیرد.

ظرفیت‌های استان

۱. قرار گرفتن در تقاطع دو محور شمال به جنوب و شرق به غرب و خصوصاً، واقع شدن در جاده کربلا ظرفیت عظیم ترانزیتی را ایجاد کرده است.
۲. پتانسیل بالای گردشگری در سطح ایران و جهان، به همراه جاذبه‌های متعدد فرهنگی، تاریخی و طبیعی و ظرفیت بالای توسعه صنعت گردشگری.
۳. وجود اقتصاد مبتنی بر کشاورزی در سطح استان، کرمانشاه را به یکی از مراکز مهم کشاورزی ایران، تبدیل نموده است.
۴. کرمانشاه، استانی است که امکان کشت مرحله دوم را در منطقه گرمسیرش، دارد.
۵. قابلیت کشت محصولات سردسیری و گرمسیری.
۶. قابلیت پرورش آبزیان با وجود منابع آبی.
۷. امکان رشد ۵۰ گونه گیاه دارویی.
۸. رتبه بالای تولید حبوبات و گندم و دانه‌های روغنی.

مسائل استان کرمانشاه

۱. تعطیلی صنایع کوچک در شهرک‌های صنعتی و افزایش بیکاری.
۲. در شهرهای استان کرمانشاه نیز، مانند بسیاری از شهرهای کشور، کارخانجات تولیدی و صنایع کوچک یا تعطیل شده‌اند و یا در معرض تعطیلی قرار گرفته‌اند. این معضل، علاوه بر کاهش رشد اقتصادی کشور و افزایش بیکاری‌های گسترده، بسیاری از خانواده‌ها را نیز با معضلات اجتماعی اعم از افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق یا بزه‌کاری‌های اجتماعی روبه رو کرده است.
۳. کارگروه‌های کارشناسی ما ضمن بررسی مسائل و



۱۰. عدم توسعه مناسب صنعت گردشگری استان، ایجاد زیرساخت گردشگری با تمرکز بر طبیعت اورامانات و شمال شرق استان کرمانشاه، روستاهای هدف گردشگری، ایجاد زیرساخت گردشگری سلامت، متناسب با تقاضای توریسم پزشکی کشور عراق؛ احیای گردشگری ماجراجویانه با بهره‌گیری از فضای بومگردی پاوه، کرد غرب، سرپل ذهاب، در منطقه طبیعت‌گردی اورامانات، توسعه امکانات اقامتی و زائرسرای ارزان در استان خصوصا شهرستان قصرشیرین در مسیر سفرهای زیارتی کربلا معلا و عتبات عالیات از جمله اولویت های صنعت گردشگری دولت مردمی در استان کرمانشاه، خواهد بود و نیز ارتقای شبکه تأمین نظم و امنیت در مناطق روستایی به ویژه مناطق حساس مرز، از جمله برنامه‌ها است.

راهکارها و افق توسعه استان، قلمروهای اولویت‌دار توسعه فعالیت

در این قسمت، بر مبنای الزامات فضایی راهبردهای احصا شده و با بهره‌گیری از نقشه‌های توان اکولوژیکی مناطق، نقشه‌های قابلیت اراضی، سناریوهای بهینه توسعه استان در خصوص فعالیت، قلمروهای دارای اولویت به منظور توسعه فعالیت مشخص می‌شود. به این ترتیب که ابتدا الزامات فضایی راهبردهای احصا شده، تعیین می‌شود، سپس با توجه به توان اکولوژیک و همچنین پتانسیل‌های توسعه‌ای جدید، قلمروهای اصلی توسعه، مشخص گردیده‌اند.

پیگیری شود. برنامه‌های مدیریتی از جمله؛ خروج دام جامعه عشایری از مراتع ضعیف استان، با تکمیل طرح ساماندهی عشایر در کانون‌های عشایری و نیز برنامه‌های اصلاح و احیا مراتع و آبخیزداری بایستی با جدیت و سرعت عملیاتی شود. ۸. توسعه نامتوازن صنعت نفت، گاز و منابع انرژی، در این استان علیرغم داشتن منابع نفت و گاز و نیز وجود پالایشگاه و پتروشیمی، در خوشه‌های صنعتی و تکمیل زنجیره ارزش، اقدامات مؤثری انجام نگرفته است. لذا با تکمیل زنجیره ارزش صنایع استان و نیز عمل به مسئولیت اجتماعی صنایع بزرگ در قبال مردم کرمانشاه، می‌توان اشتغال مولد و برقراری عدالت در استان را شاهد بود.

۹. مشکلات زیرساخت‌های ارتباطی و حمل و نقل استفاده از ظرفیت حمل نقل جنوب به شمال از طریق اتصال بندر امام خمینی با احداث و توسعه خطوط ریلی الکترونیکی پرسرعت و با کیفیت از مسیر استان‌های غربی کشور از جمله کرمانشاه به تبریز و اتصال آن به خطوط ارمنستان و گرجستان و اتصال به اروپا از طریق دریای سیاه از مسیر استان، جهت ترانزیت کالا و فرآورده‌های پتروشیمی و توسعه صنعت گردشگری می‌تواند در توسعه استان و صادرات محصولات آن تحول چشمگیری ایجاد کند. این طرح از طرح‌های ملی دولت مردمی خواهد بود. همچنین تکمیل طرح‌های ریلی و اتصال خطوط حمل و نقل ریلی استان به عراق و تقویت کریدورهای ترانزیتی موجود نیز اولویت‌های حمل و نقل استان، است.

جدول الزامات فضایی بر اساس راهبردهای احصا شده

سناریوها محور	راهبرد	الزامات فضایی با توجه به توان اکولوژیک و مخاطرات	قلمروهای اولویت‌دار توسعه
کشاورزی دانش‌بنیان و پایدار	برنامه‌ریزی بر پایه ملاحظات زیست‌محیطی و پایداری توسعه در مناطق مستعد . ارتقاء سطح فناوری و قابلیت‌های بهره‌وری. تقویت زیست‌پذیری و تاب‌آوری.	توسعه فعالیت‌های کشاورزی در مناطق مستعد با توجه به ظرفیت تحمل زیستی. ایجاد مراکز تحقیق و توسعه جلوگیری از نابودی زمین‌های مرغوب برای کشاورزی و بهره‌گیری از الگوهای گسترش فضایی هوشمند توسعه سیستم نوین آبیاری رعایت الزامات مخاطرات طبیعی	توسعه فعالیت‌های باغداری در شهرستان‌های کرمانشاه، سنقر، صحنه، پاوه، سرپل ذهاب، کرد غرب، قصرشیرین، اسلام‌آباد و هرسین توسعه فعالیت‌های زراعی در مناطق دشتی و دارای آب استان همچون دشت کرمانشاه، ماهیدشت، روانسر، سنجابی و ... ایجاد و توسعه مراکز تحقیق و توسعه خاص کشاورزی در روانسر، سرپل ذهاب و سنقر توسعه شیلات در سدهای استان

صنایع کوچک و متوسط پیشرفته	شبکه‌سازی و ایجاد خوشه‌های کسب‌وکار ایجاد شبکه صنایع متناسب مزیت محلی افزایش بهره‌وری صنایع ایجاد و تقویت زنجیره‌های تولید پیوند و یکپارچگی اقتصاد روستایی و شهری	ایجاد تعادل در توزیع فضایی فعالیت‌ها برحسب توان اکولوژیک تمرکززدایی از محور اصلی شرق به غرب تقویت شبکه ارتباطی صنعت، دولت و دانشگاه انتقال یا محدود کردن فعالیت‌های صنعتی آب بر رعایت الزامات زیست‌محیطی و پدافند در استقرار فعالیت‌ها. افزایش تولیدات سبز و نوین. توسعه صنایع و مراکز دارای فناوری بالا.	توسعه و گسترش صنعت در بخش شرقی با رویکرد صنایع ماشینی و مکانیکی در شهرستان‌های کنگاور و صحنه. توسعه صنایع سبز و پیشرفته در شهرستان پاوه توسعه صنایع فراوری کننده در شهرستان روانسر، کرد گرب، سرپل ذهاب. توسعه زیرساخت‌های تولید انرژی نو در ثلاث باباجانی، سرپل ذهاب، قصر شیرین و سومار.
خدمات برتر	ارتقای جایگاه گردشگری همسو با اصول توسعه پایدار. توسعه الگوهای چند مرکزی. ارائه خدمات برتر در حوزه‌های آموزشی، سلامت، فنی و مالی. تقویت زیست‌پذیری و تاب‌آوری نواحی شهری. ارائه خدمات پشتیبان تولید.	تعادل بخشی در توزیع فضایی مراکز خدماتی. ایجاد مراکز عمده و فرعی ارائه‌دهنده خدمات در سطح استان با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته. توسعه مراکز گردشگری و اکوتوریسم با توجه به ظرفیت تحمل محیط زیستی. ایجاد مراکز ارائه‌دهنده خدمات پشتیبان تولید. ارائه خدمات برتر منطقه در شهر کرمانشاه.	گسترش فعالیت‌های گردشگری طبیعی، روستایی، تاریخی و مذهبی و ورزشی. توسعه خدمات برتر (فوق تخصصی) در مرکز استان. توسعه خدمات سطح سوم و استانی در شهرستان‌های پاوه، جوانرود، ثلاث، سرپل ذهاب و قصر شیرین. گسترش خدمات تخصصی در شهرستان پاوه، سرپل ذهاب، اسلام‌آباد.

مأخذ: مطالعات آمایش استان کرمانشاه، فصل ششم، بخش دوم، تبیین چشم‌انداز و طراحی سناریوی توسعه فضایی استان، تدوین راهبردهای توسعه استان.

نتیجه‌گیری

صدها ساله اقوام، فرهنگ‌ها و مذاهب است. راه حل نهایی مشکلات کرمانشاه و کشور، در تصمیم به ایجاد تحول در راستای منافع مردم کرمانشاه، جمع طبیعت، صنعت، فرهنگ، مذهب و تمدن است. لازم است جنگل‌های بلوط و طبیعت زیبای اورامان برای نسل‌های آینده ایران، حفظ شود. اصلاح الگوی کشت و ایجاد تعاونی‌های کشاورزی با استفاده از تکنولوژی‌های نوین، یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های دولت مردمی برای تقویت بخش کشاورزی روستایی و حفظ منابع آبی کشور است. زنجیره‌های ارزش اشتغال و صنایع تکمیلی صنعت و کشاورزی، برای استان، اشتغال و رفاه به ارمغان خواهد آورد.

کرمانشاه با خطوط ریلی پر سرعت به چهار راه تجاری، صادراتی و گردشگری کشور، تبدیل خواهد شد.

-کرمانشاه به عنوان سینه ستبر ایران، در تمامی ادوار همواره در خط مقدم دفاع از آب و خاک کشور بوده است، تقدیم ۲۹۰۰۰ شهید و جانباز در طی دفاع مقدس، سندی از فداکاری این استان، برای ایران اسلامی است.

- اقلیم این استان نیز، دارای مشخصات قابل تأملی به لحاظ مؤلفه‌های اقتصادی است، نظیر موقعیت جغرافیایی مناسب و برخورداری از امتیاز مرز جهت توسعه تجارت و صنعت، مواهب طبیعی فراوان که می‌تواند زمینه ساز توسعه صنعت کشاورزی و صنایع تبدیلی باشد و همچنین تاریخ غنی و جاذبه‌های زیست محیطی منحصر به فرد که امکان ایجاد تحرک در اقتصاد گردشگری را فراهم می‌آورد.

- ظرفیت اصلی کرمانشاه، جوانان و مردم کرمانشاه هستند. مردمی که برآمده از تنوع فرهنگی زیبا حاصل همزیستی

حکمرانی پیشرو در توسعه سواحل و جزایر



دکتر داود فیض

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان سمنان

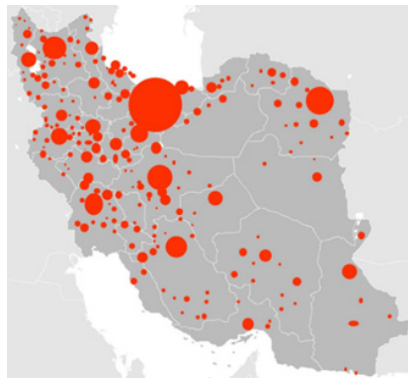


دکتر محمد مونسان

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی استان سمنان،
هیئت علمی دانشگاه صنعتی شاهرود

(شکل ۱)، مشاهده می‌شود که نیمه شرقی و جنوبی کشور، در مقایسه با قسمت شمالی و غربی، تقریباً خالی از سکنه و شاخص-های توسعه کمتری دارد و در مساحت عظیمی از نیمه شرقی کشور، هیچ شهر یا حتی روستایی وجود ندارد. یکی از علل آن، بیابانی و کم آب بودن این مناطق ذکر می‌شود، اما معضل اصلی، دسترسی جاده‌ای بسیار دشوار و غیرایمن به این مناطق است؛ به همین دلیل است که نیمه شرقی کشور، سه مزیت بزرگ برای توسعه را هرگز نتوانسته استفاده کند: ۱- وجود سواحل مکران در جنوب این مناطق؛ برای جذب گردشگر به سمت سواحل اقیانوسی جذاب و زیبا ۲- وجود شهر مشهد (در شمال این منطقه) به عنوان قطب بزرگ گردشگری شمال شرق کشور. (با ۲۵ میلیون نفر مسافر و گردشگر داخلی و خارجی در سال) ۳- عامل ارتباط کشورهای محصور در خشکی مانند افغانستان و ترکمنستان و کشورهای آسیای میانه با اقیانوس به عنوان مکمل تردد گردشگری خارجی و بخش مهمی از کریدور شمال-جنوب، صرفاً بهره‌برداری از این سه مزیت ذاتی، می‌توانست اقتصاد، جمعیت و امنیت مناطق شرقی کشور را به طور کلی متحول کند

ایران، ۱۸ امین کشور پهناور دنیا است که از اقلیم چهار فصل برخوردار است. تفاوت اقلیمی در مناطق مختلف کشور سبب شده است که برخی از مناطق به طور تاریخی خالی از جمعیت باشد، مانند مناطق بیابانی و نیمه بیابانی و همچنین مناطقی که از مرکز کشور دور بودند. (مانند سواحل جنوبی کشور) اصولاً سیاستمداران امروز دنیا تلاش می‌کنند، الگویی از توسعه را در کشور خود پیاده کنند که هیچ منطقه‌ای از کشور، متروکه و خالی از سکنه نباشد. همچنین از ایجاد اختلاف فاحش نقاط مختلف کشور در شاخص‌های توسعه هر منطقه (مانند توسعه انسانی، آموزش، امید به زندگی، تولید سرانه، زیرساخت‌های حمل و نقل مانند راه آهن، آزادراه، بزرگراه، بندر و فرودگاه‌ها) متفاوت است. با نگاهی به نقشه جمعیتی و تراکم شهرهای کشور و نقشه توزیع شاخص‌های توسعه در سطح کشور

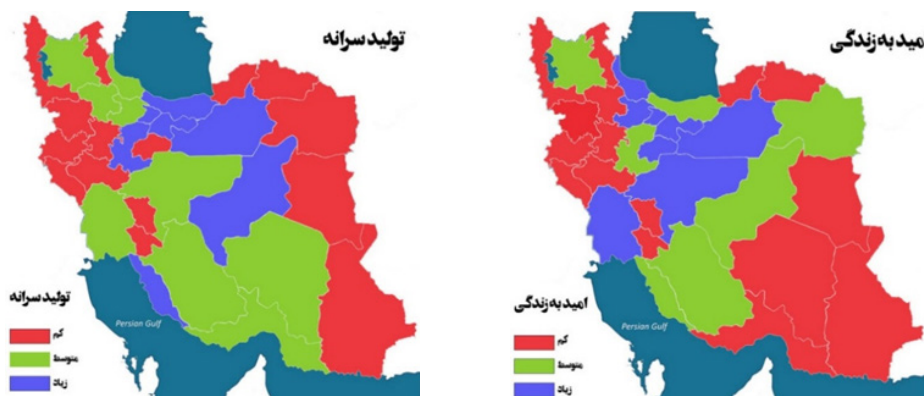


۱- توزیع جمعیت در کشور- سواحل مکران و نیمه شرقی کشور تقریباً خالی از سکنه



۲- توزیع شاخص‌های توسعه در کشور- نیمه شرقی کشور جزء بدترین وضعیت‌ها در سطح کشور





۲- توزیع شاخص های توسعه در کشور- نیمه شرقی کشور جزء بدترین وضعیت ها در سطح کشور

شکل ۱: توزیع جمعیت و شاخص های توسعه در سطح کشور



شکل ۲: وضعیت فعلی نقشه آزادراهی کشور. هیچ آزادراهی فعلا در نیمه شرقی کشور وجود ندارد!



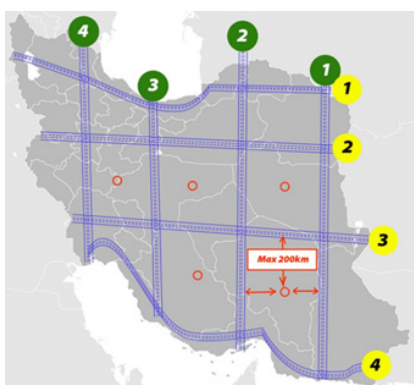
شکل ۳: نقشه توزیع بزرگراه های کشور آلمان

در شکل ۴ منظور از شبکه آزادراهی به طور شماتیک نشان داده شده است، به طوریکه در این شبکه، در تمام امتداد سواحل جنوبی و شمالی، آزادراه وجود دارد و تمامی بنادر ایران، از طریق آزادراه به یکدیگر و به نقاط مرزی متصل می‌شوند. همچنین، این شبکه آزادراهی، سبب می‌شود که

شبکه آزادراهی کشور؛ تحقق یک ضرورت فراموش شده برای بهبود آمایش سرزمین

متأسفانه در نقشه آزادراهی فعلی کشور، اولویتی برای دسترسی به بنادر مهم ایران و سواحل مکران و نیمه شرقی کشور دیده نمی‌شود. نقشه شکل ۲، آخرین نقشه آزادراهی کشور است. در نیمه شرقی کشور، تقریباً هیچ آزادراهی وجود ندارد و حتی در برنامه های ۲۰ سال آینده وزارت راه و شهرسازی نیز، هیچ آزادراهی در امتداد سواحل مکران و برای اتصال آزادراهی بنادر مهمی مانند چابهار و جاسک به مرکز کشور و مناطق مرزی شمال کشور، وجود ندارد! یعنی اینکه دسترسی فعلی جاده ای به شرق و جنوب شرقی کشور، همچنان خطرناک، غیرایمن، سخت و طولانی بوده و خواهد بود. متأسفانه توزیع امکانات زیرساختی در کشور، در چند دهه گذشته و حتی از قبل انقلاب، متوازن و با هدف احیای مناطق شرقی و سواحل جنوبی نبوده است که یکی از نمودهای آن، نقشه آزادراهی کشور است که اغلب در نیمه غربی و شمالی کشور متمرکز شده اند. تنها امید، برای جبران این عقب افتادگی های تاریخی، لحاظ شدن اولویت احیای سواحل مکران و جهش درآمد ترانزیتی ایران در اسناد بالادستی مانند سند آمایش سرزمین در چشم انداز ۲۵ ساله (تا سال ۱۴۲۴) و سند توسعه دریامحور است. شاید، یکی از پرمعنی ترین تفاوت های آمایش سرزمین در کشورهای توسعه یافته با سایر کشورها را در نقشه شکل ۳ مشاهده کرد. در این شکل، توزیع بزرگراه های کشور آلمان مشاهده می‌گردد که به روشنی نشان می‌دهد که بزرگراه های آلمان به طور عمده ای در سطح کل کشور توزیع شده اند و حتی تفاوت های ایجاد شده در زمان تجزیه آلمان به آلمان شرقی و آلمان غربی، پس از فروپاشی شوروی به سرعت مرتفع گردید، البته ذکر این نکته مهم است که مساحت کشور آلمان یک پنجم مساحت ایران است و آب و هوای مناطق مختلف آن تقریباً یکسان است، اما شرایط کنونی، عدم توازن در زیرساخت های حمل و نقلی در ایران با هیچ معیاری از آمایش سرزمین، سازگاری ندارد.

که ایران نتواند در استفاده از بهترین فرصت خود، برای شتاب دادن به «توسعه دریامحور» از طریق این «گنج پنهان» توفیق چندانی داشته باشد. طبق استاندارد رایج کشورهای پیشرفته، در هر ۱۰۰ کیلومتر ساحل، حداقل ۱ میلیون نفر می تواند مستقر شود؛ یعنی در سواحل ۸۵۰ کیلومتری مکران، حداقل ظرفیت پذیرش ۸ میلیون نفر وجود دارد و هم اکنون مقامات ایرانی از برنامه ریزی برای سکونت دادن ۵ میلیون نفر در این سواحل؛ سخن می گویند. شاید این حیرت انگیز باشد که هم اکنون در خط ساحلی مکران، حدود ۸۰۰ هزار نفر ساکن هستند (بندرعباس ۵۳۰ هزار، چابهار ۲۱۰ هزار، جاسک ۴۵ هزار و سایر روستاها ۴۰ هزار نفر). از طرفی، با توجه به مشکلات خشکسالی در ایران، سیاستگذاری برای انتقال جمعیت به سوی سواحل، معقولانه ترین راه ممکن است.



شکل ۴: نقشه شماتیک از شبکه آزادراهی ایده آل کشور

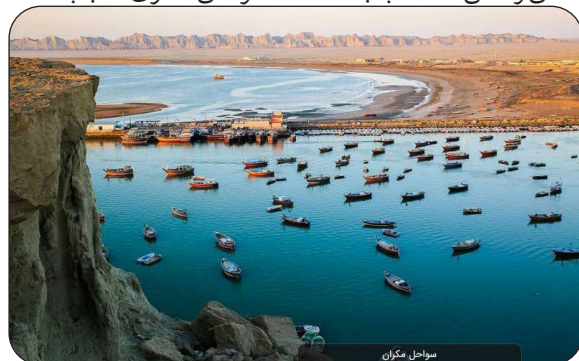


شکل ۵: نقشه فعلی از سه مسیر دسترسی جاسک تا مشهد

عدم توسعه متوازن و همگن، نگرانی های امنیتی جدی را در کشور ایجاد کرده است. مانند مسئله شعارهای جدایی طلبانه منطقه سیستان ایران و دامن زدن به تفرقه میان شیعه و سنی که عموماً برخاسته از معضلات حاد معیشتی و محرومیت است. مناطقی که کم جمعیت بوده و از طرفی اگر سطح معیشت پایینی داشته باشند، محل مناسبی برای تبلیغات گروه های جدایی طلب و اشرار هستند که اتحاد دیرینه بین برادران اهل تسنن را با شیعیان تخریب کنند. به طور کلی، مناطق مرزی که خالی از جمعیت باشد، به صورت خودکار، محل تجمع اشرار و گروهک ها می شود. بنابراین از دیدگاه امنیتی هم چاره ای جز تمرکز بیشتر جمعیت در مناطق شرقی و سواحل مکران نیست. از دید تسلط دشمن خارجی نیز، این موضوع بسیار اهمیت دارد. وقتی

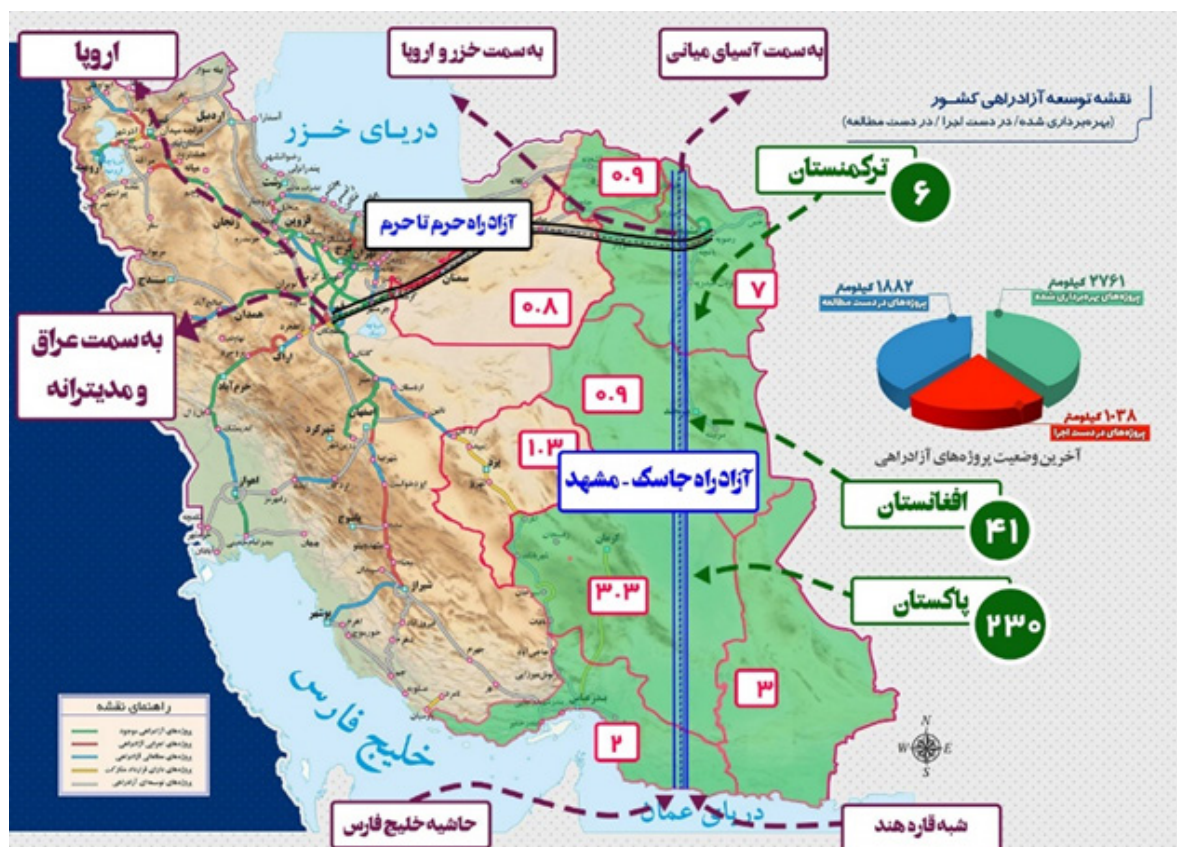
از هر نقطه دلخواه ایران، بتوان با طی یک مسافت حداکثر ۲۰۰ کیلومتری، خود را به شبکه آزادراهی کشور رسانید. در چشم انداز ۲۵ ساله طرح آمایش سرزمین، حتماً باید شبکه آزادراهی کشور محقق شود و برای افزایش درآمد ترانزیت بایستی، تمامی بنادر مهم ایران از طریق آزادراه و راه آهن به یکدیگر و به پایانه های مرزی متصل باشند. در اینصورت، درآمد ترانزیت کالا از کشور چند برابر شده و حذف ایران از کریدورهای شرق به غرب و کریدورهای شمال- جنوب، غیرممکن خواهد شد. علاوه بر اینکه درآمد گردشگری مناطق شرقی و سواحل جنوبی نیز متوازن تر و عادلانه تر خواهد شد؛ چراکه اتومبیل های شخصی با سهولت بیشتری می توانند به این مناطق، دسترسی داشته باشند.

• آزادراه جاسک- مشهد؛ احیاکننده نیمه شرقی کشور
هم اکنون سه مسیر مختلف از جاسک (در میانه طول سواحل مکران) به سمت مشهد وجود دارد (شکل ۵) که طولی در حدود ۱۶۰۰-۱۷۰۰ کیلومتر دارد و به دلیل نامناسب و پریچ و خم بودن این مسیر، طول مسافت پیوسته و بدون توقف در آن در حدود ۲۰ ساعت است. از مزایای احداث آزادراه در این مناطق، این است که اغلب زمین های این بلامعارض بوده و برای تملک آنها نیاز به خرید زمین از مالکان حقیقی و حقوقی نیست. همچنین با اتصال این آزادراه به بندر چابهار و برخی شهرهای مرزی از قبیل دوغان، سرخس و باجگیران، اهمیت بین المللی و ترانزیتی این آزادراه افزایش چشمگیری یافته و توجه اقتصادی آن را افزایش می دهد، به گونه ای که می توان انتظار داشت بازگشت سرمایه از طریق دریافت عوارض تردد در مدت کمتر از ۵ سال محقق شود. در واقع این آزادراه، مسیر مسافرت های توریستی و تجاری از کشورهای افغانستان، ترکمنستان، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان و روسیه را به سمت سواحل مکران و سایر شهرهای ایران تسهیل می کند. هرگز نمی توان شعار توسعه یک منطقه را سرداد در حالیکه جاده های دسترسی به آن منطقه بسیار ناهموار، طولانی، پرخطر، غیر امن و بدون پشتیبانی هستند. اگر آزادراه حرم تا حرم (قم تا مشهد) تکمیل شود، این آزادراه می تواند از جاسک به یکی از شهرهای واقع در مسیر این آزادراه مانند نیشابور یا سبزوار متصل شود که هم منجر به کاهش طول آزادراه و کاهش سرمایه گذاری مورد نیاز می گردد و هم می تواند راه دسترسی مسافران عبوری از شمال به سمت جنوب کشور (یا برعکس) و شرق به غرب (و برعکس) را تسهیل کند. همچنین عدم وجود زیرساخت حمل و نقلی مناسب به سمت سواحل مکران، سبب شده



مرزها و سواحل یک کشور خالی از سکنه باشند، اشغال و پیشروی به سمت مرکز کشور بسیار ساده تر خواهد بود، در حالی که ساکنین این مناطق، خود به عنوان اولین سد در برابر دشمن خارجی هستند. تجربه تلخ اشغال سریع ایران در جنگ جهانی هرگز از یاد نمی رود. آزادراه جاسک-مشهد، از چند جهت سبب افزایش امنیت در این منطقه می شود: ۱- افزایش تردد جاده ای ۲- افزایش حضور پلیس راهنمایی و پاسگاه های متعدد بین راهی ۳- افزایش شهرها و روستاهای جدید، در اطراف آزادراه و افزایش جمعیت ۴- افزایش اشتغال و درآمد و ارتقاء سطح معیشت مردم بومی مناطق شرقی که به خودی خود، سبب کاهش بزهکاری، قاچاق و کاهش مقبولیت گروه های جدایی طلب می گردد. نباید کل تمرکز توسعه و سرمایه گذاری در سواحل مکران، صرفا بر چابهار باشد؛ چون قطعاً سبب آبادانی یک نقطه و رهایی طول سواحل مکران می شود که از دیدگاه آمایش سرزمین، کاملاً مردود است. در حد فاصل بین بندرعباس و چابهار، باید حتماً چند شهر بزرگ با امکانات کامل و دسترسی جاده ای مناسب و سریع وجود داشته باشد. مانند بندر جاسک. نباید فاصله ۸۰۰ کیلومتری بین بندرعباس و چابهار بدون حتی یک شهر آباد و بزرگ رها شود. دلایل زیر را می توان برای ضرورت این امر برشمرد: ۱- دسترسی به سواحل مکران، برای کسانی که قصد سفر به این مناطق را داشته باشند، نزدیکتر و راحت تر خواهد شد. چابهار، در منتهی الیه شرقی سواحل مکران بوده و نسبت به جاسک، دورتر از مرکز ایران است. ۲- چابهار، به دلیل مجاورت با مرز پاکستان، همچنان در معرض برخی تهدیدات

امنیتی است. توسعه یک شهر در وسط سواحل مکران، با فاصله حدود ۴۵۰ کیلومتری از مرز پاکستان، امنیت بیشتری را برای تردد جاده ای و گردشگری به ارمغان می آورد. در کل طول مسیر آزادراه جاسک-مشهد نیز، حداقل فاصله ۲۰۰ کیلومتری از مرز پاکستان و افغانستان رعایت می گردد. ۳- چابهار، به دلیل احداث طرح های توسعه ای عظیم، مانند بندر شهید بهشتی و طرح های متعدد پتروشیمی و شیلات، به اندازه کافی توسعه خواهد یافت و نگرانی از جهت توسعه چابهار وجود ندارد. ۴- مسیر راه آهن در دست احداث چابهار-مشهد-سرخس به اندازه کافی در احیای مناطق اطراف چابهار مؤثر خواهد بود؛ لذا فرصت آزادراه را باید برای شهرهای دیگر نیز در نظر گرفت که یک حالت ایده آل و مطلوب از نظر آمایش سرزمین است. ضمن اینکه، امکان اتصال این آزادراه به چابهار و بندرعباس (موازی با سواحل مکران) نیز وجود دارد. موقعیت شماتیک آزادراه جاسک-مشهد و جمعیت استان ها و کشورهای مجاور آن در شکل ۶ نشان داده شده است. حدود ۲۰ میلیون نفر از جمعیت ایران و حدود ۲۸۰ میلیون نفر از کشورهای همسایه شرقی (مجموعاً ۳۰۰ میلیون نفر) در مجاورت این آزادراه قرار دارند که مسلماً این جمعیت، در آینده افزایش بیشتری خواهد داشت. ظرفیت ترافیکی سالیانه این آزادراه، می تواند به تردد ۲۰-۱۵ میلیون نفر مسافر و گردشگر و تردد ۲۵-۱۵ میلیون وسیله نقلیه (سواری، تریلر، نفتکش و کامیون) در سال، برسد به گونه ای که ارتباط دهنده کشورهای شمالی محصور در خشکی با کشورهای همسایه ایران و شبه قاره هند و شرق آسیا باشد.



شکل ۶: جمعیت استان ها و کشورهای مجاور آن و موقعیت شماتیک آزادراه جاسک-مشهد



اقتصادی، امنیتی و سیاسی بزرگی را نیز به همراه داشت.

• ضرورت تغییر تقسیمات استانی جنوب کشور

عدم توسعه یافتگی استان‌ها و شهرهای ساحلی جنوب کشور در چند دهه اخیر، نشان از یک ضرورت فراموش شده به نام «ضرورت بازنگری در تقسیمات استانی جنوب کشور» دارد. معمولاً در استان‌هایی که مساحت زیادی دارند، مسئولین استانی، در بخش‌های مختلف آن، تمرکز کافی و یکسان ندارند و نیز بودجه اندک این استان‌ها نیز سبب عقب افتادگی بیشتر آنها می‌شود. تجربه موفق تقسیم استان‌های بزرگ یا پرجمعیت کشور به استان‌های کوچکتر، مفید بودن این کار را به اثبات رسانیده است. مانند تقسیم استان خراسان به سه استان و همچنین تشکیل استان‌های قم، قزوین و البرز. با توجه به مشکلات کم‌آبی در کشور در سال‌های اخیر، تقریباً همه مسئولین و کارشناسان به ضرورت انتقال جمعیت کشور به سمت سواحل، اتفاق نظر دارند، اما یکی از موانع بزرگ، همین تقسیمات نامناسب کشوری در سواحل جنوب است. باید تقسیمات استانی را طوری انجام داد که سهم هر استان، از سواحل جنوب کشور بیش از ۴۰۰ کیلومتر نباشد، تا بتوان تمرکز و رسیدگی مناسبی را از طرف مسئولین استانی انتظار داشت. به نظر می‌رسد، حداقل چهار تغییر زیر در تقسیمات استانی سواحل جنوبی بسیار ضروری و واجب است که محوریت آن کوچکتر کردن استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان است.

۱- تشکیل استان جزایر

تعداد ۳۶ جزیره ایرانی خلیج فارس در حوزه سیاسی، سه استان بوشهر، خوزستان و هرمزگان قرار دارند که بیش از نیمی از آنها غیرمسکونی هستند. جزایری هم که مسکونی هستند، اغلب دارای وضعیت معیشتی و اقتصادی بسیار نامناسب هستند؛ چراکه از پتانسیل‌های این جزایر، جهت رونق اقتصادی استفاده نمی‌شود. هم اکنون، جمعیت کل این جزایر حدود ۲۰۰ هزار نفر (کیش ۴۵ هزار و قشم ۱۵۰ هزار نفر و سایر جزایر ۵ هزار نفر) است. در یک برنامه‌ریزی فشرده می‌توان در کوتاه مدت، حداقل دو میلیون نفر و در بلند مدت بیش از ۵ میلیون نفر جمعیت در این جزایر مستقر نمود. ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، در جزایر به معنی مهاجرت ایرانیان به سمت جزایر است. برخی ظرفیت‌های مهم جزایر عبارتند از: جذابیت‌های تفریحی و توریستی (با توجه به طبیعت زیبای این جزایر و همچنین آثار تاریخی مانند جزیره هرمز)، بانکرینگ و سوخت‌رسانی به کشتی‌ها (با توجه به قرارگیری در مسیر تردد کشتی-های تجاری عبوری از خلیج فارس و کمترین فاصله تا این خطوط کشتیرانی)، صنایع دریایی (کشتی‌سازی، تعمیرات کشتی و فراساحل)، استقرار صنعت اوراق کشتی (با توجه به معضلات زیست‌محیطی کمتر در جزایر کوچک)، استقرار پایانه‌های جدید نفتی، مشابه جزیره خارک، مناطق آزاد اقتصادی (برای استقرار کارخانجات و صنایعی که نیازمند قطعات وارداتی بدون گمرک یا تردد متخصصین خارجی بدون ویزا هستند)، بنادر تجاری جدید (به خصوص در جزیره قشم

ارتباط جاده‌ای ایمن، سریع و ارزان می‌تواند علاوه بر مسیر جابجایی بار، مسیر توره‌های گردشگری کشورهای عضو شانگهای با کشورهای دیگر را فراهم کند. ایران، در مقایسه با بسیاری از کشورهای عضو شانگهای، توسعه یافته‌ترین شبکه راه آهن و بزرگراه را در منطقه دارد. آزادراه جاسک-مشهد، می‌تواند ارتباط مستقیم کشورهای این حوزه را با کشورهای همسایه ایران برقرار کند؛ چراکه نگاهی به نقشه کشورهای عضو نشان می‌دهد که اغلب آنها در شمال شرق ایران قرار گرفته‌اند و نقطه ورود آنها به ایران از آن منطقه است؛ لذا ورود آنها از طریق آزادراه جاسک-مشهد و سپس اتصال آن به شبکه آزادراهی ایران، می‌تواند تثبیت‌کننده موقعیت ایران به عنوان هاب منطقه‌ای ترانزیت بار و گردشگر باشد. کشورهای عضو شانگهای، هرساله بیش از ۴۰۰ میلیون نفر گردشگر به کشورهای دیگر می‌فرستند. به عنوان نمونه از هر ۱۰ گردشگر خارجی در دنیا، یک نفر آن چینی است. اگر ایران بخش کوچکی از ظرفیت گردشگری کشورهای عضو را به واسطه راه‌های جاده‌ای و ریلی مناسب جذب کند، اقتصاد ایران، به طور کلی، متحول خواهد شد، به خصوص مناطق شرقی ایران که به دلیل مجاورت بیشتر با کشورهای عضو شانگهای، بیشترین منفعت را خواهد برد. در ابتدای این آزادراه در مشهد در زمستان، دمای هوا برابر منفی ۵ درجه و در همان زمان در انتهای آزادراه در چابهار، دمای مطبوع، مثبت ۲۵ درجه برقرار است. تصور اختلاف دمای ۳۰ درجه‌ای در ابتدا و انتهای یک آزادراه، رؤیایی است که می‌تواند در فصول سرد ایران، مکران را به مقصد گردشگری خانواده‌های ایرانی و حتی کشورهای اوراسیا تبدیل کند. در چنین شرایطی، می‌توان امید داشت که سفر به سواحل جنوبی در سبب گردشگری خانواده‌های ایرانی جای گیرد و تجار و سرمایه‌گذاران نیز مشتاق تجارت با این مناطق، شوند. جمعیت استان‌ها در اطراف این آزادراه در حدود ۲۰ میلیون نفر است، اما جمعیت شهرها و روستاهای مجاور این آزادراه کمتر از ۲ میلیون نفر است؛ چراکه اغلب مناطق شرقی کشور خالی از سکنه و متروکه است. قابلیت‌های این بزرگراه برای ارائه خدمات مدرن بین‌راهی و لجستیکی در مسیر کریدورهای مهم متصل به این آزادراه، سبب خواهد شد شهرهای لجستیکی متعددی در مسیر این آزادراه شکل بگیرند. همچنین استفاده از ظرفیت گردشگران عبوری از مسیر، برای بازدید از جاذبه‌های گردشگری بومی این مناطق، منجر به احیای اقتصادی و جمعیتی این مناطق خواهد شد. می‌توان انتظار داشت که در هر ۱۰۰ کیلومتر از این آزادراه یک شهر با جمعیت کمتر از ۱۵۰ هزار نفر و هر ۳۰ کیلومتر، یک روستا با جمعیت ۵ هزار نفر شکل بگیرند که جمعیت ۲ میلیون نفری اطراف این آزادراه را حداقل به ۴ میلیون نفر افزایش می‌دهد. منابع آبی مورد نیاز این جمعیت نیز از منابع آبی محلی و همچنین پروژه‌های اجرا شده انتقال آب دریای عمان به فلات مرکزی ایران، قابل تأمین است. این افزایش امکانات و جمعیت، در نیمه شرقی کشور، در نهایت منجر به بهبود آمایش سرزمین و استفاده بهینه‌تر و عادلانه‌تر از پهنه مساحت کشور، خواهد شد که مزایای

و با توجه به ساخت پل خلیج فارس)، استفاده از معادن و منابع طبیعی، شیلات و صنایع وابسته (برای فرآوری سریعتر و نزدیکتر محصولات شیلاتی در کاخانجات مستقر در جزایر)، همچنین، اجرای طرح‌هایی مانند پل خلیج فارس که جزیره قشم را به خشکی متصل می‌کند، می‌تواند اقتصاد این جزایر را به طور کلی متحول نماید. تنها جزایری که هم اکنون از رونق اقتصادی نسبی و جمعیت مناسبی برخوردار هستند، جزایر قشم و کیش هستند. اگر از قابلیت‌های جزایر به خوبی استفاده شود، به تنهایی می‌توان بیش از کل بودجه کشور از همین جزایر درآمد داشت. دو مقایسه در اینجا می‌تواند مفید باشد. کل کشور سنگاپور یک جزیره به مساحت حدود ۷۰۰ کیلومتر مربع است، در حالی که مساحت جزیره قشم (به عنوان بزرگترین جزیره ایرانی خلیج فارس) به تنهایی برابر ۱۵۰۰ کیلومتر مربع است؛ یعنی بیش از دو برابر مساحت کشور سنگاپور. این در حالی است که بودجه سالیانه کشور سنگاپور ۴۳ میلیارد دلار و کل بودجه ایران ۸۰ میلیارد دلار (با احتساب بیش از نیمی از این بودجه از فروش نفت و گاز) است. یک جزیره کوچک که مساحت آن، کمتر از نیمی از مساحت جزیره قشم است، معادل نیمی از کل بودجه ایران یا برابر کل درآمد غیرنفتی ایران در سال درآمد دارد. این ارقام، نشان می‌دهند که اگر ما فقط از ظرفیت‌های جزایر ایران، به خوبی استفاده کنیم، معادل چند برابر درآمدهای نفتی می‌توانیم درآمد کسب کنیم. جزیره قشم به تنهایی بزرگتر از ۲۲ کشور جهان است. یکی از علل عدم تمرکز بر جزایر ایرانی این است که این جزایر، جزء استان‌هایی هستند که دارای وسعت بسیار زیاد و بودجه کم هستند؛ طبیعتاً توجه به جزایر در اولویت‌های آخر این استان‌ها قرار می‌گیرد. استان هرمزگان به تنهایی حدود ۸۵۰ کیلومتر خط ساحلی دارد که با احتساب جزایر، به تنهایی حدود ۵۰ درصد از سواحل جنوب کشور را در اختیار دارد که شامل ۱۴ جزیره مهم ایران در خلیج فارس است. آیا معقول و منطقی است؟ برای توسعه پایدار، باید از ظرفیت‌های بومی هر منطقه، استفاده کرد و این مهم، مستلزم شناخت کامل جزایر و تمرکز و برنامه ریزی جداگانه برای هر جزیره است. در استان‌های وسیع، مدیران استانی و فرمانداری‌ها، تمرکز کمی بر جزایر دارند و جزء اولویت‌های برتر آنها نیست؛ لذا در طول دهه‌های گذشته، هرگز از ظرفیت‌های بزرگ جزایر ایران به درستی استفاده نشده است. این در حالی است که کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، اقدام به خشک کردن دریا و احداث جزایر مصنوعی می‌نمایند. در سال‌های اخیر با توجه به گرمایش کره زمین و موقعیت جغرافیایی ایران، کشورمان با مشکل حاد خشکسالی و کم‌آبی مواجه شده است که احتمالاً این مشکل برای سال‌ها و دهه‌های آتی، حادث‌تر و وسیع‌تر خواهد شد. در چنین شرایطی و در چنین کشوری، وجود جزایر موهبت الهی و فرصت بی نظیر است؛ چراکه با استقرار جمعیت بیشتر در این جزایر و استفاده از کارخانجات آب شیرین‌کن، می‌توان به منابع بدون پایانی از آب شیرین دست یافت. جزایر ایران، می‌توانند بزرگترین شانس ایران در مبارزه با خشکسالی باشند. برای

فعال سازی «اقتصاد دریا محور»، اولین و مهمترین گام، تغییر تقسیم بندی استان های جنوبی است. این استان، می‌تواند «استان جزایر» نام گیرد و مرکز آن در قشم یا کیش باشد.

۲- تشکیل استان مکران شرقی

سیستان و بلوچستان، استان فقیر و محروم با بودجه سالیانه اندک است، درحالی که دومین استان وسیع کشور با مساحت ۱۸۰ هزار مترمربع (۱۱ درصد مساحت ایران) است. (در مقایسه با مساحت ۱۳ هزارمترمربعی تهران، ۱۱ هزار مترمربعی قم، ۵ هزارمترمربعی البرز و ۱۵ هزارمترمربعی قزوین). این استان، دارای ۳۰۰ کیلومتر ساحل بوده و فاصله شمال تا جنوب آن ۹۰۰ کیلومتر است. توجه شود که در سال ۹۷ بودجه استان سیستان و بلوچستان ۲/۵ هزار میلیارد تومان، البرز ۷/۴ هزار میلیارد تومان و قزوین ۱ هزار میلیارد تومان بوده است که هیچ تناسبی با وسعت استان‌ها ندارد. لذا کوچکتر شدن استان سیستان و بلوچستان به دو یا سه استان سبب می‌شود، این استان دو یا سه بودجه مجزا دریافت کند. پیشنهاد می‌شود قسمت جنوبی این استان به یک استان مجزا (مکران شرقی) با مرکزیت چابهار و طول سواحل ۳۰۰ کیلومتر تبدیل شود.

۳- تشکیل استان مکران غربی

وسعت زیاد طول سواحل و جزایر متعدد استان هرمزگان، یکی از عوامل عقب افتادگی سواحل کشور است. پیشنهاد می‌شود قسمت شرقی استان هرمزگان، با طول ساحل حدود ۳۰۰ کیلومتر، به استان مستقل به نام «استان مکران غربی» با مرکزیت جاسک، تبدیل گردد. به این ترتیب، طول سواحل استان هرمزگان نیز، با جدا شدن این قسمت و جدا شدن جزایر، از ۸۵۰ کیلومتر به حدود ۴۰۰ کیلومتر خواهد رسید. قطعاً این تقسیم بندی بر تمرکز بیشتر استانداران و فرمانداران بر توسعه سواحل مکران و فقرزدایی از این مناطق بسیار مؤثر خواهد بود و شرایط را برای اسکان ۵-۸ میلیون نفر در کوتاه مدت (۷-۵ ساله) و ۲۰-۱۵ میلیون نفر در میان مدت (۱۵-۸ ساله) در سواحل مکران فراهم می‌آورد.

۴- اتصال استان فارس به دریا

مطابق مصوبه دولت یازدهم، مقرر گردیده بود که استان فارس نیز، با واگذاری چند روستا از استان هرمزگان، تنها به اندازه ۶ کیلومتر به دریا متصل گردد. این ۶ کیلومتر به دلیل مخالفت‌ها در استان هرمزگان، هنوز عملی نشده است درحالی‌که باید حداقل ۱۰۰ کیلومتر از استان هرمزگان و بوشهر کاسته و به استان فارس افزوده می‌شد. لازمه چنین تغییراتی این است که ابتدا مردم محلی از منافع این تقسیمات مطلع شوند و متوجه باشند که با تقسیمات استانی فعلی، همچنان در فقر و محرومیت خواهند ماند. استان فارس، یکی از استان‌های توریست پذیر کشور، با درآمد استانی بالا است که این الحاق، می‌تواند سهم آنها را از بودجه استان فارس ارتقاء داده و محرومیت زدایی از این مناطق را به دنبال داشته باشد. موارد اخیر در شکل ۷ نشان داده شده است.



۱- نقشه راه آهن کشور عربستان



۲- نقشه راه آهن کشور آلمان

شکل ۹: مقایسه نقشه توزیع راه آهن در عربستان و آلمان؛ مبنایی برای مقایسه توسعه یافتگی

انتقال داده شوند.

۱۳- بایستی در اشتغالزایی و جذب نیرو در این مناطق، مردم بومی در اولویت باشند تا به مرور فقر و محرومیت، دور شود. ۱۴- جای خالی کارخانجات بزرگ تعمیرات کشتی‌های تجاری و نظامی در سواحل مکران، به شدت آشکار است. زمانی که در یک منطقه قرار است، بندر بزرگ برای تردد و پهلوگیری کشتی‌های بزرگ اقیانوس پیما، احداث شود بایستی حتما در مجاورت آن، یک کارخانه بزرگ برای تعمیرات کشتی‌ها وجود داشته باشد. اگر یک کشتی در چابهار دچار خرابی یا سانحه شود، باید فاصله ۸۰۰ کیلومتری تا کارخانجات بندرعباس را طی کند که این اصلا منطقی و عملی نیست. تعمیر و ساخت کشتی در سواحل مکران، ضرورتی است که اگر امروز فهمیده نشود شاید فردا جبران آن خیلی مشکل باشد؛ چراکه طراحی و ساخت و تجهیز یک کارخانه کشتی‌سازی دارای داک خشک ممکن است نزدیک به یک دهه یا بیشتر زمان ببرد. احداث دو کارخانه در دو محل چابهار و جاسک، به توسعه متوازن سواحل مکران کمک کند.

۱۵- استقرار پایگاه‌های نیروی دریایی ارتش و سپاه، کمک شایانی به توسعه این مناطق کرده و خواهد کرد ازجمله: افزایش امنیت، ناشی از حضور بیشتر نظامیان در آن مناطق، استقرار خدمه و خانواده پرسنل، تمرکز بخشی از بودجه-های نظامی، به منظور ایجاد تأسیسات نظامی جدید در این مناطق و استفاده از ماشین آلات راه سازی نظامی و سایر تجهیزات مربوطه در امور عمرانی، به خصوص، برای نیروی دریایی ارتش، که حضور پررنگ تری در این مناطق دارد.

۱۶- سواحل مکران با توجه به دسترسی به آب‌های اقیانوسی می‌تواند به مرکز شیلات ایران تبدیل شود. روش‌های نوین پرورش ماهی و میگو در قفس، در صورت تشویق و هدایت سرمایه‌گذاران به این مناطق، می‌تواند از جمله اشتغال آفرین‌ترین حرفه‌های بومی این مناطق باشد. احداث بندر تخصصی صیادی و شیلات، شامل احداث سردخانه‌ها و کارخانجات فرآوری از ضرورت‌های این مورد است.

۱۷- سواحل مکران، می‌تواند قطب انرژی‌های تجدید پذیر (خورشیدی، باد و امواج دریا) کشور باشد. با توجه به

۶- اصول پدافند غیرعامل، باید در کلیه تأسیسات در حال اجرا در این مناطق، به طور کامل، رعایت گردد.

۷- باید موفق‌ترین و خوش‌فکرترین مدیران کشور را که در استان‌های بزرگ و پرجمعیت کشور مسئولیت داشته و بازدهی عالی داشته‌اند را در این مناطق به خدمت گرفت. ۸- تشکیل جلسات هیئت دولت، حداقل ۴ مرتبه در سال، در مناطق مکران (و نه صرفا چابهار)، می‌تواند روحیه بخش مدیران محلی این مناطق، برای کار و پیگیری بیشتر باشد و نگاه مسئولین و مدیران کشور را به سوی مکران بچرخاند. ۹- تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری در سواحل مکران و اطلاع‌رسانی عمومی به مردم و بخش خصوصی: برای تشویق سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، به حضور در پروژه‌های مکران، باید طرح‌های اولویت‌دار تعیین و مصوب شوند و بر روی یک سایت اینترنتی با عنوان «فرصت‌های سرمایه‌گذاری مکران» اعلام شوند، به گونه‌ای که سرمایه‌گذاران، به راحتی بتوانند فرصت‌های موجود را بررسی کرده و کار احداث را فوراً شروع کنند و معطل‌آخذ مجوزها و بروکراسی اداری نشوند.

۲- اشتغالزایی و تمرکز جمعیت در سواحل مکران

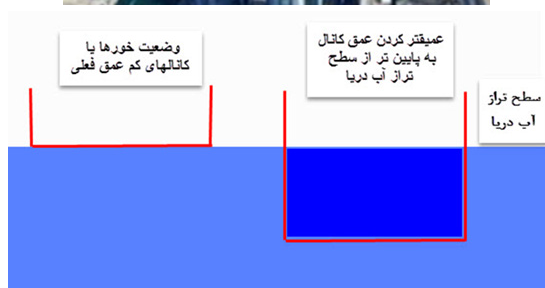
هم اکنون کمتر از یک درصد جمعیت کشور در سواحل مکران مستقر هستند، در حالی که در یک کشور بیابانی، خشک و کم‌آب مانند ایران، باید قسمت عمده جمعیت در سواحل، مستقر باشند. موارد زیر در این زمینه می‌تواند مفید باشد.

۱۰- صنایع دریایی، محور اصلی ایجاد اشتغال در این مناطق است. برای سکونت دادن دائمی جمعیت در یک منطقه، باید اشتغال دائمی و بومی متناسب با آن منطقه ایجاد کرد. از جمله صنایع و خدمات بندری، کارخانجات کشتی-سازی و تعمیرات و اوراق کشتی، کارخانجات شیلات، صنعت توریسم دریایی و غیره. بدون توجه به صنایع دریایی، توسعه این مناطق، موقتی و غیرقابل اتکا است.

۱۱- ترغیب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، به مناطق دور افتاده مکران و ایجاد اشتغال با تسهیلات مالی ویژه‌ای توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی برای این مناطق.

۱۲- باید برخی سازمان‌ها و ادارات و حتی وزارتخانه‌ها که بیشترین ارتباط با سواحل را دارند، بالاجبار به سواحل،

شرجی اغلب مناطق جنوبی، باید امکان «گردشگری شبانه» فراهم شود چراکه در این مناطق، به دلیل گرمای شدید هوا، مردم عموماً بعد از ظهر و شب برای تفریح از منزل خارج می شوند (شکل ۱۰).



شکل ۱۰: کانالهای آب عاملی برای رونق گردشگری در شب در مناطق گرم و شرجی جنوبی هستند

۲۵- برای بهبود حمل و نقل مسافری در طول سواحل مکران و تا زمان کامل شدن راه آهن و اتوبان ها در این مناطق باید در یک بازه زمانی ۱۰ ساله، تردد اتومبیل های خارجی پلاک موقت در طول سواحل مکران (از شرق شهر بندرعباس تا چابهار) و تا عمق ۶۰ کیلومتری داخل کشور، مجاز شود. این راه حل ساده و سریع الاجرا، برای کاهش دشواری های سفر زمینی در طول سواحل مکران است.

۲۶- ارائه تسهیلات ادارات دولتی به کارمندان خود برای سفر به سواحل مکران.

۲۷- ایجاد مناطق آزاد، به منظور خرید راحت تر مردم از این مناطق، که مهمترین جاذبه گردشگری برای خانواده های ایرانی محسوب می گردد.

۲۸- ساماندهی تیم های ساحل گردی و طبیعت گردی در این مناطق.

۲۹- ساماندهی سفرهای دریایی ۵-۴ روزه بدون ویزا از سواحل مکران به سواحل عمان از طریق سفر دریایی، با توجه به تمایل مسئولین به توسعه گردشگری به کشور عمان، می تواند جذابیت های خاصی ایجاد کند.

۳۰- ارائه معافیت های مالیاتی به بلیط های هواپیما به سمت این مناطق در ایام عید به صورت هدفمند به آژانس های مسافرتی.

۳۱- استفاده از امکانات نیروی دریایی ارتش و سپاه برای ایجاد جاذبه های گردشگری در بازه زمانی نوروز و تعطیلات زمستانه. مانند بازدید عموم از بخش های مجاز فضای داخلی یک ناو (به خصوص ناو جماران، به عنوان سمبل تولید داخلی)، ایجاد گشت دریایی ارزان قیمت (تا قبل از استقرار کشتی های توریستی بخش خصوصی)، نمایشگاه تجهیزات

شدت بالای تابش خورشید در این مناطق، نصب پنل های خورشیدی برای تولید برق، بسیار مقرون به صرفه خواهد بود. همچنین با توجه به امواج شدید اقیانوسی در سواحل مکران، تولید برق از امواج و جزرو مد نیز می تواند با تشویق سرمایه گذاری بخش خصوصی، رونق بگیرد.

۱۸- احداث «کارخانجات آب شیرین کن هسته ای» که از وعده های قدیمی رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی و دولتمردان به مردم سواحل چابهار است، می تواند یک نمونه عالی از استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای باشد. برای تمرکز ۵ میلیون نفر در این مناطق، نیاز به آب شیرین احساس می شود. با توجه به دسترسی به آب های غیرمحدود اقیانوسی، به راحتی می توان عظیم ترین پروژه های آب شیرین کن دنیا را در این منطقه ایجاد کرد. این دستگاه ها، آب شیرین را به منظور آب شرب و آب کشاورزی تأمین می کنند. سواحل مکران، با دسترسی مستقیم به آب های اقیانوسی، برای خنک کاری نیروگاه هسته ای می تواند، اولین گام پرافتخار در کارخانجات آب شیرین کن هسته ای در ایران باشد.

۱۹- قطب کشاورزی مدرن ایران: با توجه به اینکه در مناطق مکران، زمین مسطح و آب کافی موجود است، می توان بخش زیادی از اراضی این مناطق را تبدیل به زمین های زراعی نمود که به تنهایی بیش از ۱ میلیون شغل ایجاد می کند. باید از علوم نوین امروز مانند بیوتکنولوژی، نانو تکنولوژی و تکنولوژی هسته ای برای احیای کشاورزی در این مناطق استفاده کرد.

۲۰- توسعه طرح های پتروشیمی از درآمدزاترین صنایع مناطق مکران، می تواند باشد.

۲۱- مجبور کردن شرکت های بزرگ منتفع از سواحل به ایفای نقش مسئولیت اجتماعی.

۳- گردشگری ساحلی و دریایی؛ متحول کننده سواحل مکران

۲۲- تعطیلات زمستانه برای یک کشور عمدتاً بیابانی و گرمسیری، برای توزیع عادلانه تر و یکنواخت تر سفرهای تفریحی بین شهرهای مختلف، ضرورت حتمی است که باید پیگیری شود. متأسفانه به دلیل گرما و رطوبت شدید هوا در تابستان در مناطق جنوبی، رغبت چندانی برای سفر به مناطق جنوبی وجود ندارد و تنها فرصت کسب درآمد از گردشگری دریایی، عمدتاً زمان یک ماهه تعطیلات نوروز، است. این مسئله، سبب شده سرمایه گذاری های کلان توریستی در مناطق جنوبی توجیهی نداشته باشند؛ به همین دلیل به سختی می توان؛ در این مناطق حتی یک هتل مناسب پیدا کرد، اما اگر تعطیلات یک ماهه یا دو هفته ای زمستانه در ایران تصویب گردد، سفر به این مناطق همگن تر شده و توجیه اقتصادی و درآمدزایی طرح های گردشگری، بهتر خواهد شد. نقطه شروع تصویب تعطیلات زمستانه، می تواند درخواست نمایندگان مجلس در استان های جنوبی باشد.

۲۳- تبدیل خورها به کانال های آب قابل قایقرانی

۲۴- رونق دادن گردشگری در شب: در آب و هوای گرم و

و تسلیحات دریایی می‌تواند ایجاد کننده جاذبه‌های توریستی باشد. همچنین، فراهم کردن امکان بازدید عموم از اسکله‌ها و بنادر، می‌تواند از دیگر جاذبه‌ها باشد.

۳۲- برگزاری جشن آب اندازی پروژه‌های دریایی: یکی از جاذبه‌های گردشگری در شهرهای ساحلی دنیا، اجرای مراسم ویژه و جشن برای آب اندازی کشتی‌ها و سکوها است که با حضور عموم مردم، برگزار می‌شود. چنین مراسمی علاوه بر تبلیغ فرهنگ دریایی، سبب ایجاد جذابیت برای سفر به شهرهای ساحلی خواهد شد.

۳۳- تأسیس مرکز نمایشگاهی جنوب کشور (نمایشگاه‌های فصلی، کنفرانس‌های علمی، مسابقات و جشنواره‌ها و ...) در یکی از شهرهای ساحلی مکران (به غیر از چابهار)، روشی برای هدایت کردن سفر مناطق و شهرهای مجاور به سمت سواحل مکران، است.

۳۴- ساخت نمادهای شهری عظیم و زیبا: تقریباً همه شهرهای بزرگ ایران دارای یک «نماد شهری» هستند که مسافران و گردشگران در مقابل آنها عکس یادگاری

می‌گیرند و در واقع این نمادها، شناسنامه این شهرها بوده و سوژه عکس‌های یادگاری هستند، اما شهرهای ساحلی ایران دارای «نماد شهری» که یک جاذبه گردشگری محسوب شود، نیستند. برای شروع، در یکی دو شهر از شهرهای مهم سواحل مکران، متناسب با فرهنگ و تاریخچه منطقه خود اقدام به فراخوان طراحی یک «نماد شهری خاص» کنند. این نماد شهری باید: در کنار ساحل، دارای محوطه باز و تفریحی، دارای ارتفاع بلند (قابل رویت از دل دریا) و دارای خصوصیات یک سازه فاخر و مدرن مهندسی باشد. امروزه تمام شهرهای ساحلی معروف دنیا دارای نمادهای شهری معروف هستند.

۳۵- ساخت شهرهای جدید، مدرن و زیبا: در طراحی این شهرها باید دقت نمود که زیبایی و مدرن بودن این شهرها از همه لحاظ مورد توجه قرار گیرد، به خصوص تعبیه مناطقی در این شهرها با کاربری گردشگری و تفریحی.

۳۶- رونق گردشگری سلامت، با توزیع امکانات درمانی مناسب در جنوب کشور، برای دسترسی راحت تر کشورهای عربی جنوب ایران و کشور پرمجمعیت پاکستان.

یادداشت | جایگاه «جامعه مدنی» در «حکمرانی مردمی»



دکتر مجید سروند

معاونت پژوهشی اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری

«حکمرانی مردمی» معمولاً به عنوان الگو در حوزه مدیریت سیاسی و اجتماعی، بر اساس مشارکت آگاهانه و دائمی مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری عمومی شکل می‌گیرد. این مفهوم، از اصول بنیادین دموکراسی و تجلی اراده مردم در ساختار قدرت است. در حکمرانی مردمی، حکومت مالک قدرت نیست، بلکه به عنوان نماینده و خدمتگزار مردم عمل می‌کند و مشروعیت خود را از مشارکت و رضایت آنان می‌گیرد. تحقق چنین الگویی، مستلزم فراهم‌سازی بسترهای نهادی، فرهنگی و قانونی است که در آن، آزادی‌های اساسی مردم، شفافیت و پاسخگویی حکومت، عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر برای مشارکت، تضمین شده باشد و در عین حال، شهروندان نظارت مؤثر و مستمری بر عملکرد نهادهای دولتی داشته باشند. در این میان، «جامعه مدنی» به عنوان واسطه کلیدی میان فرد و دولت، نقشی بی‌بدیل در تحقق حکمرانی مردمی ایفا می‌دارد.

جامعه مدنی را می‌توان به شبکه‌ای از نهادها، انجمن‌ها، تشکلات و گروه‌هایی اطلاق کرد که مستقل از دولت و خارج از ساختار رسمی حاکمیت فعالیت می‌کنند و بازتاب‌دهنده منافع، خواسته‌ها و دغدغه‌های متکثر مردم هستند. این نهادها در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فعال هستند و با سازماندهی اراده عمومی، امکان مشارکت واقعی و مؤثر مردم در فرآیندهای حکمرانی را فراهم می‌سازند. در حقیقت، جامعه مدنی نه تنها بستر

بیان خواسته‌ها و مطالبات مردم است، بلکه سازوکاری برای نظارت، مطالبه‌گری، توازن قدرت و تضمین پاسخگویی حکومت محسوب می‌شود.

مفهوم جامعه مدنی، ریشه دیرینه‌ای در تاریخ اندیشه سیاسی دارد. رگه‌هایی از این مفهوم را می‌توان در فلسفه یونان باستان، به‌ویژه در آرای ارسطو درباره «پولیس» و «زندگی خوب»، مشاهده کرد. با این حال، جامعه مدنی به‌عنوان مفهومی مدرن، در دوران روشنگری و با ظهور اندیشه‌های متفکرانی چون جان لاک، توماس هابز، ژان ژاک روسو و گئورگ ویلهلم هگل در سده‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی شکل گرفت. در این دوران، جامعه مدنی به عنوان سپری در برابر استبداد دولت، فضایی برای تحقق آزادی‌های فردی و بستری برای ساماندهی منافع و نیازهای متکثر افراد جامعه مطرح شد. هگل در اصول فلسفه حق، جامعه مدنی را بخشی از کل عقلانی می‌داند که میان خانواده (به‌عنوان حوزه عواطف) و دولت (به‌عنوان تجسم قدرت و اقتدار سیاسی) قرار می‌گیرد. از منظر هگل، جامعه مدنی فضایی است که در آن افراد برای رفع نیازهای مادی و تحقق منافع اقتصادی و صنفی خود فعالیت می‌کنند، اما این فعالیت‌ها در نهایت بایستی در قالب نظم کلی و عقلانی، به دولت متصل شوند. به بیان دیگر، جامعه مدنی از نظر هگل، بستر تحقق استقلال فردی و واسطه میان فرد و دولت برای ایجاد نظم اجتماعی و جلوگیری از هرج‌ومرج است.

در مقایسه تطبیقی، مفهوم جامعه مدنی در غرب عمدتاً بر پایه فردگرایی، حقوق فردی، آزادی‌های مدنی، سکولاریسم و تفکیک نهاد دین از دولت شکل گرفته است. در این جوامع، جامعه مدنی به عنوان بستری برای تحقق حقوق شهروندی،



کنشگری مدنی و نظارت بر قدرت سیاسی شناخته می‌شود. در مقابل، در جوامع شرقی، به ویژه در سنت‌های اسلامی، جامعه مدنی اغلب ریشه در نهادهای دینی، سنتی و جمع‌گرایانه دارد. در این زمینه، نهادهایی همچون؛ مساجد، مدارس دینی، کمیته‌های خیریه، اوقاف، قبایل و گروه‌های صنفی نقش مهمی در ساماندهی فعالیت‌های اجتماعی ایفا کرده‌اند.

در سنت اسلامی، مفاهیمی چون امر به معروف و نهی از منکر، شورا، وقف و تعاون نشان‌دهنده وجود ظرفیت‌های درون‌زا برای شکل‌گیری جامعه مدنی بوده‌اند. این مفاهیم، نوعی مشارکت عمومی در اداره امور جامعه را ترویج می‌کنند و بیانگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد در قبال یکدیگر و در برابر حاکمیت‌اند. در تاریخ ایران نیز، جامعه مدنی فراز و فرودهای متعددی داشته است. دوران مشروطه را می‌توان نقطه عطف شکل‌گیری جامعه مدنی مدرن در ایران دانست، زمانی که انجمن‌ها، احزاب، مطبوعات و تجمعات مردمی به عنوان ابزارهایی برای بیان مطالبات عمومی و مقابله با استبداد قاجار شکل گرفتند. پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی همچون اصل ششم (اتکای امور کشور به آرای عمومی)، اصل هفتم (تشکیل شوراهای)، اصل ۲۶ (آزادی احزاب و جمعیت‌ها)، اصل ۲۷ (آزادی اجتماعات) و اصل ۵۶ (حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش) بر نقش مردم در اداره امور تأکید کرده است. با این حال، در عمل، تحقق جامعه مدنی در ایران با چالش‌هایی جدی همچون؛ محدودیت‌های قانونی، فشارهای سیاسی، وابستگی مالی نهادهای مدنی به دولت، و ضعف فرهنگ مشارکت و اعتماد اجتماعی مواجه بوده است.

برای تقویت و توسعه جامعه مدنی، بسترهایی چون آزادی بیان، آزادی تجمع و تشکل، استقلال نهادی از دولت، رعایت حقوق اساسی شهروندان، شفافیت و پاسخگویی دولت، آموزش و توانمندسازی شهروندان و تقویت سرمایه اجتماعی ضرورت دارد. در مقابل، موانعی همچون تمرکزگرایی و اقتدارگرایی دولت، مداخلات امنیتی، ضعف قانون‌گرایی، نگاه منفی به نهادهای مستقل و ضعف فرهنگ کار جمعی و همکاری‌های داوطلبانه از مهم‌ترین محدودیت‌ها به‌شمار

می‌روند.

در تحلیل نهایی، جامعه مدنی را می‌توان به مثابه پل حیاتی میان فرد و حاکمیت دانست؛ پلی که از یک‌سو، استقلال و آزادی‌های اساسی مردم را تضمین می‌کند و از سوی دیگر، زمینه تعامل سازنده و گفت‌وگوی مستمر میان جامعه و دولت را فراهم می‌سازد. همان‌گونه که هگل تأکید می‌کند، جامعه مدنی نه تنها ابزاری برای تحقق منافع فردی، بلکه واسطه‌ای برای جلوگیری از تمرکز قدرت و ایجاد توازن و تعادل در ساختار اجتماعی است. در حکمرانی مردمی، جامعه مدنی نقش محوری در تقویت مشارکت شهروندان، تحقق عدالت اجتماعی، پاسخگویی حکومت و توسعه پایدار ایفا می‌کند؛ بنابراین، تحقق حکمرانی مردمی بدون توجه به الزامات و ظرفیت‌های جامعه مدنی، امر ناقص و ناپایداری خواهد بود. برای تحقق نظام حکمرانی مردم‌سالار و کارآمد، لازم است که دولت‌ها نه تنها به استقلال جامعه مدنی احترام بگذارند، بلکه فعالانه در جهت تقویت و حمایت از آن گام بردارند. جامعه مدنی قوی و مستقل، نه تهدیدی برای حکومت، بلکه تضمین‌کننده پایداری و مشروعیت آن است.

در این میان، اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی می‌توانند به عنوان حلقه واسطی میان نخبگان، جامعه و ساختارهای حاکمیتی، نقش مهمی در تقویت جامعه مدنی ایفا نمایند. این اندیشکده‌ها با ایجاد فضایی برای گفت‌وگو، تبادل ایده‌ها، ارائه تحلیل‌ها و راهکارهای بومی، می‌توانند ظرفیت‌های محلی را شناسایی و تقویت کنند و با پیوند زدن نخبگان فکری، گروه‌های مردمی و نهادهای مدنی، به ایجاد شبکه‌های مشارکت و هم‌افزایی در سطح استان‌ها کمک کنند. اندیشکده‌های استانی، همچنین با تولید دانش سیاست‌محور، رصد مسائل و نیازهای منطقه‌ای و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی، می‌توانند به شکل‌گیری مطالبه‌گری آگاهانه، افزایش شفافیت، تقویت پاسخگویی مسئولان محلی و ایجاد پل ارتباطی میان مردم و نهادهای تصمیم‌گیر در سطح ملی و محلی یاری رسانند. در واقع، اندیشکده‌های استانی می‌توانند به عنوان بسترهایی برای پرورش فرهنگ مشارکت، آموزش مهارت‌های مدنی و ترویج کنشگری اجتماعی، نقش مهمی در نهادینه‌سازی ارزش‌های جامعه مدنی و تقویت حکمرانی مردمی ایفا کنند.

چالش‌های کشاورزی در استان کرمان، از تولید تا بحران منابع آبی



آقای دکتر رضوانی

معاونت اسناد راهبردی اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری

استان کرمان، با توجه به موقعیت جغرافیایی و پتانسیل‌های اقلیمی، همواره به عنوان یکی از قطب‌های اصلی کشاورزی ایران، مطرح بوده است. تحلیل داده‌های آماری بخش کشاورزی این استان، به‌ویژه بر اساس آمارهای ارائه شده توسط مرکز آمار ایران، تصویر جامع از جایگاه ممتاز آن در سطح کشور ارائه می‌دهد. با این حال، در پس این موفقیت‌های آماری، چالش‌های و رو به فزونی کمبود آب، آینده این بخش را تهدید می‌کند که بررسی دقیق آن ضروری است.

برتری در تولید و بهره‌برداری‌های کشاورزی

استان کرمان، در حوزه بهره‌برداری‌های کشاورزی جایگاه منحصربه‌فردی دارد. این استان در سال ۱۴۰۳ ش. با ۳۵۵۹۵۹ بهره‌برداری کشاورزی در سال ۱۴۰۳ ش. که ۷/۹ درصد از کل بهره‌برداری‌های اشخاص حقیقی در کشور را شامل می‌شود، در رتبه اول قرار دارد. این پراکندگی و تعداد بالا، نشان‌دهنده گستردگی فعالیت‌های کشاورزی و سهم آن در تأمین معیشت جمعیت وسیعی از استان است. این برتری در بخش‌های خاصی از کشاورزی نیز به وضوح دیده می‌شود. باغبانی: با ۲۵۶۰۶۶ بهره‌برداری و سهم ۱۷/۲۸ درصدی، استان کرمان در رتبه اول کشور قرار دارد. این امر، گواه پتانسیل بی‌نظیر استان در تولید محصولات باغی، به‌ویژه محصولات استراتژیکی مانند پسته و خرما است.

گلخانه: استان کرمان با ۹۷۸۶ بهره‌برداری گلخانه‌ای، با سهمی معادل ۲۶/۹۶ درصد، رتبه اول کشور را از آن خود کرده است. این جایگاه، نشان‌دهنده رویکرد استان به کشاورزی مدرن و استفاده از فناوری‌های نوین برای مدیریت تولید در شرایط اقلیمی محدود است.

سیستم‌های آبیاری تحت فشار: در حوزه آبیاری تحت فشار نیز، استان کرمان با ۴۹۰۸۶ بهره‌برداری و سهم ۹/۶۴ درصدی از کل ۵۰۹۲۸۵ بهره‌برداری در کشور، رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. این آمار نشان‌دهنده تلاش جدی در استان برای بهینه‌سازی مصرف آب و استفاده از روش‌های مدرن آبیاری است.

توليدات: این برتری در تعداد بهره‌برداری‌ها به تولید قابل توجهی منجر شده است. به عنوان مثال، در سال ۱۴۰۱ ش. استان با سهم ۹/۱۶ درصدی از ۱۱۹۳۰ هزار تن تولید محصولات باغی کشور در رتبه چهارم کشور قرار داد. در بخش زراعت نیز، استان با سهم ۷/۹۳ درصدی از تولید ۵۷۴۵۱ هزار تن محصول در سال ۱۴۰۰، رتبه دوم را کسب کرده است.

نیروی کار و سرمایه انسانی متخصص

بخش کشاورزی در کرمان تنها یک منبع تولید نیست، بلکه موتور محرکه اشتغال و ارزش اقتصادی است. در سال ۱۴۰۲ ش. سهم ۱۰/۰۸ درصدی از جمعیت فعال در بخش کشاورزی در کشور، استان را در رتبه اول کشور قرار می‌دهد. این حجم عظیم نیروی انسانی، تأییدی بر نقش حیاتی کشاورزی در اقتصاد منطقه است. علاوه بر تعداد، کیفیت نیروی کار نیز درخور توجه است. در سال ۱۴۰۳ ش. استان با ۲۶۲۶۶۹ بهره‌بردار باسواد، ۸ درصد از کل بهره‌برداران باسواد کشور را شامل می‌شود. نکته برجسته، سهم ۱۴/۹ درصدی استان از بهره‌برداران با مدرک فوق دیپلم و بالاتر در رشته‌های مرتبط با کشاورزی است که آن را در رتبه اول قرار می‌دهد. این آمار، نشان‌دهنده سرمایه انسانی متخصص و تحصیل کرده است که زمینه‌ساز نوآوری و مدیریت علمی در بخش کشاورزی است.

ارزش اقتصادی و دامداری

سهم بالای استان از نیروی کار و تولید، به خلق ارزش اقتصادی قابل توجهی نیز انجامیده





در بخش کشاورزی استان مصرف شده است. این میزان مصرف، استان را در رتبه سوم کشور از نظر مصرف آب قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که علی‌رغم کم‌بارشی، فعالیت‌های کشاورزی فشار بی‌سابقه‌ای به منابع آبی زیرزمینی وارد کرده است. این داده‌ها تأییدی بر این واقعیت است که چالش اصلی بخش کشاورزی کرمان، نه صرفاً کمبود بارندگی، بلکه عدم تعادل میان منابع محدود آب و مصرف بی‌رویه آن است.

برای حفظ جایگاه ممتاز استان در تولیدات کشاورزی و تضمین پایداری این بخش، ضروری است که سیاست‌گذاری‌ها به سمت راهکارهای زیر سوق یابد: بهره‌وری آب: تشویق و پشتیبانی از استفاده از سیستم‌های آبیاری نوین و کم‌مصرف.

تغییر الگوی کشت: ترویج کشت محصولاتی که نیاز آبی کمتری دارند.

سرمایه‌گذاری در فناوری: حمایت از تحقیقات و توسعه فناوری‌های مرتبط با مدیریت منابع آب.

نتیجه‌گیری

استان کرمان، با برخورداری از مزیت‌های تولیدی، نیروی کار متخصص و جایگاه ممتاز در بخش‌های باغبانی و گلخانه، به درستی می‌تواند به عنوان یکی از ستون‌های اصلی کشاورزی کشور قلمداد شود. با این حال، پایداری و توسعه آینده این بخش، به طور مستقیم به توانایی استان در مواجهه با چالش اصلی، یعنی؛ مدیریت بحران آب وابسته است. تمرکز بر راهکارهای حکمرانی هوشمند و قانون‌گذاری دقیق در زمینه منابع آبی، به همراه حمایت از کشاورزی دانش‌بنیان، می‌تواند ضامن تداوم رشد و شکوفایی این بخش حیاتی باشد.

منابع

مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری، استان کرمان (۱۴۰۲)
مرکز آمار ایران، سهم و رتبه استان‌ها بر اساس متغیرهای مهم بخش کشاورزی (۱۴۰۳)
مرکز آمار ایران، شاخص‌های توسعه ملی و استانی، شاخص‌های برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ۱۳۹۸-۱۴۰۲

است. به طوری که بر اساس آمار سال ۱۳۹۹ ش. سهم ۷/۸۵ درصدی از ارزش افزوده بخش کشاورزی کشور داشته که استان را در رتبه دوم کشور قرار داد. همچنین بر اساس آمار سال ۱۴۰۰ ش. استان سهم ۵/۹۰ درصدی از ارزش افزوده بخش کشاورزی کشور داشته که استان را در رتبه پنجم کشور قرار داد. در بخش دامپروری نیز استان دارای جایگاه مهمی است.

دام سبک: با ۱۱۳۱۳۲ بهره‌برداری در حوزه دام سبک، استان با سهم ۹/۷۳ درصدی در رتبه سوم کشور قرار دارد.

دام سنگین: با ۳۱۳۹۴ بهره‌برداری و سهم ۵/۸۹ درصدی، استان در رتبه چهارم قرار گرفته است.

چالش اصلی: مدیریت بحران آب در کانون توجه

با وجود تمام مزیت‌های ذکر شده، داده‌های یک واقعیت تلخ و چالش‌برانگیز را نیز آشکار می‌سازند: مصرف بالای آب. با توجه به اینکه استان در سال ۱۴۰۰ با سهم ۷/۹ درصدی از ۸۲ میلیارد متر مکعب آب مصرفی در بخش کشاورزی کشور، در رتبه سوم کشور قرار داشته و بخش عمده‌ای از اراضی زراعی و باغی آن نیز به صورت آبی کشت می‌شود، آینده کشاورزی کرمان، به شدت به مدیریت منابع آبی وابسته است. این مصرف بالا، در یک منطقه خشک و نیمه‌خشک، فشار شدیدی بر منابع آب زیرزمینی وارد کرده و خطر فرونشست زمین و تخریب اکوسیستم‌های کشاورزی را افزایش می‌دهد. این چالش حیاتی با نگاهی به داده‌های آماری بارندگی ملموس‌تر می‌شود. طبق آمار سالانه هواشناسی، میانگین بارندگی سالانه در شهرهای استان کرمان (از بدو تأسیس ایستگاه تا پایان سال ۱۴۰۲ ش.) بسیار پایین است. برای مثال، میانگین بارندگی در شهر کرمان تنها ۱۳۹/۵ میلی‌متر است، در حالی که در شهرهایی مانند بافت و سیرجان به ترتیب به ۲۵۷۷ و ۱۳۳۷/۷ میلی‌متر می‌رسد. این آمار نشان‌دهنده کمبود ذاتی منابع آب در منطقه است.

با وجود این، داده‌های سال ۱۴۰۲ ش. شرایط را بحرانی‌تر نشان می‌دهند. در این سال، میزان بارندگی سالانه در کرمان تنها ۷۹/۸ میلی‌متر، در بافت ۱۴۳/۴ میلی‌متر و در سیرجان ۴۹/۲ میلی‌متر بوده که به وضوح کمتر از میانگین بلندمدت آن‌ها است. این کم‌بارشی شدید در سال ۱۴۰۲ ش. در حالی رخ داده که ۸۲ درصد از ۸۲ میلیارد متر مکعب آب در سال ۱۴۰۰

ضرورت حکمرانی و مدیریت یکپارچه منابع آب در ایران: چالش‌ها، تجارب و راهکارهای

یادداشت



دکتر هادی رضائی اعتدالی

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری قزوین

شکل‌گیری سیاست‌های جامع و پایدار می‌گردد. از سوی دیگر، ضعف نظام داده و فقدان سیستم‌های منسجم پایش و ارزیابی، امکان تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد را محدود کرده و به سیاست‌گذاری‌های مقطعی و ناکارآمد منجر می‌شود.

در بعد اجتماعی، یکی از ضعف‌های جدی حکمرانی آب در ایران، مشارکت حداقلی ذی‌نفعان محلی و به‌ویژه زنان است. تجربه‌های جهانی نشان داده است که حضور فعال جامعه محلی در تصمیم‌گیری‌ها، نه تنها میزان موفقیت پروژه‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه به تداوم و پایداری آن‌ها نیز کمک خواهد نمود، اما در ایران مشارکت مردم عمدتاً به سطح مشاوره‌ای و گاه حتی نمایشی محدود شده و عملاً نقش‌آفرینی واقعی در مدیریت منابع آب شکل نگرفته است. این مسئله، سبب کاهش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و افزایش تعارضات اجتماعی پیرامون منابع آب شده است.

از لحاظ اقتصادی نیز، سیاست‌های آب در ایران عمدتاً با رویکرد عرضه‌محور تنظیم شده‌اند؛ به این معنا که تأکید بر توسعه زیرساخت‌های جدید برای افزایش عرضه بوده و توجه کمتری به مدیریت تقاضا و اصلاح الگوی مصرف معطوف شده است. این در حالی است که تجارب موفق جهانی، نشان می‌دهد مدیریت تقاضا، ارتقای بهره‌وری و ارزش اقتصادی آب، و اصلاح نظام قیمت‌گذاری می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری منابع ایفا کنند.

مدیریت و حکمرانی منابع آب در دهه‌های اخیر، به یکی از اساسی‌ترین موضوعات توسعه پایدار در سطح جهان و به ویژه در کشورهایی با اقلیم خشک و نیمه‌خشک، مانند ایران تبدیل شده است. فشار فزاینده ناشی از رشد جمعیت، توسعه کشاورزی و صنعتی، تغییرات اقلیمی، کاهش بارندگی و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب سطحی و زیرزمینی، سبب شده است که بحران آب به یکی از تهدیدهای بنیادین برای امنیت غذایی، زیست‌محیطی و اجتماعی، بدل گردد. این شرایط، ایجاب می‌کند که مدیریت آب از حالت بخشی، سازه‌ای و کوتاه‌مدت خارج شده و به سمت حکمرانی یکپارچه حرکت کند؛ رویکردی که به ابعاد اکولوژیک، اقتصادی، اجتماعی و نهادی توجه همزمان دارد و می‌تواند زمینه‌ساز تعادل میان منابع و مصارف باشد.

با وجود اهمیت این موضوع، بررسی وضعیت حکمرانی آب در ایران نشان می‌دهد که چالش‌های متعددی در مسیر تحقق مدیریت یکپارچه وجود دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، بخشی‌نگری و پراکندگی وظایف میان سازمان‌ها و نهادهای متعدد است. این پراکندگی، موجب می‌شود که تصمیمات در تضاد با یکدیگر قرار گیرند و منابع آب به‌صورت جزیره‌ای مدیریت شوند. علاوه بر این، نبود هماهنگی میان سطوح مختلف حاکمیتی و اجرایی، مانع از



گاهنامه اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری





پایگاه داده ملی که اطلاعات منابع و مصارف آب، تغییرات اقلیمی، کیفیت منابع و بهره‌وری را دربر گیرد، امکان تصمیم‌گیری شفاف و مبتنی بر شواهد را فراهم می‌کند. این پایگاه، باید در دسترس پژوهشگران، ذی‌نفعان و عموم جامعه قرار گیرد تا اعتمادسازی و پاسخ‌گویی نیز تقویت شود.

سوم؛ لازم است تا مشارکت واقعی ذی‌نفعان در دستور کار قرار گیرد. این مشارکت، فراتر از مشاوره و در قالب شراکت در تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت، معنا می‌یابد. زنان، کشاورزان، جوامع محلی و بخش خصوصی باید به‌عنوان شرکای اصلی دیده شوند نه صرفاً دریافت‌کنندگان سیاست‌ها.

چهارم؛ تغییر رویکرد از عرضه‌محور به تقاضا‌محور نیز، امری ضروری محسوب می‌شود. این مورد، به معنای اصلاح الگوی مصرف در بخش کشاورزی و صنعت، ارتقای بهره‌وری، اعمال نظام تعرفه‌ای عادلانه و تشویق به استفاده مجدد از آب است.

پنجم؛ توجه به ابعاد اجتماعی-اقتصادی تصمیم‌ها و اقدامات باید در مرکز حکمرانی آب قرار گیرد. بدون توجه به فقر، معیشت و عدالت اجتماعی، سیاست‌های آب پایدار نخواهند بود. بنابراین، هرگونه مداخله در مدیریت آب باید همزمان با برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی مناطق همراه باشد.

ششم؛ حرکت به سمت رویکرد برد-برد و بلندمدت ضروری است. سیاست‌های کوتاه‌مدت و بخشی، اغلب منجر به تشدید بحران‌ها می‌شوند. در مقابل، سیاست‌هایی که به منافع متوازن میان نسل حاضر و آینده، میان مناطق مختلف و میان گروه‌های اجتماعی توجه کنند، می‌توانند مسیر پایداری را هموار نمایند.

در نهایت، حکمرانی یکپارچه منابع آب در ایران تنها زمانی موفق خواهد بود که از سطح شعار فراتر رود و به یک تغییر ساختاری و فرهنگی تبدیل شود. این تغییر، نیازمند اراده سیاسی قوی، مشارکت گسترده اجتماعی، اصلاحات نهادی و بهره‌گیری از دانش و تجربه جهانی است. با چنین رویکردی، می‌توان امیدوار بود که منابع آب کشور نه به‌عنوان منبعی رو به زوال، بلکه به‌عنوان سرمایه‌ای پایدار برای توسعه و رفاه نسل‌های آینده مدیریت گردد.

بررسی نقاط قوت و ضعف تجارب بین‌المللی، می‌تواند برای ایران آموزنده باشد. در سطح جهانی، حرکت به سمت حکمرانی یکپارچه آب عمدتاً با محوریت چند تغییر اساسی رخ داده است: نخست؛ گذار از مدیریت بخشی به مدیریت جامع که در آن ارتباط میان آب، خاک، انرژی، کشاورزی و محیط زیست به‌صورت سیستمی دیده می‌شود. دوم؛ حرکت از رویکرد بالا به پایین به سمت مشارکت فعال ذی‌نفعان که سبب افزایش مشروعیت و کارایی تصمیمات شده است. سوم؛ تغییر از تمرکز صرف بر عرضه به سمت مدیریت تقاضا و بهینه‌سازی مصرف منابع. چهارم؛ حرکت از کنترل دولتی مطلق به سمت نظام‌های مشارکتی و تعاونی که در آن بخش خصوصی، جوامع محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد نقش پررنگ‌تری دارند. پنجم؛ شفافیت اطلاعات و ایجاد نظام‌های داده باز که امکان نظارت عمومی و پاسخ‌گویی را فراهم می‌سازد. این اصول، در بسیاری از کشورها زمینه‌ساز موفقیت نسبی در مدیریت یکپارچه منابع آب شده‌اند، هرچند هیچ مدلی خالی از ضعف نیست و همواره نیاز به بومی‌سازی و انطباق با شرایط اجتماعی و نهادی هر کشور وجود دارد.

در ایران نیز، می‌توان از این تجارب در راستای بازطراحی الگوی حکمرانی آب بهره گرفت. نقطه قوتی که می‌تواند مبنای حرکت قرار گیرد، وجود ظرفیت‌های علمی و پژوهشی گسترده، تجربه تاریخی در مدیریت منابع آب، مانند قنوات و همچنین افزایش آگاهی عمومی نسبت به بحران آب است، اما این ظرفیت‌ها، تا زمانی که در چارچوب نهادی منسجم و با بهره‌گیری از مشارکت واقعی ذی‌نفعان قرار نگیرند، به ثمر نخواهند نشست.

برای طراحی مدل بومی حکمرانی و مدیریت یکپارچه منابع آب در ایران، چند اصل اساسی قابل طرح است. نخست؛ یکپارچگی نهادی، به عنوان شرط اولیه، باید تحقق یابد. این امر، مستلزم ادغام وظایف پراکنده یا حداقل هماهنگی نهادی از طریق سازوکار فراقبشی است که بتواند سیاست‌ها را همسو و تصمیم‌گیری‌ها را یکپارچه نماید. بدون وجود چنین نهادی، مدیریت یکپارچه عملاً ناممکن خواهد بود.

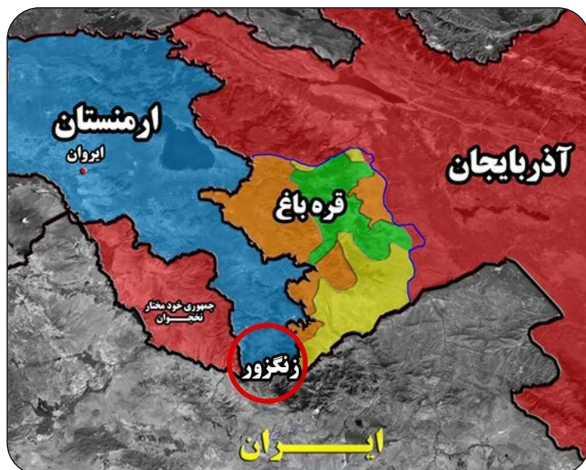
دوم؛ تقویت نظام داده و پایش امری ضروری است. ایجاد

سناریوهای محتمل پساجنگ قره باغ



محمدرضا کافاش جمشید

مستول کارگروه سیاسی اندیشکده حکمرانی اردبیل



آینده شناسی، از ضروریات دنیای متغیر و رقابتی کنونی است و مشخص می‌کند، چگونه از دل تغییرات و دگرگونی‌های امروز، واقعیت فردا متولد می‌شود. در این میان، پیش بینی‌های درست، نقش مهم و تعیین کننده‌ای در کاهش تردید و عدم اطمینان، بازی می‌کنند و به نوعی مانع از غافلگیری می‌شوند. گذشته از این، پیش بینی‌های واقعی، ضمن آن که زمینه بهره برداری بهتر از فرصت‌های جدید را فراهم می‌کنند، موانع مربوط به سازگاری با آینده را نیز برطرف می‌کنند و حتی می‌تواند بر آینده اثر بگذارند.

جنگ دوم قره باغ، که با پیروزی جمهوری آذربایجان و آزادسازی این منطقه و سایر مناطق اشغالی همراه بود، نقطه عطف بسیار مهمی در حل و فصل مناقشه طولانی مدت و پیچیده قره باغ، در قفقاز جنوبی به حساب می‌آید. از آن جا که جمهوری اسلامی ایران، در این منطقه، دارای منافع امنیتی، سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی بسیاری است، پیش بینی سناریوهای محتمل، می‌تواند درک درستی برای تأمین منافع ملی کشورمان فراهم کند. به طور کلی، با در نظر گرفتن تحولات اساسی پساجنگ و روند سیاسی و نظامی موجود، سه سناریوی اصلی برای آینده قابل تصور است. سناریوی بدبینانه

در این سناریو، پیش بینی می‌شود شاهد شروع درگیری‌های نظامی و جنگ جدید میان طرفین مناقشه قره باغ باشیم. بررسی شواهد و قرائن موجود نشان می‌دهد که این سناریو بدبینانه غیرمحتمل ترین سناریوی موجود است. با بررسی ریشه‌ها و دلایل بروز مناقشه، متوجه می‌شویم تا حدود زیادی زمینه‌های اصلی آغاز جنگ برطرف شده و دو طرف منازعه، در حال خروج از وضعیت جنگی و درگیری‌های نظامی جدید هستند، به طوری که جمهوری آذربایجان، با پیروزی‌های نظامی قاطع و دستیابی به اهداف اصلی خود؛ از جمله آزادسازی مناطق اشغالی قره باغ و شهرستان‌های اطراف آن، جدایی طلبان ارمنی قره باغ را شکست داده و ارتش ارمنستان را وادار به عقب نشینی به پشت مرزهای سیاسی بین المللی کرده است. ضمن آن که دولت خودخوانده قره باغ (آرتساخ) نیز که توسط ارمنه جدایی طلب قره باغ و با پشتیبانی دولت ارمنستان، تشکیل شده بود و یکی از دلایل اصلی شروع جنگ و مناقشه قره باغ محسوب می‌شد، اعلام انحلال کرده است.

با این حال، باید توجه داشت، هنوز امکان سناریوی بدبینانه، هر چند کم وجود دارد. از جمله نشانه‌های آن می‌توان به تغییرات اساسی در رویکرد سیاسی و امنیتی

دولت ارمنستان و قدرت گرفتن جدایی طلبان ارمنی مخالف دولت اشاره کرد که با روند مذاکرات صلح جاری مخالفت می‌کنند. حتی باید گزینه فعال شدن بازیگران خارجی صاحب نفوذی همچون روسیه را در نظر گرفت که به طور کلی موافق روندهای سیاسی فعلی نیستند. در یک نمونه آشکار، روسیه از غرب گرایی روزافزون دولت فعلی ارمنستان و دوری این کشور از ساختارهای سیاسی و امنیتی روس محور به شدت نگران است و منافع خود را در خطر می‌بیند. از این رو، کارشناسان منطقه، امکان مداخله روسیه در روندهای سیاسی و امنیتی موجود را بعید نمی‌دانند.

سناریوی خوشبینانه

انعقاد توافقنامه نهایی و واقعی صلح، تصور دیگری از آینده مناقشه قره باغ است که در شرایط فعلی و در کوتاه مدت، امکان رسیدن به آن، بسیار خوشبینانه ارزیابی می‌شود. این سناریو، زمانی می‌تواند تحقق یابد که طرفین مناقشه به درجاتی از مصالحه و سازش دست یابند و از بلندپروازی و زیاده خواهی‌های ژئوپلیتیکی، دست بردارند. با توجه به برخی موانع اساسی در مسیر صلح، احتمال سناریو خوشبینانه در کوتاه مدت وجود ندارد و در بلندمدت و در آینده دور قابل پیش بینی است. بدیهی است تنفر عمیق تاریخی و بی‌اعتمادی شدیدی میان دو کشور آذربایجان و ارمنستان بر سر مناقشه قره باغ وجود دارد که برطرف نخواهد شد و به گذشت زمان نیاز دارد. در این راستا، در افق بلندمدت، تشکیل سازه و نظام منطقه‌ای پویا متشکل از سه کشور قفقاز جنوبی و سه کشور همسایه شامل روسیه، ایران و ترکیه در قالب ۳+۳ می‌تواند شکل بگیرد و تعمیق همکاری منطقه‌ای و در نهایت صلح پایدار را برای منطقه قفقاز به ارمغان آورد. وضعیت مبهم حقوقی و سیاسی ارمنه خارج شده از منطقه قره باغ که بر شناسایی حق تعیین سرنوشت، خودمختاری و بازگشت به محل سکونت خود

۱- Futurology

۲- ارمنستان، در سه دهه گذشته، متحد اصلی روسیه در منطقه قفقاز بوده است و در تمام سازمان‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی تحت مدیریت روسیه؛ یعنی کشورهای مستقل مشترک المنافع، سازمان پیمان امنیت جمعی و اتحادیه اقتصادی اوراسیا عضو است. در سال‌های اخیر، دولت ارمنستان، در حال بازنگری در سیاست‌ها و رویکردهای گذشته بوده است، به طوری که فعالیت در سازمان پیمان امنیت جمعی را به حالت تعلیق درآورده و به دنبال عضویت در اتحادیه اروپا است.



گاهنامه اندیشکده‌های حکمرانی و قانون گذاری





آمریکا به عنوان میانجی، بسیار برجسته شده و این کشور، امتیازات خاصی در مورد توسعه، سرمایه‌گذاری و مدیریت راه ارتباطی زنگزور در جنوب ارمنستان (راه ارتباطی میان مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان) به دست آورده است.

عادی‌سازی روابط سیاسی، تأکید مجدد بر احترام به تمامیت ارضی و توافق بر سر تعیین حدود مرزها و نشانه‌گذاری بر اساس نقشه‌های دوران اتحاد جماهیر شوروی، از دیگر مفاد این توافقنامه صلح مقدماتی است که در صورت اجرا می‌تواند دو کشور را به سوی یک توافقنامه صلح نهایی و پایدار سوق دهد. می‌توان انتظار داشت، در پرتو اجرای درست توافقنامه صلح مقدماتی جذب سرمایه‌گذاری، رونق اقتصادی و افزایش طرح‌های عمرانی در دستور کار قرار گیرد و منطقه شاهد پویایی و تحرک جدیدی باشد.

جمع‌بندی

در مجموع، می‌توان گفت گفتمان صلح در حال غلبه بر گفتمان جنگ در منطقه است و به تدریج دو کشور آذربایجان و ارمنستان، مسیر عادی‌سازی روابط و مناسبات را دنبال می‌کنند. محتمل‌ترین گزینه در آینده نزدیک، برقراری صلح نسبی، میان دو طرف مناقشه است و با حل و فصل مناقشه قره باغ و اجرای توافقات به ویژه بازگشایی مرزها، پایانه‌ها و تمام راه‌های ارتباطی منطقه، قفقاز می‌تواند به عنوان منطقه‌ای پویا و پرتحرک در نظام بین الملل ایفای نقش کند. نکته بسیار مهم این است که با بازگشایی راه‌های ارتباطی منطقه، مهم‌ترین راه ارتباطی ایران در منطقه قفقاز؛ یعنی راه آهن تبریز- جلفا، نخجوان، ایروان، تفلیس نیز بازگشایی می‌شود که در حوزه حمل و نقل کشور، تحول اساسی به حساب می‌آید. همچنین، این خط آهن راهبردی تجارت ایران با روسیه و کشورهای شمال اروپا و حوزه دریای سیاه را تسهیل می‌کند. جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند با ابتکارات دیپلماتیک و تشویق طرفین مناقشه قره باغ در تسریع روند صلح و حل و فصل چالش‌های موجود ایفای نقش کند.

(منطقه قره باغ) اصرار دارند، از جمله مهم‌ترین چالش‌های حل و فصل نهایی، مناقشه قره باغ است که باید در آینده دولت‌های آذربایجان و ارمنستان پیرامون آن مذاکره کنند. سناریوی واقع بینانه

در کوتاه‌مدت، برقراری صلح نسبی و شکننده، پیش‌بینی واقع‌بینانه از روندهای سیاسی، جاری است. اگرچه مذاکرات دوجانبه و چندجانبه طرفین مناقشه پس از جنگ دوم قره باغ، دارای پیچیدگی و حساسیت بالایی بوده، با این حال از پیشرفت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. امضای توافقنامه صلح مقدماتی اخیر دو کشور ارمنستان و آذربایجان، در شهر واشنگتن (در ۸ اوت/ ۱۷ مرداد) نقطه عطف مهمی در مسیر دستیابی به توافق صلح نهایی و واقعی محسوب می‌شود. بر اساس این توافقنامه ۱۷ بندی، دو کشور در زمینه موضوع پرتنش بازگشایی راه‌های مسدود شده منطقه (که منافع دو کشور و سایر کشورهای منطقه از جمله ایران را تأمین می‌کند و حاکمیت سرزمینی و حقوقی ارمنستان را هم محترم می‌شمارد) به توافقات خوبی رسیده‌اند. بر اساس این توافقنامه، سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان از طریق استان سیونیک ارمنستان به بخش برونگان این کشور؛ یعنی جمهوری خودمختار نخجوان (بدون تغییر مرزهای سیاسی و ژئوپلیتیک منطقه) دسترسی پیدا می‌کند و در مقابل جمهوری آذربایجان نیز با انجام اقدام متقابل، دسترسی ارمنستان به خاک ایران را از طریق خط آهن نخجوان - جلفا فراهم می‌کند. نکته حائز اهمیت این است که موضوع مناقشه برانگیز اجرای به اصطلاح «کریدور زنگزور» که از سوی دولت آذربایجان و ترکیه و محافل پان‌ترکیستی به شدت تبلیغ و مطالبه می‌شد و در هیچ کدام از توافقات دوجانبه و چندجانبه رسمی نیز وجود نداشت، از دستور کار خارج شده است. در این میان، در بیانیه سه جانبه واشنگتن^۱ که جدا از توافقنامه صلح مقدماتی است، نکات منفی امنیتی^۲ در خصوص توسعه راه‌های ارتباطی توسط آمریکا در خاک ارمنستان (استان سیونیک) وجود دارد. در این بیانیه، افزایش نقش آفرینی

۱ - به غیر از توافقنامه دوجانبه صلح مقدماتی در تاریخ ۸ اوت ۲۰۲۵م. بیانیه سه جانبه نیز در واشنگتن به امضا رسیده که از آن با عنوان «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین المللی» یاد می‌شود.

۲ - مقامات ارمنستان، در ملاقات با مقامات ایرانی، سعی کرده‌اند، نگرانی‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران را برطرف نمایند.

حکمرانی تمدن ساز خانواده، گذار از سیاست های غرضی به تمهید ساحت متعالی



دکتر زاضیه اکبری

رئیس کارگروه زنان و خانواده اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری

فقه حکومتی، رسالت حکومت اسلامی نه صرفا اداره امور، بلکه زمینه سازی برای شکوفایی استعداد های انسانی است. این رسالت در حوزه خانواده، به معنای یک گذار راهبردی از «سیاست گذاری برای خانواده» به «تمهید ساحت تعالی خانواده» است. فقدان یک الگوی جامع که این تحول بنیادین در نگرش را صورت بندی کند، پرسش اصلی این پژوهش را شکل می دهد: چگونه می توان الگویی از حکمرانی را برای خانواده طراحی کرد که با عبور از آفت های رویکرد واکنشی، به احیای جایگاه تمدنی این نهاد مقدس بی انجامد؟ در پاسخ، این پژوهش «الگوی حکمرانی تمهیدی» را به عنوان یک چارچوب نظری- عملی بدیل، تبیین و تشریح می نماید.

مبانی نظری: از نگاه مکانیکی و تقلیل گرایانه به حکمت ارگانیک و حیات محور

ریشه رویکرد واکنشی و مداخله گر در سیاست گذاری، نگاه مکانیکی به جامعه است که پیش فرض فلسفی پنهان است؛ در این دیدگاه، جامعه مانند یک ماشین بزرگ و دولت، صنعتگری است که قطعات معیوب آن (خانواده های مشکل دار) را تعمیر یا تعویض می کند. این نگرش، با حقیقت ارگانیک و حیات مند جامعه و به ویژه نهاد خانواده در تضاد است. خانواده یک ماشین بی جان نیست، بلکه یک موجود زنده و ذی شعور است که از روابط درونی پیچیده و تعاملات حیاتی با محیط خود تغذیه می کند. هرگونه تدبیر جزئی و بیرونی که این کلیت پویا را نادیده بگیرد، یا بی اثر خواهد بود یا به نتایج ناخواسته منجر خواهد شد، درست مانند دارویی که عضوی را درمان می کند، اما به عضو دیگر آسیب می رساند.

در مقابل، این پژوهش بر «حکمت ارگانیک و حیات محور» استوار است و جامعه را یک نظام زنده می بیند؛ نظامی متشکل از اعضا و قوای گوناگون که در پیوند متقابل به سوی غایت مشترکی در حال حرکت هستند. در این منظر، نقش حاکمیت، به مثابه قوه عاقله و مدبره نظام، نه دخالت در کارکرد تک تک اعضا، بلکه باغبانی اکوسیستم اجتماعی است. باغبان، گل را با دست نمی کشد تا رشد کند؛ بلکه با فراهم کردن آب، نور و خاک مناسب، شرایط رشد طبیعی و شکوفایی آن را تمهید می کند. این منطق، تجلی «حکمت الهی» در تدبیر عالم و ریشه در اصول کلامی- فقهی چون «قاعده لطف» و «فلسفه تمهید اسباب» دارد. بر این اساس، حکمرانی شایسته آن است که با زمینه سازی مساعد، استعداد های درونی خانواده را به فعلیت رسانده و مسیر حرکت اختیاری آن به سوی کمال را هموار سازد.

ارکان سه گانه الگوی حکمرانی تمهیدی

تحلیل مبانی نظری، نشان می دهد که گذار به حکمرانی تمهیدی و توانمند ساز برای خانواده، بر سه رکن مکمل و به هم پیوسته استوار است که باید به صورت یکپارچه و سیستمی به آن ها نگریست.

حکمرانی در حوزه خانواده، علیرغم جایگاه تمدن ساز آن در گفتمان انقلاب اسلامی، عمدتا در چارچوب سیاست گذاری های واکنشی و معلول نگر محصور مانده است. این رویکرد، که بر مقابله با پدیده هایی چون طلاق، تأخیر در ازدواج و بحران جمعیت متمرکز است، به دلیل غفلت از ماهیت ارگانیک، ذی شعور و چند بُعدی خانواده، به توفیق پایدار نرسیده و اغلب به راهکار های کوتاه مدت و ناکارآمد منجر شده است. این نوشتار، با رویکرد تحلیلی- بنیادی و با الهام از حکمت اسلامی، به دنبال ارائه یک پارادایم بدیل است. استدلال اصلی آن است که گذار از وضع موجود، مستلزم تحول معرفتی از «مداخله در عوارض» به «تمهید شرایط تعالی» است. بر این اساس، «الگوی حکمرانی تمهیدی» معرفی می گردد که بر سه رکن مکمل استوار است.

۱. تکوین افق معنایی؛ از طریق بازخوانی حکیمانه مفاهیم اصیل و ترجمان آن در فرهنگ عمومی
 ۲. استقرار نظام منزلت، مبتنی بر سازوکار های اعتباری و ترغیبی هوشمند
 ۳. تأسیس بستر مشارکت، برای هم افزایی ظرفیت های حاکمیتی، مردمی و خصوصی.
- این الگو، نقش حاکمیت را از تصدی گری جزئی نگر به زمینه سازی کلان و توانمند ساز تغییر داده و با منطق «تمهید اسباب»، به دنبال احیای کرامت، کارآمدی و فاعلیت ذاتی خانواده به منزله کانون اصلی تمدن سازی است.

مقدمه

در منظومه فکری انقلاب اسلامی، خانواده نه صرفا یک واحد اجتماعی، بلکه سلول بنیادین تمدن و خاستگاه قوام جامعه معرفی می شود. با این وجود، نگاهی به کارنامه سیاست گذاری در این حوزه، شکافی عمیق میان این آرمان بلند و رویکردهای عملی را آشکار می سازد. به نظر می رسد، سیاست گذاری خانواده اغلب در سطح مدیریت بحران باقی مانده و به ریشه ها نپرداخته است. رویکرد غالب، واکنشی به آمار های نگران کننده است، گویی وظیفه حکمرانی تنها مرهم نهادن بر زخم هایی چون افزایش طلاق، یا جبران موانع اقتصادی ازدواج با ابزار های مالی است.

این نگرش، که می توان آن را «سیاست گذاری سطحی و روبنایی» نامید، از دو جهت ناکارآمد است: نخست؛ با تقلیل گرایی، حقیقت چند بُعدی و متعالی خانواده را به مجموعه ای از نیاز های مادی و مشکلات حقوقی فرو می کاهد. دوم؛ با تمرکز بر مداخله مستقیم، شأن فاعلیت و کرامت ذاتی خانواده را نادیده گرفته و ناخواسته آن را به یک موجود منفعل و نیازمند قیمومیت دائمی دولت بدل می سازد.

این در حالی است که بر اساس مبانی حکمت متعالیه و

رکن اول: تکوین و تعالی افق معنایی

اساس قوام و جهت‌گیری هر جامعه‌ای، سپهر معنایی حاکم بر آن است؛ نظامی از باورها، ارزش‌ها و تلقی‌ها که به کنش‌های افراد، هدف و عمق می‌بخشد. ریشه بسیاری از بحران‌های کنونی خانواده، نه در کمبود امکانات، بلکه در فرسایش و اغتشاش این سپهر معنایی است؛ از اینرو، اولین و بنیادی‌ترین وظیفه حکمرانی حکیمانه، نه مدیریت امور مادی، بلکه اهتمام به ساحت فرهنگ و معنا است. این مهم از دو طریق مکمل حاصل می‌شود.

۱. بازخوانی حکیمانه مفاهیم: به جای تکرار سطحی و تبلیغاتی مفاهیم دینی، باید با یک غور عمیق معرفتی، مفاهیم بنیادین مرتبط با خانواده را احیا و بازتعریف کرد. مفاهیمی چون «سکینه» (به منزله آرامش وجودی و ثبات درونی)، «مودت» (به منزله عشق آگاهانه و مسئولانه) و «رحمت» (به منزله مهرورزی تعالی‌بخش و رشددهنده)، باید از سطح پندهای اخلاقی، فراتر رفته و به اصول راهبردی برای سیاست‌گذاری فرهنگی و فهم روابط خانوادگی بدل شوند. ۲. ترجمان هنرمندانه در فرهنگ عمومی: این معانی عمیق، باید توسط اندیشمندان و نخبگان فکری، برای اصحاب فرهنگ و هنر «ترجمه» شوند تا در قالب آثار فاخر روایی، سینمایی و ادبی، در جان جامعه نفوذ کنند. هدف، نه تبلیغ مستقیم، بلکه ارتقای ذائقه عمومی و شکل‌دهی به یک افق معنایی جدید است. نقش حاکمیت در اینجا، نه تولید محتوا، بلکه حمایت هوشمندانه از جریان‌های فکری و فرهنگی اصیلی است که این مأموریت را بر عهده می‌گیرند.

رکن دوم: استقرار نظام منزلت و ترغیب

کنش‌های انسانی در خلاء رخ نمی‌دهند؛ بلکه پاسخی هوشمندانه به ساختار فرصت‌ها و منزلت‌ها در جامعه هستند. رکن دوم حکمرانی تمهیدی، طراحی هوشمندانه این ساختار است، به گونه‌ای که انتخاب‌های همسو با تعالی خانواده (مانند ازدواج پایدار، فرزندآوری مسئولانه و مشارکت اجتماعی)، به صورت طبیعی و نظام‌مند، مورد تکریم و تشویق قرار گیرد. این امر فراتر از پرداخت‌های مالی مستقیم عمل می‌کند.

۱. تأسیس نظام اعتبار اجتماعی خانواده: باید سازوکاری طراحی شود که در آن، کنش‌های ارزشمند خانواده به «سرمایه اعتباری» برای آن تبدیل شود. این اعتبار، نه به معنای دریافت صدقه، بلکه کلیدی است برای برخورداری از فرصت‌های اجتماعی برتر؛ مانند اولویت در اشتغال، دسترسی به تسهیلات خاص و بهره‌مندی از امکانات آموزشی و فرهنگی باکیفیت. این رویکرد، کرامت خانواده را به مثابه یک کنشگر شریف و مولد احیا می‌کند، نه یک مصرف‌کننده منفعل.

۲. تنظیم هوشمندانه امتیازات و تکالیف: با استفاده از ابزارهای قانونی و اقتصادی، می‌توان امتیازات ویژه‌ای برای خانواده‌های پایدار و مولد در نظر گرفت. در مقابل، می‌توان تکالیف اجتماعی مشخصی (مانند مالیات‌های هدفمند یا محدودیت در برخی امتیازات عمومی) را برای افرادی که بدون عذر موجه از تشکیل خانواده امتناع می‌ورزند، وضع نمود.

هدف از این تنظیم‌گری، نه اجبار، بلکه ایجاد یک شیب ملایم اجتماعی است که انتخاب گزینه‌های همسو با منافع بلندمدت جامعه را جذاب‌تر و منطقی‌تر سازد.

رکن سوم: تأسیس بستر مشارکت و هم‌افزایی

هیچ دولتی، به تنهایی، از ظرفیت حل تمام مسائل پیچیده اجتماعی برخوردار نیست. رکن نهایی حکمرانی تمهیدی، تغییر نقش دولت از یک «متصدی همه‌کاره» به یک «معمار و تسهیل‌گر اکوسیستم اجتماعی» است؛ بستری که در آن، نیروهای حاکمیتی، مردمی و خصوصی بتوانند استعدادهای خود را در خدمت به نهاد خانواده هم‌افزا کنند.

۱. ایجاد کانون‌های دیده‌بانی و اندیشه‌ورزی: حاکمیت، باید از تشکیل حلقه‌های نخبگانی و مردمی برای رصد دقیق وضعیت خانواده در مقیاس‌های محلی و ملی حمایت کند. این مراکز، می‌توانند به مثابه «سیستم عصبی جامعه» عمل کرده، مسائل را پیش از بحرانی شدن شناسایی و راه‌حل‌های بومی و خلاقانه ارائه دهند.

۲. تسهیل‌گری برای کنشگران اجتماعی: باید موانع قانونی و بوروکراتیک برای ورود نهادهای مردمی، خیریه‌ها و بخش خصوصی توانمند به عرصه ارائه خدمات تخصصی به خانواده (مانند مشاوره‌های عمیق، آموزش‌های کاربردی و خدمات فرهنگی نوآورانه) برداشته شود. نقش دولت، قاعده‌گذاری، اعتبارسنجی و حمایت است، نه اجرا.

۳. ساماندهی ارتباطات و هدایت ظرفیت‌ها: حاکمیت با اشراف کلانی که دارد، می‌تواند نقش یک «هماهنگ‌کننده بزرگ» را ایفا کند. با ایجاد پلتفرم‌های اطلاعاتی و ارتباطی، می‌تواند نیازهای یک بخش را به ظرفیت‌های بخش دیگر متصل کرده و از اتلاف منابع جلوگیری نماید تا توان‌ها را راستای اهداف مشترک، هم‌افزا شوند.

نتیجه‌گیری

«الگوی حکمرانی تمهیدی» که در این پژوهش تبیین شد، طرحی برای یک گذار پارادایمی؛ خروج از بن‌بست سیاست‌گذاری‌های واکنشی و ورود به ساحت حکمرانی حکیمانه و تمدن‌ساز است. این الگو، با انتقال کانون توجه از «مداخله در معلول» به «تمهید علت» و با بازتعریف نقش حاکمیت از «متصدی جزئی‌نگر» به «مدبر زمینه‌ساز»، به دنبال احیای کرامت، فاعلیت و کارآمدی ذاتی نهاد خانواده است. ارکان سه‌گانه معنا، منزلت و مشارکت، در یک پیوند ارگانیک، اکوسیستمی را فراهم می‌آورند که در آن، خانواده می‌تواند به صورت خودجوش و بالنده، مسیر تعالی خود را پییماید.

این رویکرد، صرفاً نظریه مدیریتی نیست، بلکه ترجمان عملی «فقه نظام» است که غایت آن نه فقط پاسخ به مسائل فردی، بلکه مهندسی نظامی اجتماعی است که مقاصد متعالی شریعت را به بهترین شکل محقق می‌سازد. پیاده‌سازی این الگو، بیش از هرچیز، نیازمند شجاعت در تحول معرفتی نزد سیاست‌گذاران، پژوهشگران و نخبگان فرهنگی است. امید است این طرح، سرآغازی برای گفتمان‌های عمیق‌تر و اقدامات عملی در جهت استقرار یک نظام حکمرانی شایسته خانواده، در تراز تمدن نوین اسلامی باشد.





نشست مجمع نمایندگان استان های شرق کشور
 در این نشست بر نقش محوری اندیشکده های حکمرانی در تدوین برنامه توسعه استان های شرقی تاکید شد



اندرشکده های حکمرانی و قانون گذاری








 @HokmRah
 andishkadeh.mrc.ir